

# TAKHASOS

Monthly 140 - 141

ماہنامہ تخصص  
اولیٰ نشراتی نورانی نستان

ماہنامہ تخصص  
ارکان نشراتی نورانی نستان  
شماره ۱۴۰ / ۱۴۱ دور سوم حمل / ثور ۱۳۹۹ خورشیدی  
مطابق با آپریل / می ۲۰۲۰ میلادی



نمایی از زیارت شامسزاده از شمکاربای  
معماری قرن نهم هجری در هرات





پروژه‌های مدیریت محصولات زراعی در دوره کرونا به ارزش ۵۲۰ میلیون افغانی در هرات آغاز شد



# به دیدگاه‌های علمی – تخصصی باید احترام گذاشته شود!

امروز جوامع بشری و کشورهای که به مدارج عالی از ترقی و شکوفایی رسیده‌اند، یکی از عوامل آن استفاده سیاستمداران این کشورها از نظریات علمی و تخصصی، متخصصان و تحصیلکرده‌گان و صاحب‌نظران رشته‌های مختلف علمی بوده است، که بر مبنای قوانین، اصول و معیارهای تخصصی ارائه می‌گردد، جایگاه مراکز علمی و تخصصی در صدر توجه دولتمردان قرار دارد. متأسفانه در کشور ما به این اصل توجه واقعی و عملی صورت نمی‌گیرد و صرف به شکل ابزاری و تبلیغاتی از کدرهای علمی استفاده سوء به عمل می‌آید.

به کسی پوشیده نیست که اوضاع سیاسی، اقتصادی و اصل حکومت‌داری ما در بدترین شرایط قرار دارد که این امر باعث رشد ناامنی، بیکاری و وضعیت بد اقتصادی شده است.

طوریکه تجربه شده است در اکثریت برنامه‌ها برای اخذ نظریات، یا اصلاحات از جانب نهادهای دولتی از کادرهای تخصصی دعوت بعمل می‌آید، اما به دیدگاه‌های تخصصی‌شان توجه نمی‌شود بلکه بیشتر صاحبان قدرت دولتی و سیاسی علاقمند تحمیل دیدگاه‌های خود هستند، این اصل به شدت نگران کننده است.

درین حالت عناصر فرصت طلب و استفاده جو برای کسب منفعت مادی و شخصی در تبنی با همفکران خود در زنجیره قدرت سیاسی، رشد فوق‌العاده داشته و به شکل مافیای عمل می‌کنند که در نتیجه‌ی آن قدرت خدمات رسانی نهادهای دولتی و انتخابی را به شدت تضعیف کرده است.

دولت ناکار آمد ما محصول همین جریان‌هاست، فساد قویاً نهادینه شده و روبه رشد است. همه روزه میلیون‌ها افغانی عواید دولت ضایع می‌شود، قرار گزارش‌های منابع تخصصی، مقدار پرداخت شده رشوه توسط مردم به کارمندان دولتی تقریباً معادل جذب عواید دولت از منابع عایداتی است و این بیانگر عمق فاجعه است.

با وجود وعده‌های بسیار زیاد رهبران حکومت برای مبارزه با فساد اداری، اما نتیجه آن تقریباً هیچ است. ما بدین باور هستیم تا تغییرات بنیادی در سیستم حکومت‌داری بوجود نیاید و مبارزه قاطع و آشتی‌ناپذیر با شبکه‌های مافیایی درون حکومتی انجام نیاید امیدوی برای اصلاحات وجود ندارد.

فشار و رنج و بار این مشکلات بر دوش ملت زجر کشیده و پریشان حال ما است که سال‌هاست دست نوازش بر شانه‌های خود احساس نکرده و هر روز منتظر یک حادثه بد و خیر ناگوار است.

## عناوین

- |  |  |   |
|--|--|---|
| ۱) سرمقاله .....                           | ۱  | ۱۲) شهرهای بلند و مشکلات زنده‌گی..... ۲۲/۲۱     |
| ۲) مراتب یقین- شرح اشیاء منثوی... ۳/۲      |  | ۱۳) پروژه‌های مدیریت محصولات زراعتی در ..... ۳۳ |
| ۳) آسیب‌شناسی آفت چابولوسی در..... ۵/۴     | ۱۴) روی دیگر کرونا در هرات..... ۲۴                 |   |
| ۴) آسمان خراشی در باد فراموشی..... ۷/۶     | ۱۵) کرونا؛ هوش مصنوعی به چپه نبرد..... ۲۵          |   |
| ۵) بررسی اثرات اقتصادی شیوع کرونا..... ۹/۸ | ۱۶) هیجان اختر شناسان از مطالعه ..... ۳۶           |   |
| ۶) بررسی علل کاهش مراتع و... ۱۳/۱۲/۱۱/۱۰   | ۱۷) تهدید کرونا برای فوتبال اروپا؛ بازگتان..... ۲۷ |   |
| ۷) عدم کفایه سیرویکس..... ۱۵/۱۴            | ۱۸) پرستاران هرات؛ روی ترس لگد کرده و..... ۲۸      |   |
| ۸) قرنطینه سرود زنده‌گی یا زندان .... ۱۶   | ۱۹) شعر «شکوة وطن» ..... ۲۸                        |   |
| ۹) ذمی با استاد عبدالناصر صوابی... ۱۷      | ۲۰) شبکه نهادهای جامعه مدنی هرات: حملات..... ۲۹    |   |
| ۱۰) صلح و توسعه ..... ۱۹/۱۸                | ۲۱) انسان مغرور و ویروس کوچک ..... ۳۰              |   |
| ۱۱) بررسی بی‌تفاوتی شهروندان افغان... ۲۰   | ۲۲) تحقیق در مورد حادثه اخیر در دهنة ..... ۳۱      |   |
|  | ۲۳) نماهای از زیارت شاهزاده‌ها از شهکارهای..... ۳۲ |   |

## صاحب امتیاز: شورای متخصصان

**مدیر مسئول: الحاج محمد رفیق شهیر**  
**هیئت تحریر: محمد ناصر رهیاب،**  
**سید معیدالحق موحدی، عبدالرحیم امید،**  
**داکتر عبدالقیوم قائم، انور شاه یوسفی و صلاح‌الدین جامی.**  
**گزارشگر: فریبا اکبری**

**طراح جلد و صفحه آرائی: عبدالحق مرادی**  
**تیراژ: ۱۰۰۰ جلد**  
**قیمت ۲۰ افغانی**  
**نشانی: دفتر شورای متخصصان هرات، مقابل ریاست**  
**مخابرات، تعمیر بهسود زاده منزل دوم**



# مراثی‌نصرتین

شرح  
ابیات  
مثنوی



عبداللطیف محمدی

شان همگان را مستخر کرده است. و مولانا در حکایت ابراهیم ادهم، همان معنا را بسط می‌دهد. ابراهیم ادهم (رح) با ترک ریاست‌های دنیوی و پشت‌پا زدن به مادیات، به آیین فقر درآمد و به برکت آن به استغنائی رسید که تمام دنیا با مظاهر زیبا و چشم‌افسایش در نظر او به چیزی نمی‌ارزید. چون او به صدق و یقین رسیده بود و انسان جهت معرفت و پرستش کامل پروردگار باید مراحل کمال صدق و یقین را بپیماید.

انسان آنچه را که با چشمان خود می‌نگرد، باور او را تقویت می‌کند و به دنبال این باور عینی، جوهر صدق در گفتار و رفتار فراهم می‌آید. حضرت مولانا جلال الدین می‌گوید: همین‌که چشم انسان پدیده‌ها را می‌بیند قدرت ناطقه او باور می‌شود و برای بیان آنچه دیده است به سخن و کلام روی می‌آورد و نیروی کلام در او شکل می‌گیرد و همین‌که نطق از دیدن فراهم شد، زمینه افزایش صداقت در نگاه کردن و دیدن را فزونی می‌بخشد و این دو مکمل یکدیگر می‌شوند؛

(ادامه مطلب در صفحه بعد)

است؟ ابراهیم ادهم که عارفی کامل بود و بر ضمائیر اشخاص، واقف. در همان لحظه فکر او را خواند و برای قانع کردن وی سوزن خود را به دریا افکند و چیزی نگذشت که صدها هزار ماهی سر از آب بیرون آوردند در حالی که در دهان هر یک سوزنی از طلا بود. ماهیان به ابراهیم خطاب کردند: ای عارف حقیقی همه این سوزن‌ها از آن توست. بگیر، ابراهیم رو به امیر کرد و گفت: ای امیر، حکومت بر دل‌ها مهم‌تر است یا حکومت بر تخت‌ها؟ امیر از تماشای این صحنه شگرف به وجد و شور دچار شد و گفت: وقتی ماهیان از روح عارف خیر دارند، وای به حال کسی که از او بی‌خبر باشد. اصل این حکایت در تذکرة الاولیاء، ص ۱۰۴ و ۱۰۵).

مولانا در ابیات اخیر فرمود: سلطنت حقیقی به خزانه و لشکر و عده و عده دنیوی نیست. بلکه به درآمدن به آیین فقر است. چنانکه رسول اکرم (ص) نمونه اعلا سلطنت راستین است. حشمت ایشان به تمهیدات ظاهری بسته نبود. چرا که ایشان در نهایت سادگی زندگی می‌کردند. اما قدرت و شکوه باطنی

دیدن دیده، فزاید نطق را نطق در دیده، فزاید صدق را صدق بیداری هر حس می‌شود حس‌ها را ذوق مونس می‌شود

دیدن چشم، آتش عشق را دامن می‌زند و عشق، صدق را در دل می‌افزاید و صدق باعث بیداری تمام حواس می‌گردد و ذوق مونس آنان می‌گردد.

دو بیت بالا ابیات پایانی حکایت ابراهیم ادهم (رح) است که می‌توان گفت پیام و خلاصه این حکایت تمثیلی گرچه از کرامت دوستان خدا بعید نیست در این دو بیت نهفته است. در این حکایت ابراهیم ادهم (رح) ضمن سیر و سیاحت به لب دریایی رسید و آنجا نشست و به دوختن پاره‌های خرقه‌اش مشغول شد. در این اثنا امیری که در سال‌های پیشین غلام او بود از آنجا گذر می‌کرد. همین‌که چشمش به ابراهیم ادهم (رح) افتاد او را شناخت. ولی با کمال تعجب اثری از شاهزادگی و امارت در او نیافت. بلکه او را درویشی بی‌پیرایه و خاکسار یافت. پیش خود گفت: پس کو آن حکومت و سلطنت و حشمت و جلال؟ چرا این قدر خاکسار و زولیده حال شده





### ادامه مطلب ...

دیدن، بیان را به دنبال می‌آورد و بیان حقایق صدق در نگاه را تقویت می‌کند. و نفس صداقت و پاکی در کلام، سایر حواس آدمی را بیدار می‌کند و ذوق و شوقی در حواس انسان پدیدار می‌شود، همین‌که حواس آدمی با ذوق که عبارت از لذت وجدانی است در آمیخت و همراه شد قوه تمیز حق و باطل آشکار می‌گردد و مطلوب از نامطلوب باز شناخته می‌شود و همین‌که حواس درونی به بیداری رسید استعدادهای درون آدمی شکوفه می‌دهد

**صدق، بیداری هر حس می‌شود**  
**حس‌ها را ذوق مونس می‌شود**  
در این مرحله، سالک چیزی را می‌بیند و می‌شنود و حس می‌کند که غیر سالک نه می‌بیند و نه می‌شنود و نه هم حس می‌کند. زیرا اگر یکی از حواس باطنی انسان بیدار شود سایر حواس درونی نیز هوشیاری می‌یابند و کم‌کم آدمی را از قیود طبیعت آزاد می‌کنند:

**چون یکی حس در روش بگشادیند**  
**ما بقی حس‌ها همه مُبدل شوند**  
**چون یکی حس غیر محسوسات دید**  
**گشت غیبی بر همه حس‌ها پدید**  
با آن که دیدن با چشم ظاهر صورت می‌گیرد، عشق و محبت معنوی است، و صدق در قلب است اما هر کدام از این حواس به حواس دیگر تأثیر گذار است.

**پس بدانی چون که رستی از بدن**  
**گوش و بینی چشم می‌داند شدن**  
**راست گفته است آن شه شیرین زبان**  
**چشم گردد مو بموی عارفان**

حضرت بایزید (رح) فرموده است:  
«لَا يَصِيرُ الرَّجُلُ مِنَ الْعَارِفِينَ حَتَّى يَصِيرَ كُلُّ شَعْرٍ مِنْهُ عَيْنًا نَاطِقَةً: هر موی بدن عارف تبدیل به چشمی بینا می‌شود.» (شرح مثنوی، چاپ کاتبور، ص ۱۹۳)

**همه دیده گشته چو نرگس تنش**  
**نگشته یکی خار پیرامنش**  
**در آن نرگسین حرف کان باغ داشت**  
**مگو زاغ کو مهر ما زاغ داشت**

حضرت امام محمد غزالی (رح) در رساله «شرح الصدر» مراتب ایمان و یقین را به سه مرتبه علم‌الیقین (تعلق)، عین‌الیقین (تخلُّق) و حق‌الیقین (تحقق) دسته بندی نموده و می‌فرمایند: معرفت اولین و پایین‌ترین مرتبه که عبارت از ایمان عوام است مانند این است که: فلانی در فلان خانه است اما این علم فقط مبنی بر شهادت و قول کسانی است که وجود فلانی را در آن خانه تصدیق کرده‌اند.

مرتبه دوم مانند این است که صدای آن شخص را از پشت دیوار شنیده‌اند و یقین کرده‌اند که او باید در خانه باشد. این مرتبه گرچه نسبت به مرتبه قبلی قابل اطمینان است نه این‌که فقط از روی گفته دیگران بر وجود او در آن خانه آگاه باشد اما باز بر یقین او جای ایراد هست چون ممکن است صدایی که وی آن را صدای آن شخص می‌پندارد در واقع از آن شخص نباشد و وی در این امر دچار توهم شده باشد یا این‌که صدای او را در آن خانه کسی به عمد تقلید کرده باشد.

و اما مرتبه سوم عبارت از تصدیقی است که در باب آن هیچ جای شبهه نیست. مانند تصدیق کسی که نه به شهادت دیگران اتکاء کند و نه تسلیم صدایی که از پشت دیوار می‌شنود بشود بلکه به داخل خانه برود و شخص را درون خانه مشاهده کند و این ایمان عارفان و صدیقان است که به نور یقین به مشاهده می‌رسند و عالی درجه معرفت همین است که در آن شبهه و خطا نیست.

**مثال دیگر:** به وجود آتش علم یقین دارید، اما هنوز آن را ندیده و حرارت و سوزش آن را احساس نکرده‌اید، اینجا مقام علم‌الیقین است.

و چون خود آتش و آثار آن را مشاهده کردید مرتبه عین‌الیقین است و چون خدای نخواست در آتش افتادید و سوختید و عین آتش شدی، به درجه حق‌الیقین رسیده‌اید. هر مرحله نسبت به مرحله پایین تر خود به همان پیمانه خوشبختی تولید

می‌کند ولی این احساسات و ادراکات به جز از تجربه قلبی قابل بیان نیستند؛ تفاوت درجات ایمان نیز بدین ترتیب است. شاخه‌های ایمان زیاداند، ولی ریشه‌های آن در سه چیز است: ایمان به خداوند (ج)، ایمان به آخرت و ایمان به حضرت محمد مصطفی (ص).

مولانای بلخی (رح) درباره این سه مرحله یا سه منزل مدارج کمال روحانی بشر می‌فرماید:

**نقش و قشر علم را بگذاشتند**  
**رایست عین‌الیقین افراشتند**  
**ز آتش ار علمت یقین شد از سخن**  
**پختگی جو در یقین منزل مکن**  
**تا نسوزی نیست آن عین‌الیقین**  
**این یقین خواهی در آتش درنشین**  
از همین جهت است که می‌فرماید:

**حاصل عمرم سه سخن بیش نیست**  
**خام بُدم، پخته شدم، سوختم**  
و این ایمان عارفان و صدیقان است از جمله ابراهیم ادهم (رح) است که به درجه عالی معرفت و نور یقین به مشاهده رسیده بود. در پایان، قلمرو عرفانی-تربیتی مثنوی مولانای بزرگ (رح) مسیر کمال و خودشناسی را برای سالکان راه حقیقت روشن می‌سازد و روزه‌هایی بر عالم معنا می‌گشاید. این کتاب حکمت‌های فراوانی را برای انسان‌ها به ارمغان آورده است. می‌توان گفت که مثنوی مثل یک دایره است که در آغازش می‌گوید: بشنو! از روزه‌ی نی گوش می‌کنیم به حکایت‌نی؛ بشنو از نی چون حکایت می‌کند، در پایان کتاب هم می‌گوید از روزه دل ببین! یعنی پنجره دل‌ها روبروی هم باز است؛ ببین! زان که از دل جانب دل روزه است. و وقتی که ما از روزه دل به دنیا نگاه کنیم، قطعاً دیدگاه‌هایمان تغییر بنیادی پیدا می‌کند.

### منابع:

سبزواری، م. د. (۱۳۹۲). شرح مثنوی. سازمان چاپ و انتشارات.  
غزالی، ا. م. (۱۳۹۸). شرح الصدر. (ع. محمدی، Trans). هرات: اقبال.  
قنبری. (n.d). هزار قانون زندگی.  
نثری، م. (n.d). نثر و شرح مثنوی.





# آسیب‌شناسی آفت چاپلوسی در فرهنگ افغانستان

سید محمد فقیری - جامعه‌شناس

تملق و یا چاپلوسی را باید به عنوان یک آفت فرهنگی دانست که پیامدهای بسیار ناگواری را فراروی تکامل کیفی یک جامعه خلق می‌کند. این ژن مشترک اجتماعی در افغانستان بسیار نیرومند است که همه دوست دارند مورد توجه و تحسین قرار بگیرند.

وضعیت جغرافیایی، زندگی در مجاورت کوهستان، استبداد سیاسی، راه‌های صعب‌العبور، بی‌ثباتی سیاسی و ضعیف بودن حکومت مرکزی از جمله عوامل جان گرفتن چاپلوسی در جامعه افغانستان بوده است.

تملق در مقاطعی به عنوان چتر حمایتی برای مردم عمل کرده است و مصئون‌ترین راه برای محافظت‌شان از آزار زورمندان بوده و آن‌ها برای گریز از مزاحمت فیودالان، لرباب‌ها و قلدران به تملق پناه می‌بردند.

مناسبات تاریخی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی از عوامل اصلی ظهور چاپلوسی به عنوان یک آفت فرهنگی بوده است. در کتاب‌های درسی مکاتب در گذشته می‌توان نمونه‌های زیادی از مدح شاعران از حاکمان را مشاهده کرد و بدون شک دانش‌آموزی که با چنین متونی آشنا شود، طبعاً مدح کردن و اغراق در توصیف افراد را به عنوان یک امر مذموم نکوهش نمی‌کند.

فقر اقتصادی از دیگر عوامل گسترش چاپلوسی بوده است و بخشی از این سنت را شاعران بنا نهادند. آنها برای دست یافتن به ثروت و رسیدن به دربار به مدح حاکمان پرداختند.

برخی به این باور اند که چون در گذشته هنرهای

دیگر از جمله موسیقی، مجسمه‌سازی و نقاشی حرام و یا به نوعی طرد می‌گردید، این شعر بود که بار مسئولیت آن‌ها را نیز به دوش کشید و اما شاعران هیچ‌گاهی رسالت و مسئولیت یک نقاش را عملی نکردند اما در قسمت نقش مجسمه‌ساز شاعران موافقم، شاعران بت‌های را در شعرشان خلق کردند که قرن‌ها باید مبارزه کرد تا افکار عمومی را از این همه اغراق، بزرگ‌نمایی و مدح زدود. شعار زیادی از شاعران با مدح و تملق حاکمان، سنتی را بنا نهادند که پیامد آن به حاشیه راندن نقد و انتقاد و میدان یافتن ستایش و چاپلوسی بوده است.

الگوهای فرهنگی در خانواده‌های افغان نیز به نهادینه ساختن چاپلوسی کمک کرده است. خانواده‌ها از ابتدا در صدد تربیه اطفال مطیع هستند و اطاعت بی‌چون و چرا اطفال را نشانه ادب‌شان تعریف می‌کنند. برای همین است که ما مردم پرسش‌گری نیستیم چون در خانواده صرفاً اطاعت کردن را یاد می‌گیریم و نه انتقاد کردن را.

تاریخ رسمی افغانستان نیز در ترویج تملق نقش اساسی داشته است. در تاریخ معاصر بسیاری از چهره‌های سیاسی به شکل افراطی تحسین می‌شوند و با القاب عجیبی مورد احترام قرار می‌گیرند.

تملق ریشه‌های تاریخی عمیقی دارد. شما به القابی که به حاکمان و زورمندان حداقل در صد سال گذشته داده می‌شد دقت کنید و حقارت لقب‌دهنده‌گان و لقب گیرنده‌گان را بیش‌تر خواهید دانست. به گونه مثال القابی هم‌چو: سراج‌الملت و الدین و ضیال‌المله و الدین، خادم دین رسول‌الله، امیرالمومنین، اعلی‌حضرت، استاد، غازی، بابه، جلالت‌مآب، حضرت، پروفیسور و غیره از جمله القابی بودند که صرفاً به دلیل اغراق به

تملق به این افراد صاحب زر و زور داده شده بود. اما نکته جالب در این‌جا است که رژیم ایدیولوژیک طالبان با توصیف اغراق آمیز افراد سازگاری نداشت. ملا محمد عمر دستور داده بود که برای هیچ فرد مسلمان و یا غیر مسلمان نباید از القابی مانند عالی‌جناب، اعلی‌حضرت و والا حضرت داده شود. در این‌جا چند نمونه از جریان نیرومند چاپلوسی در شریان‌های مناسبات اجتماعی مردم افغانستان ذکر می‌کنم و پیش از آن نیاز است تا به این نکته اشاره کنم که اهداف گوناگونی در پشت چاپلوسی نهان است که می‌توان از اهداف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نام برد. آفت چاپلوسی همه را در بر می‌گیرد و سیاست مدار و شاعر و استاد و روزنامه نگار هم ندارد.

در فرهنگ عامه افغانستان از تملق با واژه‌های هم‌چو چرخه‌گیر، دست‌مال‌کش، پاپوس، چاپلوس، ... مال و غیره یاد می‌شود. چند نمونه از آفت چاپلوسی در رفتارهای اجتماعی در جامعه افغانستان:

۱: یکی از مصداق‌های تملق به عنوان یک آفت فرهنگی در کشور تبریگی گفتن پس از تعیین یک فرد در یک بست بلند رتبه در یک اداره است. هنوز فرد کارش را در اداره شروع نکرده است که موج ستگین پیام‌های تبریگی در شبکه‌های اجتماعی و برقراری تماس‌های تلفنی با او شروع می‌شود. اهداف چاپلوس‌ها از فرستادن پیام‌های تبریگی لزوماً این نیست که فردی که تازه به منصب رسیده واقعاً شایستگی کافی انجام وظیفه را دارد بل که هدف اصلی آن‌ها محاسبه منفعت فردی‌شان است که اگر روزی کارشان در این اداره بند افتاد از نفوذ آن مقام استفاده کنند و یا به دیگران پوز بدهند که آن‌ها با شخصیت‌های بلند رتبه آشنایی دارند.

**ادامه مطلب در صفحه بعدی**





### ادامه مطلب ...

تبریکی گفتن به یک مقام در ابتدا اشغال وظیفه چیزی جز تملق و چاپلوسی نمی‌باشد، چون تبریکی باید در پایان کاریک مقام دولتی اگر مستحق آن بود داده شود نه در آغاز کار که هنوز هیچ چیزی مشخص نیست.

۲: در حال حاضر در کشور نسل جدیدی از نیم‌چه رهبران در حال ظهور هستند. این افراد با توانایی خودشان به پا ایستاد نشده‌اند بل که در زیر سایه نفوذ و قدرت پدر و یا نزدیک‌های‌شان و با حیل و حیرت برانگیز چاپلوس‌های دربار، اعتماد به نفس کاذب یک رهبر را پیدا کرده‌اند.

وضعیت هم به گونه‌ای شده که اگر این نیم‌چه رهبران مورد تملق درباریان شان قرار نگیرند و یا از سوی قسمتی از مردم جدی گرفته نشوند، آن‌ها تصور می‌کنند که همه با این افراد دشمنی دارند. فرد چاپلوس به حرف‌های بی‌مزه و بی‌محتوا این نیم‌چه رهبران نوظهور بلند می‌خندد تا مایه مسرت او شود و هر سخن او را تحلیل و تفسیر می‌کند تا به نان و نامی برسند.

۳: در برخی موارد تملق نیز رنگ و بوی جنسیتی به خود می‌گیرد. توصیف اغراق‌آمیز یک مرد حیل‌گر از لباس و یا اندام و یا رنگ مو و با نوع پیرایش یک زن که نسبتی با او ندارد خود مصداقی از تملق به هدف فریب دادن تعریف مقابل است. چاپلوسی مانند بی‌شعوری است و همان‌گونه که فرد بی‌شعور خودش نمی‌داند که از چنین مشکلی رنج می‌برد، افراد چاپلوس نیز هیچ‌گاهی بر چاپلوس بودن شان اعتراف نمی‌کنند.

اکثریت چاپلوسها اشعار زیادی در حافظه دارند و در جای مناسب این شعرها را نثار مراد شان می‌کنند. چاپلوس‌ها افراد با هوشی هستند و موقعیت‌ها را به درستی تحلیل می‌کنند. مراسم‌ها و مناسبت‌های که به یک شخص با نفوذ و پول‌دار تعلق دارد را می‌دانند.

سال‌گرد تولد افراد مورد نظرشان را با پیام‌های بلند تبریک می‌دهند. در مراسم‌های شادی با چرب زبانی به طرف مقابل می‌گویند که من هم میزبان هستم و نه مهمان.

۴: بخشی از رفتارهای تملق‌آمیز در نتیجه رفتارهای سیاست مداران زاییده شده است.

چنین انداختن بر شانه‌های قدرتمندان یکی از این نمونه‌ها است. هیچ دلیلی هم نمی‌تواند تا این رفتار تملق‌آمیز را توجیه کند. چنین انداختن بر شانه‌های یک فرد زمانی صورت می‌گیرد که یا او به قدرت رسیده باشد و یا هم در آستانه رسیدن به قدرت باشد و یا هم دارای نفوذ و یا ثروت هنگفتی باشد.



می‌شود که بر روی تابلوهای شان سوپر مارکیست نوشته شده است و یا مکانی که تازه به فعالیت شروع کرده‌اند اما از پسوند «عالی» استفاده می‌کنند و یا هتل‌های که معیار یک ستاره را تکمیل نکرده‌اند اما به عنوان هتل‌های پنج‌ستاره معرفی می‌گردند.

در افغانستان افراد چرب‌زبان و چاپلوس از جای‌گاه قابل تحسینی برخوردار می‌باشند. در فرهنگ موجود کشور، افرادی که توانایی نزدیک شدن به قدرتمندان را بدون هیچ‌گونه تخصصی داشته باشند و صرفاً قدرت‌شان را زبان‌شان تشکیل دهد مورد ستایش مردم قرار می‌گیرند. می‌توان در برخی از موارد از چاپلوسی به عنوان یک حرفه نام برد چون بازار چاپلوسان گرم است و صاحبان زر و زور به چاپلوسان نیاز دارند و این افراد نیز برای امرار معیشت به زورمندان و برای همین است که یک تعداد با چرب زبانی و چاپلوسی درآمد شان را به دست می‌آورند.

یکی از عوامل اساسی که شمار متقاضیان برای کاندیدا شدن در انتخابات پارلمانی و شوراهای ولایتی زیاد می‌باشد همین تملق و احترام اغراق‌آمیز به قدرتمندان در جامعه افغانستان است.

خیلی هم برای رهبر شدن شتاب می‌کنند و یا پول‌های هنگفتی را در این راه به مصرف می‌رسانند و یا در رکاب زورمندان هم‌گام می‌شوند تا به جای‌گاهی برسند.

۵: رفتار دیگری که به خوبی رفتارهای تملق‌آمیز را در جامعه افغانستان نشان می‌دهد این است که صف‌های اول در محافل و مراسم صرفاً به صاحبان زر و زور تعلق می‌گیرد. چاپلوسان همیشه دغدغه این را دارند که جای خالی برای قدرتمندانی که دیر به برنامه می‌رسند وجود داشته باشد. اگر یک اشتراک کننده عادی در یک محفل بر صف اول بنشیند به باور برگزار کننده‌گان او گناه بزرگی را مرتکب شده است و به سرعت از او می‌خواهند تا به صف‌های پشت‌سر بنشیند و صف اول را برای افرادی که خاص پنداشته می‌شوند خالی کند.

رفتارهای تملق‌آمیز ما صرفاً شامل شخصیت‌ها نمی‌باشد بل که ما برای بزرگ‌نمایی اشیاء و مکان‌ها نیز شوق وافر داریم.

۱: میدان‌های هوایی: اگر از طریق هوایی به جایی سفر کرده باشید حتما دیده اید که در روی تابلوی چند میدان هوایی کشور از پسوند «بین‌المللی» استفاده شده است. یا ما واقعا معیار بین‌المللی بودن میدان‌های هوایی را نمی‌دانیم و یا این که بزرگ‌نمایی با خون ما عجین شده است. میدان‌های هوایی کشور، ابتدایی‌ترین معیارهای یک میدان‌های بین‌المللی را ندارند اما برای ما زیاد مهم نیست. همین که این واژه بی‌چاره را به زبان می‌آوریم برای ما حس خوبی را انتقال می‌دهد.

۲: این بزرگ‌نمایی تنها به میدان‌های هوایی خلاصه نمی‌شود بل که شامل دکان‌های هم



# آسمان خراشی در باد فسر اموشی

نوشته‌ای از محمد مسلم قربانی مروی، مسئول گروه نگهبانان میراث‌های فرهنگی  
و معاونین تحقیقی دانشجویان تاریخ دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه هرات

## مقدمه

افغانستان سرزمینی در پهنای تاریخ، گواه رویدادهای متفاوت سیاسی و فرهنگی بوده است، دولت‌های قوی وضعیتی در هر یک از برهه‌های زمانی در یکی از موقعیت‌های جغرافیایی بوجود آمده و از خود یادگارهای بجا گذاشته‌اند، که هر یک از این یادگارها امروزه جزئی از میراث‌های فرهنگی ما گشته است. میراث به یادگار مانده از گذشته آینه‌ای است که نیاکان ما آن را برجا نهاده‌اند تا بنگریم که چه برای سرزمین آمده تا آینده را برخاست خشت این بنای کهن، به پا داریم. نیاکان ما در این زمین زیسته‌اند و آموختند که چگونه آن را آباد سازند و ما امروز با نگاهی گذرا به تاریخ افغانستان و بناهای تاریخی در حیرت فرو رقیم و در این میان برج‌های دیدیم که استوار و بلند در میان کوه پایه‌های فیروز کوه ایستاده و زیبای مسحور کننداش چشم هر بیننده‌ای را به خود جذب کرده و در دل می‌نشیند.

## منار جام

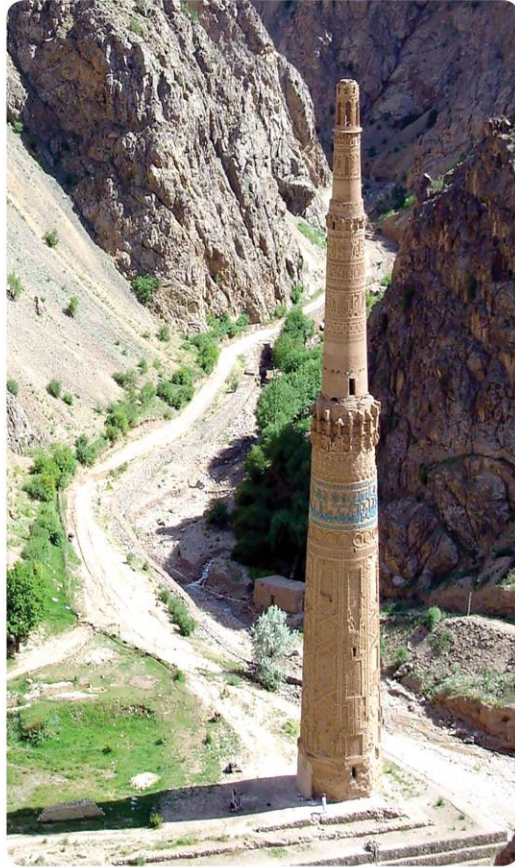
در ولایت غور، ۱۲ کیلومتری شمال شرق ولسوالی شهرک در قریه‌ای موسوم به جام جایکه از کنار آن دریایی خروشان هریرود می‌گذرد موقعیت دارد. منار جام یکی از ساختمان‌های عظیم و پُرشکوه افغانستان است (عظیمی، ۱۳۹۱: ۱۵۱).

این منار، که بیست سال قبل از هجوم مغول بوجود آمده یادگار عالی و باشکوهی است که از نظر معماری هیچ نقیصه در آن مشهود نیست (غبار، ۱۳۸۶: ۱۴۰).

در عهد غوری‌ها دوره پادشاهی سلطان غیاث‌الدین غوری که در قرن‌های ۱۲ تا ۱۳ حاکم بودند، اعمار شده و یکی از منظره‌های دیدنی و اثر تاریخی در افغانستان و دومین مناره از لحاظ ارتفاع در جهان می‌باشد. این مناره از لحاظ عظمت معماری، تزئینات عالی و نوشته‌های کوفی خود بعد از قطب منار دهلی که دارای ۶۵ متر ارتفاع بوده در زمره عجایب هفتگانه جهان محسوب می‌گردد. این منار از لحاظ قدامت تاریخی نسبت به منار قطب و منار بخارا برتری دارد مؤرخین و نویسندگانی داخلی و خارجی منار جام را از دیدگاه‌های مختلف و متفاوتی به بررسی گرفته‌اند. در ۲۷ جون سال ۲۰۰۲ میلادی در شهر بُوداپست طی جلسه‌ای از سوی سازمان یونسکو در ردیف آثار ارزشمند و مهم جهان ثبت گردید (عظیمی، ۱۳۹۱: ۱۵۱).

## شکل و ساختمان منار جام

منار جام بالای تهداب هشت ضلعی در چهار طبقه ساخته شده و از پایین به بالا قطر آن کم شده می‌رود و شکل هرم را بخود می‌گیرد. طرز پوشش آن گنبدی می‌باشد مواد ساختمانی آن خشت پخته با مرکبات چونه و گچ تشکیل می‌دهد. از کاشی نیز در آن کار گرفته شده است. که همین خشت پخته و سیله‌ای بوجود آوردن مثبت کاری و نقوش آن شده تمام منار با نقش‌های رنگارنگ و مقبول و با تناسب پوشانیده شده حصه زیرین آن را فیتنه‌های جداگانه احاطه کرده که مورد توجه واقع می‌گردد. و بیشتر در آن نقوش هندسی بکار رفته



و در بعضی حصص آن دیزاین‌های نباتی نیز مجسم گردیده است. تناسب این بنا از لحاظ ظاهری بسیار موزون است، نقوش که در آن بکار رفته به منار شکل فانتازی می‌بخشد و نظر به این اصول درباره استحکام آن سنجش خوب صورت گرفته. اضافه از هشت قرن زلزله‌ها و انواع عوارض جوی بالای منار تأثیر وارد نکرده و به حال خود باقی مانده این گونه سنجش بر بیننده تأثیری بس بزرگ وارد می‌کند.

## ارتفاع منار جام

منار جام بیش از ۶۰ متر ارتفاع دارد و از بزرگ‌ترین مجسمه بودایی بامیان که ۵۳ متر بلندی دارد مرتفع‌تر است. در رابطه به ارتفاع منار جام دانشمندان اختلاف نظر دارند «گالینه‌پو، گاجنیکوا» مؤلف تاریخ صنایع افغانستان ارتفاع منار تاریخی جام را ۶۰ متر می‌نگارد. در حالیکه آقای کهزاد بلندی آن را ۷۰ متر نگاشته است اما آقای غلام جیلانی داوری و آقای عزیز احمد پنجشیری ارتفاع منار را ۶۳ متر و ۳۰ سانتی می‌نگارند. که محاسبه پنجشیری و داوری نسبت به دیگران دقیق‌تر می‌باشد. زیرا هر دوی‌شان علاوه از این که تحقیقی در این مورد انجام دادند، منار مذکور را هم از نزدیک مشاهده نموده‌اند.

حصه پایان منار جام هشت ضلعی است که هر ضلع آن به ترتیب چهار متر طول دارد و مجموع اضلاع آن روی زمین در حدود ۳۲ متر می‌شود. این حصه رخ‌دار منار ۲ متر ارتفاع دارد. حصه دوم منار استوانه‌ای است که ۱۵۲ تپه زینه دو طرفه‌ی داخلی را فرا گرفته و چون هر تپه زینه ۲۸ سانتی متر بلندی دارد، ارتفاع حصه دوم منار نزدیک به ۴۰ متر می‌رسد. حصه سوم منار باز شکل استوانه‌یی دارد و مرکب از پنج طبقه است که پوشش‌ها آن‌ها را از هم جدا کرده بالای این سه حصه، حصه استوانه‌یی شکل چهارمی واقع شده و فراز آن کلاهک منار قرار گرفته است (کهزاد، ۱۳۸۹: ۲۰۳).

ادامه مطلب در صفحه بعدی



دور سوم شماره ۱۴۰ - ۱۴۱ حمل و ثور ۱۳۹۹

۶



ادامه مطلب ...

### دلایل ثبت منار جام در سازمان جهانی یونسکو

دلایل ثبت منار جام بر اساس معیارهای ذیل خلاصه می‌گردد.

**معیار اول:** معماری و نمایی مبتکرانه منار جام در



گسترش هنر و معماری شبه قاره هند و مناطق اطراف آن نقش مهمی داشته است.

**معیار دوم:** منار جام و بقایای باستانی مربوط به آن گواهی استثنایی‌اند، بر توانایی و کیفیت تمدن غوری که از قرن ۱۲ تا ۱۳ بر این منطقه حاکم بوده است.

**معیار سوم:** منار جام نمونه‌ای استثنایی از معماری و تزیینات اسلامی در منطقه است و در اشاعه این سبک معماری نقش مهمی داشته است (عظیمی، ۱۳۹۱: ۱۵۲-۱۵۱).

### نقش و تزیین در منار جام

نقش و تزیین در منار جام در مجموع خیلی عالی و آرامش بخش بوده و نفاست کار و ساختمان آن که از پارچه‌های کوچک خشت پخته از پا تا سر ساخته شده و بروی گچ وضع گردیده نمای خیلی جالب و دیدنی بوجود آورده است. در منار غور تزیینات کاملاً پیچیده می‌باشد این اختلاف به زیبایی منار افزوده و شامل دیزاین‌های هندسی از مواد چون سفال‌های شفاف، گچ و خشت می‌باشد. سراسر منار پوشیده از کتیبه‌ها و لوحه‌های کوفی می‌باشد. همچنین از کلکینی به زینه داخلی منار راه کشیده‌اند. اصلاً زینه داخلی منار تا پای منار فرود آمده و حتی قرار آنچه «موسیوماریک» از ارباب و اهالی دهکده جام شنیده، چنین می‌نماید که اصلاً این راه داخل منار با دهلیزی پیوسته است که از زیر مسیر آب‌های هریرود گذشته و به سواحل راست رودخانه منتهی شده است. در مقابل منار به طرف سواحل راست هریرود آثار و بقایای قصر یا قلعه‌یی دیده می‌شود. اصلاً منار جام ارتباطی با کدام مسجد داشته که متأسفانه از آن چیزی باقی نمانده، جز آثار بسیار محدود که به حدس، وجود آن را قابل می‌توان شد.

منار جام به علت انزوای دوری از نقاط آبادانی با ارتفاع زیاد خود و تزیینات و نوشته‌های کوفی که دارد خیلی خوب حفظ شده و بهترین ایده عصر غوری و شاهکار بسیار نفیس معماری اسلامی افغانستان به شمار می‌رود. (کهزاد، ۱۳۸۹: ۲۰۳).

در همسایه گی جام یک تعداد زیادی استحکامات و برج‌ها کشف شده است. که اینها شاید بخشی از کارهای دفاعی محافظت کننده قلب سرزمین امپراطوری غوری بود که در سال ۲۰۰۲م، مرکز حفظ میراث جهانی سازمان یونسکو خواستار ثبت این منار در فهرست میراث فرهنگی جهان شد. یادگار دیگر سلسله غوری‌ها در معماری مدرسه شاه مشهد در شمال شرق هرات به امتداد ساحل چپ رود مرغاب در ولایت بادغیس است. بقایای غوری‌ها یا حداقل تعمیرات مربوط به زمان غوری‌ها در بامیان (شهر ضحاک و شهر غلغله) و در ولسوالی چشت در شرق هرات نیز تشخیص شده است (پنجشیری، ۱۳۶۰: ۲۳۷).

این منار با سپری کردند مدت زمان زیادی شاهد حوادثی بس بزرگ در اطراف خویش می‌باشد. با این وجود این منار از گزند آهریمان (مهاجمین مغولی در گذشته و دزدان میراث‌های فرهنگی در زمان حال) و مخرب‌های طبیعی همچون باران، بادهای حامل ریزگردها، سیلاب‌های متوالی مصئون مانده، جای شگفت و حیرت است که این منار عظیم با همان استحکامات ابتدایی تا فعلاً پا برجاست، در صورتیکه منطقه‌ایکه منار جام در آنجا احداث گردیده، زلزله خیز و محل عبور دریا می‌باشد.

مشکلاتی که امروزه این منار را تهدید می‌کند. از بی‌توجه بودن اراکین دولتی گرفته تا باران‌های متواتر امسال (۱۳۹۸ هـ ش) که افزایش یافته است و با آمدن سیلاب امکان فروپاشی و از بین رفتن این



بنای عظیم و میراث فرهنگی و هنری می‌رود. یک کشور از دو چیز در جهان شناخته می‌شود.

۱. دولت مرکزی مقتدر و مستقل
  ۲. میراث‌های فرهنگی عظیم مادی و معنوی
- از این دو شاخصه ما فرهنگ غنی را داریم که بیشتر موارد آن به فراموشی سپرده شده است. و داشتن یک دولت مقتدر و مستقل هم خود به خواب و رؤیایی برای مردم افغانستان تبدیل شده است.

### نکته:

(اگر ما امروز به دست آورده‌های گذشته گانمان اهمیت ندهیم فرهنگ بی‌توجهی فرهنگی را ترویج کرده‌ایم و فردا کسی کوچکترین اهمیتی به دست آورده‌های مان نخواهد داد).

### منابع:

۱. کهزاد، احمد علی. (۱۳۸۹). مقالات احمد علی کهزاد در عرصه باستانشناسی. چاپ اول، کتب بیهقی، مطبعه آزادی.
۲. گانچنیکووا، گالینه پو. (۱۹۷۸). تاریخ صنایع افغانستان. کابل: ترجمه محمد صدیق طرزی، وزارت اطلاعات و کلتور.
۳. پنجشیری، عزیز احمد. (۱۳۶۰). جغرافیای تاریخی غور. کابل: دانشگاه کابل.
۴. عظیمی، محمد عظیم. (۱۳۹۱). آشنایی با بناهای تاریخی افغانستان. چاپ اول، علم و دانش خراسان، افغانستان.
۵. غبار، میر غلام محمد. (۱۳۸۶). افغانستان در مسیر تاریخ. مؤسسه انتشارات خاور.





# بررسی اثرات اقتصادی شیوع کرونا بر اقتصاد افغانستان و جهان

محمد حامد رسولی - ماستر  
اقتصاد و استاد دانشگاه

بازارها افت شدید و بی‌سابقه‌ای در ۳۰ سال اخیر را تجربه کنند. بطور مثال شاخص قیمت داو جونز که در بردارنده قیمت سهام سی شرکت صنعتی بزرگ است و شاخص FTSE (Financial Time Stock Exchange Index) ۱۰۰ که در بردارنده شاخص سهام ۱۰۰ شرکت مهم در بورس لندن می‌باشد، بزرگترین سقوط قیمت در یک روز را پس از ۳۳ سال تجربه کرده‌اند. در نظر اکثر سرمایه‌گذاران، ویروس جدید کرونا باعث نابودی رشد اقتصادی (رشد منفی اقتصادی) گردیده و حتی قدرت‌های اقتصادی بزرگ حداقل در کوتاه مدت توان مقابله با این بحران را نخواهند داشت و از آنجایی که مدت دوام این بحران مبهم است، بنا بطور گسترده‌ای فعالیت سرمایه‌گذاری آنها را تحت تأثیر قرار داده و این امر موجب گردیده تا معاملات در بازارهای مالی بگونه انجام شود که شاخص‌های مهم کاهش شدید قیمت را تجربه کنند. اگرچه سیاست کاهش نرخ بهره توسط بسیاری از قدرت‌های اقتصادی به منظور تحریک فعالیت‌های اقتصادی و تأثیر در بازارهای مالی اعمال گردید ولی شرایط طوری پیش رفت که این سیاست مؤثریت چندانی نداشته باشد. اقدامات سخت‌گیرانه و قرنطینه شهرها و طرح فاصله‌گذاری اجتماعی عملاً باعث کمیود نیروی کار در امر تولید گردیده و اثر سیاست کاهش بهره در تحریک تولید را به حد اقل رسانیده است.

## رشد بیکاری:

جمعیت یک کشور از بُعد اقتصادی به منظور انجام کار به دو بخش فعال و غیر فعال تقسیم می‌شود. جمعیت فعال در یک جامعه شامل کسانی است که آماده بکار می‌باشند یعنی توانایی و شرایط انجام کار را دارند که معمولاً افراد بین سنین ۱۸ تا ۶۵ سال را در بر می‌گیرد و در مقابل جمعیت غیر فعال شامل خردسالان، کهن سالان، بازنستگان، از کار افتادگان و خانم‌های خانه‌دار هستند. یکی از اهداف هر دولتی تحقق اشتغال کامل، یا به معنی واقعی کلمه، به حداقل رسانیدن نرخ بیکاری می‌باشد. بدون شک مشکلات رسیدن به این هدف، بسیار زیاد بوده و نیاز مبرم به برنامه‌های دقیق و حساب شده و اعمال آنها برای مدت طولانی از طرف دولت‌ها می‌باشد.

ادامه مطلب در صفحه بعدی

می‌آیند و از طرف دیگر "خرید و ذخیره" معمولاً برای اقشار غنی و متوسط جامعه امکان پذیر و عملی است و طبقه فقیر (خاصاً در اقتصادهای در حال توسعه و جهان سومی) توانایی انجام این عمل (خرید و ذخیره) را ندارند. در وضعیت هجوم برای خرید و ذخیره هم قیمت‌ها افزایش می‌یابد و هم باعث می‌شود که بسیاری از مواد ضروری به کمیودی مواجه شده و برای همه مخصوص طبقه فقیر مسیر نباشد که خود فشار بحران را بالای این طبقه دو چندان می‌سازد. و اما در بلند مدت تداوم شرایط فعلی باعث می‌گردد تا طبقه متوسط و ثروتمند جامعه نیز تحت تأثیر فشار اقتصادی قرار گرفته و از پیامدهای بحران در امان نمانند. تداوم این شرایط باعث تعطیل شدن بلندمدت خیلی از کسب و کارها از جمله فعالیت‌های تجاری، تولیدی، خدماتی و تفریحی شده و همه روزه به تعداد بیکارها در جامعه افزوده می‌شود. تعطیلی کسب و کار باعث قطع درآمد شده و در میان مدت و بلند مدت پس اندازهای طبقه متوسط رو به خلاصی می‌گذارد. به علاوه دوام رکود (بحران) در فعالیت‌های تولیدی و تجاری بخش عمده از طبقه ثروتمند را صدمه زده و شرایط ورشکستگی آنها را محتمل می‌سازد.

## بازارهای مالی

بازارهای مالی کشورها هدایت‌کننده‌گان اصلی منابع مالی از بخش‌های غیر مولد در جامعه به بخش‌های مولد و تولیدی بشمار می‌رود (قسمت عمده منابع مالی که به بخش‌های کارا و مولد جریان می‌یابد شامل پس اندازها و حقوق بازنشستگی است). بازارهای مالی نقش قابل اهمیت و انکار ناپذیر در افزایش سرمایه‌گذاری، اشتغال‌زایی، رشد اقتصادی و توسعه اقتصادی دارد و بدون شک یکی از عوامل اصلی رفاه اقتصادی در اکثر کشورها است. هر تحول که تأثیر منفی بالای بازارهای مالی کشورها بگذارد در نخست، باعث رکود در فعالیت‌های مالی شده و در قدم‌های بعدی باعث کاهش سرمایه‌گذاری و کاهش تولید می‌گردد و رشد منفی اقتصادی را رقم می‌زند. با پاندمی ویروس جدید کرونا تحولات عظیم در بازارهای مالی جهان در حال رخ دادن است و این بحران باعث شده تا شاخص قیمت‌ها در این

از زمان شیوع جهانی ویروس جدید کرونا یا کوید ۱۹ مدت زیادی نمی‌گذرد ولی تأثیرات فراوان آن در فعالیت‌های اجتماعی، ورزشی، اقتصادی و سیاسی و تقریباً در تمام جنبه‌های زندگی انسان‌ها آشکارا قابل مشاهده است. از لنو رقابت‌های ورزشی گرفته تا قرنطینه خانگی انسان‌ها، از محدودیت‌ها سفر گرفته تا بسته شدن مرزها، از تعطیل شدن مدارس و دانشگاه‌ها گرفته تا تعطیل شدن بسیاری از فعالیت‌های تولیدی همه و همه پیامدهای ویروسی است که دارای قد و اندام آنچنانی نبوده و غیر قابل رویت می‌باشد. هر یک از پیامدهای فوق‌نیز به بحث‌های مفصل و موشکافانه دارد. با این حال در این مقاله تلاش شده است تا بصورت مختصر به جنبه‌های اقتصادی این بحران اشاره شود.

## هجوم برای خرید و ذخیره

یکی از پیامدهای مهم و قابل بحث شیوع جهانی ویروس جدید کرونا هجوم مردم به فروشگاه بزرگ و دکان‌ها خوار و بار فروشی به منظور تهیه مواد غذایی و سایر مواد مورد نیاز و ذخیره آنها برای مدت که قرار است در خانه بمانند (با آنکه اکثراً این مدت زمان نامعلوم است)، می‌باشد. فروشگاه‌ها تقریباً در تمام کشورها و خدمات فروش آنلاین در بعضی از کشورها که بیشتر با این خدمات سرکار دارند، افزایش عظیم در تقاضا را در حال تجربه کردن هستند. طوریکه در افغانستان هم در چند روز اخیر شاید افزایش تقاضا برای مواد ضروری بوده‌ایم. بر اساس قانون عرضه و تقاضا در علم اقتصاد زمانی که تقاضا به یک کالا (جنس یا مواد) افزایش می‌یابد حداقل در کوتاه مدت و بدلیل ثابت بودن مقدار عرضه، قیمت این کالا افزایش پیدا می‌کند که دلیل افزایش قیمت‌ها در این اواخر همین موضوع می‌باشد. فشار اقتصادی ناشی از بحران کرونا بالای اقشار مختلف جامعه از دو منظر کوتاه مدت و بلند مدت قابل بحث و بررسی است. در کوتاه مدت (آنچه که در این روزها شاید آن هستیم) تأثیر این مسئله بالای طبقه فقیر جامعه کاملاً محسوس بوده و این طبقه با عاید معیشتی و اغلب اندک بیشترین صدمه را می‌بینند. از یک طرف به دلیل افزایش سیل آسا تقاضا (الخصوص برای مواد ضروری) قیمت‌ها افزایش یافته و این طبقه به سختی از عهده خرید بر



دور سوم شماره ۱۴۰ - ۱۴۱ حمل و ثور ۱۳۹۹





اگر مباحث که احزاب سیاسی کشورها در تلویزیون‌ها انجام می‌دهند را دنبال کنیم به سادگی متوجه می‌شویم که یکی از بحث برانگیزترین موضوعات آنها، برنامه‌ها و احوال‌ها به منظور کاهش نرخ بیکاری است. نرخ بیکاری در یک جامعه یعنی میزان افراد آماده بکار که بیکار هستند تقسیم بر افراد شاغل آن جامعه. با این همه اهمیت که موضوع بیکاری در هر جامعه‌ای دارد، پاندمی ویروس جدید کرونا بشکل گسترده‌ای در سراسر جهان آنز در حال صدمه زدن است. در نتیجه گسترش و شیوع جهانی این ویروس، اکثر دولت‌ها روش‌های مقابله‌ای فاصله اجتماعی و قرنطینه را روی دست گرفته و قسمت عمده از مشاغل به تعلیق درآمده و یا هم تعطیل شده‌اند. تولیدی‌ها، رستوران‌ها، دانشگاه‌ها، مدارس فعالیت‌های خدماتی مختلف از جمله صنعت هوابی و غیره یا تعطیل شده‌اند و یا هم بصورت بسیار اندک فعالیت می‌کنند که در نتیجه در اکثر کشورها بشکل بی‌سابقه‌ای بیکاری را دامنگیر نموده (آنچه که همه روزه توسط گزارش‌ها از کشورهای مختلف شنیده می‌شود) و با دوام این وضعیت در بلندمدت، نرخ رشد بیکاری شدت بیشتر پیدا می‌کند که شاهد بیکار شدن میلیون‌ها انسان در اکثر کشورها خواهیم بود. افزایش شدید در نرخ بیکاری باعث کاهش قدرت خرید اقشار مختلف جامعه شده و تقاضا برای تولیدات کم می‌شود، اگر تولید کنندگان نتوانند کالاهای تولیدی خود را بفروش بیاورند اجباراً سطح تولیدات خود را کاهش می‌دهند که منجر به کاهش تولید ناخالص داخلی می‌گردد. برای اندازه‌گیری تأثیر بیکاری بالای تولید ناخالص داخلی می‌توان از قانون اوکان استفاده کرد. بر اساس این قانون یک درصد افزایش در نرخ بیکاری باعث دو درصد کاهش در تولید ناخالص داخلی از مقدار بالقوه آن می‌گردد (البته در قانون اوکان نقش سایر متغیرها از جمله مؤثریت نادیده گرفته شده است). به علاوه کاهش در تولیدات باعث بیکاری شدن تعداد بیشتر افراد دیگر می‌گردد که به نحوی نرخ بیکاری را تشدید می‌کند. در حال حاضر بحران کرونا همراه با معضل بیکار شدن مشاغل مختلف بوده (آنهم به گونه‌ای که خود دولت‌ها مشاغل را تعطیل می‌کنند تا بتوانند با ویروس مقابله کنند) و دوام این حالت میلیون‌ها انسان را بیکار خواهد کرد و با در نظر داشت پیامدها منفی که بیکاری در جامعه دارد می‌تواند گفت در نتیجه بحران کرونا، فاجعه بیکاری رخ خواهد داد.

### صنعت توریسم یا گردشگری

صنعت توریسم از زمان‌های بسیار قدیم در همه جهان وجود داشته و همواره از بخش‌های مهم درآمد زایی اکثر کشورها در سراسر جهان به شمار می‌رود. طوریکه در بعضی کشورها از جمله ایتالیا، فرانسه، آمریکا و .. صنعت توریسم جز از متغیرهای اساسی رشد اقتصادی بوده و با در نظر داشت نقش گسترده که در ایجاد درآمد بازی می‌کند، دولت‌ها همواره برنامه ریزی‌های متنوعی به منظور جذب گردشگران از سراسر جهان انجام می‌دهند. در سال ۲۰۱۸ کشورهای فرانسه، اسپانیا و آمریکا سه کشوری هستند که بیشترین گردشگر را از سراسر دنیا جذب کردند. کشورهای چین، آمریکا و جرمنی در سال ۲۰۱۸ میلادی در رده‌های اول تا سوم بزرگترین مصرف کنندگان توریسم قرار دارند که به ترتیب ۲۷۷، ۱۴۴ و ۹۴ میلیارد

دلار را در این سال به مصرف رساندند (سازمان جهانی توریسم). آمار و اعداد ارقام بیان کننده نقش قابل اهمیت صنعت توریسم در کشورها می‌باشد. حال نگاه می‌اندازیم به تأثیر شیوع ویروس جدید کرونا بالای صنعت توریسم و به طبع آن تأثیر بالای اقتصاد کشورها در جهان. درست چند روز بعد از شیوع ویروس، به عنوان تنها راه مقابله، قرنطینه خانگی تشخیص گردید و در حال حاضر تقریباً در اکثر کشورهای جهان که ویروس شیوع بیشتر در آنها داشته است، قرنطینه به عنوان یک امر اجباری از طرف دولت‌ها به منظور جلوگیری از گسترش این ویروس تعیین گردیده است. به علاوه اکثر کشورهای مهم به لحاظ صنعت توریسم از جمله فرانسه، اسپانیا، آمریکا، جرمنی، و ... مرزهای خود را بروی خارجی‌ان بسته و یا محدودیت‌های عمده ایجاد کرده‌اند. در نتیجه کاهش قابل ملاحظه در پروازهای بین‌المللی (کاهش پروازهای از ۲۰۰۰۰ پرواز روزانه در سال ۲۰۱۹ به حدود ۶۰۰۰۰ در ماه مارچ - فواید تردید، بستن شدن مرزها و محدودیت‌های سفر وضع شده از طرف اکثر کشورها، صنعت توریسم بصورت نجومی تحت تأثیر این بحران قرار گرفته و کاهش غیر قابل پیش بینی را تجربه نموده است. بدون شک تمام اقتصادهای که به شکل گسترده‌ای وابسته به صنعت توریسم به عنوان منبع درآمد هستند، بیشترین صدمه را دیده و رشد بزرگ منفی در این صنعت را تجربه می‌کنند. اگرچه ختم بحران بوجود آمده هنوز مشخص نیست و در حال حاضر هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که دقیقاً چی زمانی بشریت از شر این ویروس خلاص می‌شود با آنهم پیشانی می‌شود که برای جبران ضربه اقتصادی وارد شده در صنعت توریسم برای کشورها ماها و یا حتی سال‌ها کار سخت نیاز خواهد داشت.

### اثرات اقتصادی شیوع ویروس کرونا در افغانستان



با وجود تغییرات مثبتی که در اقتصاد افغانستان در جریان بیست سال گذشته بوجود آمده ولی همچنان این کشور بطور عمده به کمک‌های خارجی وابسته است. قسمت مهم از تجهیزات و هزینه‌های نظامی و همچنان پروژه‌های بزرگ زیربنایی توسط کشورهای خارجی و نهادهای بین‌المللی تأمین می‌گردد ولی به دلیل شیوع جهانی ویروس کوید ۱۹ این وابستگی تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. پاندمی شیوع ویروس کرونا تقریباً تمام کشورها را بشکل بی‌سابقه تحت فشار اقتصادی قرار داده است. طرح فاصله‌گذاری اجتماعی و قرنطینه مدت‌دار شهرها باعث شده تا اکثر کسب و کارها و مشاغل تعطیل گردیده و ضربه اقتصادی سنگین بر کشورها وارد نماید. به علاوه، این کشورها به منظور مقابله با این ویروس هزینه‌های نجومی غیر قابل پیش بینی را تا به حال متقبل شده‌اند و همچنان دچار آن هستند که فشار اقتصادی مضاعف را برای آنها ایجاد نموده است. در چنین

حالتی مطمئناً این کشورها پالیسی‌های کمک‌های مالی خود را بازنگری نموده و تغییراتی را در آن ایجاد می‌کنند که این تغییرات باعث کاهش در کمک‌های اقتصادی آنها برای کشورهای جهان سوم و در حال توسعه مانند افغانستان می‌شود. کاهش کمک‌های خارجی تبعات زیادی از جمله تعطیل شدن قسمت مهم از پروژه‌های زیربنایی و کسری بودجه در بخش‌های نظامی دارد.

ایجاد محدودیت‌های گشتو گزار، قیودات روز گردی و تعطیل نمودن اکثر کسب و کار و مشاغل در شهرهای مهم در افغانستان از جمله اقدامات دولت تا به حال بوده است که پیامد اولیه و سریع آن قطع شدن درآمد کارگران روز مزد و کارمندان با درآمد معیشتی می‌باشد که حالا دچار مشکلات اقتصادی فراوان گردیده‌اند و دیگر قادر به خرید مواد ضروری نیستند مسئله در همین جا به پایان نمی‌رسد، با دوام وضعیت کنونی گروه‌های اجتماعی بیشتر تحت تأثیر اثرات اقتصادی بحران کرونا قرار خواهند گرفت که دیگر از عهده هزینه‌های زندگی‌شان برنخواهند آمد. قرنطینه در افغانستان در مقایسه با قرنطینه در سایر کشورها (الخصوص کشورهای صنعتی و انکشاف یافته) تفاوت‌های فاحش دارد از جمله تفاوت در وضعیت اقتصادی مردم افغانستان در مقایسه با مردم کشورهای مانند ایتالیا، چین، اسپانیا، آمریکا و ... است (نتایج مثبت طرح فاصله‌گذاری اجتماعی و قرنطینه در این کشورها خیلی محتمل به نظر می‌رسد) و از طرف دیگر اکثر این کشورها بسته‌های حمایتی را در مقابل تعطیل نمودن کسب و کارهایشان عرضه کرده‌اند که با وجود وضعیت اقتصادی فعلی مشکلات اقتصادی که نتیجه بحران کرونا در افغانستان پدید می‌آید، عملاً چنین طرحی یعنی بسته‌های حمایتی فراتر امکان پذیر نخواهد بود. بنا بر شرایط قرنطینه و محدودیت‌ها به شکلی فعلی ادامه پیدا کند اکثر مردم و بدلیل اقتصادی به این محدودیت‌های اعتنایی نکرده و مجدداً به کسب و کارهای خود مشغول می‌شوند که این خود صحت عامه جامعه را به خطر انداخته و شیوع گسترده ویروس را شاهد خواهیم بود. به منظور پی‌بردن به عمق مشکلات که در حال رخ دادن است، شرایط کنونی افغانستان را اینگونه می‌توان بیان کرد که اگر قرنطینه سفت و سخت ادامه یابد، وضعیت اقتصادی نهایت بغرنج قسمت مهم جامعه را متأثر خواهد ساخت (که بعید نظر می‌رسد مردم تحت چنین شرایط سختی دوام بیاورند و به قرنطینه ارج بگذارند) و اگر هم مشاغل به شکل معمولی آن ادامه پیدا کنند قسمت عمده جامعه مبتلا به ویروس می‌شوند که با در نظر داشت امکانات و تجهیزات اندک طبیعتاً تعداد بسیاری جان‌های خود را از دست خواهند داد.

این بحران بطور مستقیم قسمت مهم درآمد دولت که از گمرکات، مشاغل و تولیدی‌ها تأمین می‌شود را نیز متأثر ساخته است. با محدودیت‌های ایجاد شده و تعطیل شدن اکثر کسب و کارها، در آمد دولت در ماه‌های پیش رو به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش خواهد یافت که این مسئله در کنار موارد ذکر شده در بالا فشار اقتصادی دولت را تشدید می‌کند.

### سخن پایانی

با در نظر داشت صدمات اقتصادی ناشی از کرونا و رکود ایجاد شده در اکثر کسب و کارها، بحران اقتصادی جهان از هر زمان دیگری محتمل‌تر بوده و شرایط پسا کرونا حداقل از بُعد اقتصادی کاملاً متفاوت از قبل آن خواهد بود و بدون شک برای جبران صدمات وارد شده به بدنه اقتصاد جهان، سال‌ها فعالیت و کار نیاز است.



# بررسی علل کاهش مراتع و چراگاه‌های کشور خصوصاً ولایت هرات



نویسنده: پوهاند عبدالرحیم (امید)

## چکیده:

تمدن‌ها در مناطقی شگوفاً شده‌اند که منابع طبیعی (چراگاه‌ها، مراتع، جنگلات، حیات وحش، معادن، آب‌های جاری و زیرزمینی و خاک‌های حاصل خیز) را در خود نهفته داشته است. با محو و نابودی این منابع طبیعی تمدن هم روزه زوال رفته است و آن مناطق به بیابان‌ها و مناطق خشک و بی‌آب و علف تبدیل شده‌اند. چراگاه‌ها و مراتع هم از جمله ثروت‌های طبیعی و ملی کشور ما به شمار می‌روند که در تغلیف حیوانات وحشی و مواشی نقش عمده‌ای را در طول تاریخ کشور ما ایفا نموده است.

خوشبختانه قسمت زیاد سرزمین ما از چراگاه‌ها تشکیل می‌دهد که در طول چندین هزار سال مردمان این سرزمین از آن بهره‌برداری نموده‌اند. زیرا بقا و دوام زندگی وابسته به این منابع ارزشمند طبیعی می‌باشد. امیدواریم که در حفاظت آنها تلاش‌های همه جانبه از جانب دولت و مردم به خرج داده شود تا روند زنده‌گی در این محیط متمدن متوقف نگردد و نسل بعدی هم بتواند به بقا و زنده‌گی خود ادامه دهد. قابل یاد آوری است که روش تحقیق در این موضوع کتابخانه‌ای توصیفی بوده بعضی موارد ساحوی می‌باشد.

## واژه‌های کلیدی:

چراگاه، مرتع، منابع طبیعی، علوفه، نباتات چراگاهی، گیاه‌ها هرزه.

## مقدمه:

چراگاه‌ها و مراتع به مزارع اطلاق می‌شوند که به شکل طبیعی در دامن طبیعت وجود داشته و در طول تاریخ حیات انسان‌ها، حیوانات و طیور از آنها تغذیه نموده‌اند و به حیات خود ادامه داده‌اند.

خوشبختانه بالاتر از نصف اراضی کشور ما را چراگاه‌ها و مراتع تشکیل داده است که تا سی سال قبل در حدود ۳۶ ملیون احشام را تغذیه نموده است و یگانه طرق پرورش حیوانات در کشور ما را چرای طبیعی حیوانات تشکیل می‌دهد که به صورت مفت و رایگان در خدمت گله‌داران و کوچی‌ها قرار دارد.

در این مقاله خواستیم علل کاهش مراتع و جنگلات و چراگاه‌ها را به بررسی بگیریم تا در قسمت شناسایی نباتات چراگاهی و حفاظت آنها تلاش‌های همه جانبه از طرف

دولت و مردم صورت گیرد.

روش تحقیق در این موضوع کتابخانه‌ای و ساحوی بوده امیدوارم که معلومات و اطلاعات دست داشته بتواند مورد استفاده دست اندکاران، پالیسی سازان و دامداران کشور قرارگیرد تا در حفاظت و احیای این سرمایه و ثروت ملی تلاش همه جانبه به خرج دهند تا مردم مملکت با حفظ این ثروت ملی در جهت انکشاف هر چی بیشتر دامداری، سرسزی و حفاظت خاک‌ها به زنده‌گی آبرومندان خود ادامه دهند.

## مرتع و مرتع‌داری

### تعریف:

### ۱- تعریف (FAO ۱۹۸۲)

مرتع، مهم‌ترین نوع زمین در دنیا است و به زمینی‌های که بیش از ۵ سال تولید علوفه کنند، خواه شخم خورده باشد یا طبیعی مانده باشد، اطلاق می‌شود. در هر حال، شامل تقسیمات اراضی به عنوان جنگل‌ها و بیشه‌هایی است که در آن حیوان چرا می‌کند؛ اگر چه تعریف مناسبی از مرتع تلقی نمی‌گردد.

### ۲- تعریف انجمن مرتع‌داری آمریکا (۱۹۷۴)

مرتع به زمین‌های شخم نخورده و تبدیل نگردیده اطلاق می‌شود که می‌تواند علوفه تولید کرده و نیاز حیوانات علف خوار را تأمین کند.

### ۳- تعریف هدیگ و دیک استریوس (۱۹۶۶)

اگر کلیه سرزمین‌های دنیا، که جز کویرهای لم‌بز، اراضی زراعی، زمین‌ها لخت و یخچال‌های طبیعی نباشد، مرتع نامیده می‌شود. بنابراین مراتع طبیعی شامل همه بیابان‌ها، بیشه‌ها (جنگل‌ها) و همه علفزارهایی است که گیاهان طبیعی و خودرو داشته باشند. این تعریف، جنگل و مرتع را جدا نکرده است. درحالی که جنگل محل تولید چوب است نه علوفه. (۸/ ص ۸۸)

### ۴- تعریف قانونی مرتع در ایران

مرتع زمین است اعم از کوه، دامنه یا زمین‌های مسطح که در فصل چرای پوشش گیاهی علوفه‌ای خودرو بوده و با توجه به سابقه چرای عرفا به شکل مرتع شناخته شده باشد و اراضی که زراعتی‌اند اگر دارای پوشش نباتی علوفه‌ای خودرو باشد مشمول تعریف مرتع نیست.

### اهمیت مراتع

پوش گیاهی مراتع از جنبه‌های گوناگون اهمیت دارد که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱- حفظ خاک و جلوگیری از فرسایش آن.

۲- تنظیم گردش آب در طبیعت.

۳- ایجاد فضای سبز و تلطیف هوا.

۴- تأمین غذا و مأمن برای وحوش و پرندگان.

۵- تأمین علوفه مورد نیاز احشام سنتی و در نتیجه تأمین معیشت ملیون‌ها نفر عشایر و مالداران سنتی.

۶- تأمین بخش عظیمی از پروتئین مورد نیاز کشور.

۷- تولید محصولات نظیر گیاهان دارویی، صمغ‌ها و رزین‌ها.

بطور کلی در ارزش‌گذاری زیست محیطی مراتع، علاوه بر موارد بالا، می‌توان به ارزش‌گذاری تنوع زیستی در

مرتع، در کنترل بیولوژیک آفات، تثبیت نایتروژن،

نگهداری ترکیب اتمسفر و موارد بسیار دیگر اشاره کرد.

اگر بدانیم که برای ایجاد یک سانتیمتر خاک زراعی به

زمانی بین ۱۰۰ تا ۵۰۰ سال نیاز است و نقش عمده مرتع

حفظ این مهم‌ترین عامل تولید در مقابل عوامل فرسایش

مانند آب و باد است، چندان بی‌راه نیست، اگر بگوییم

"وجود محیط مناسب زندگی و استمرار تولیدات زراعی

و حیوانی مرهون مرتع است" از این جهت می‌توان به

اهمیت مراتع در حفاظت آبی در ارتباط با پوشش گیاهی

و تأثیر آن بر نفوذ ریزش‌های جوی بی‌برد. (۸/ ص ۸۸)

### واژه‌ها و تعاریف مهم مرتع و مرتع‌داری

Reference Area (مناطق مرجع): عبارت از قسمت

از مرتع که برای مدتی دست نخورده باقی مانده باشد و

پوشش گیاهی آن به طور طبیعی احیا و حفاظت شده باشد.

۲. Key Area (منطقه کلیدی): عبارت است از مناطقی

که از منابع آب، جاده، آغل و قریه فاصله مناسبی داشته

باشد و وضعیت پوشش و خاک آن بیانگر متوسط شرایط

منطقه باشد و در حد معقولانه‌ای هم بهره‌برداری شده

متوسط شرایط منطقه باشد. مساحت منطقه کلید بین ۴۰

تا ۱۰۰ هکتار است.

### ۳. Key Species (نوع کلید):

نوع کلیدی در یک منطقه بر اساس ضوابط زیر

انتخاب می‌شود:

۱) نوع کاملاً خوش خوراک با تولید کم نباید به عنوان

نوع کلید انتخاب شود.

۲) مقدار تولید نوع کلید بیش از ۱۵ فیصد کل علوفه

تولیدی مرتع باشد.

۳) نوع کلیدی می‌تواند جزو گیاهان کم شونده یا زیاد شونده

باشد. (ادامه مطلب در صفحه بعد)





(ادامه مطلب ...)

۴) نوع کلید نمی‌تواند جز انواع مهاجم باشد بجز پوشش غالب در منطقه به خود اختصاص داده باشد.

۵) نوع کلید عموماً جز گیاهان دایمی است.

۶) اگر در یک مرتع دو نوع حیوان (گاو و گوسفند) بچرند ممکن است برحسب حیوان دو نوع کلید انتخاب شود.

۴. Critical Area (منطقه بحرانی): قسمت از یک مرتع که پوشش گیاهی و خاکی آن بر اثر شدت بهره‌برداری تخریب شده باشد.

۵. Grazing (چرا): مصرف علوفه سرپا (خوردن علفها) از جانب حیوانات یا وحوش علف خوار را گویند.

۶. Browsing (سرشاخه خوری): مصرف برگ‌ها و سرشاخه‌ها، جست‌های گیاهان خشبی و چوبی (درختان، درختچه‌ها و بوته‌ها) توسط حیوان را گویند.

۷. Herbivory (علف خوری): یک پدیده اساسی است که مرتع‌دار حیوان خود را برای خوردن علف به داخل مراتع می‌برد (خوردن علف توسط حیوانات و وحوش)

۸. Biomass (بیوماس): وزن خشک ارگانیزم‌های زنده در زمان معین و در واحدی از سطح یا حجم بیوماس نام دارد.

۹. Proper Use Factor (ضریب برداشت مجاز): عبارت است از بهره‌برداری از مرتع به اندازه‌ای که آسیبی به مرتع نرسد. و از نظر تیوری برابر نصف داشت و نصف برداشت باشد.

۱۰. Key Utilization (بهره‌برداری معرف): عبارت از انواعی که با بهره‌برداری از آن می‌توان بی‌پرده پوشش مرتع تا چه اندازه مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند.

۱۱. Carrying Capacity (ظرفیت حامل): کل بهره‌برداری را که می‌توان در بخش‌های مختلف از مرتع داشت عبارت از ظرفیت حامل است.

۱۲. Grazing Capacity (ظرفیت مرتع): تعداد حیوانی که در یک فصل چرایی می‌تواند از مرتع استفاده کند بدون آنکه آسیبی به مرتع برسد.

۱۳. جواز مرتع‌دار (جواز چرا): مجوز بهره‌برداری از مرتع با در نظر گرفتن ظرفیت مرتع، فصل چرا و مدت بهره‌برداری را گویند.

۱۴. Grazing Season (فصل چرا): مدت زمان مناسب برای بهره‌برداری با توجه به عرف محل، وضعیت آب و هوایی و رعایت اصل مستمر چرا.

۱۵. Pasture (چراگاه): اراضی که محصور بوده و عملیات آبیاری و کود دادن آنها برای تولید علوفه جهت چرای حیوانات است.

۱۶. Herbage (علوفه سبز): وزن قسمت هوایی علوفه تولید شده توسط گیاه را گویند.

۱۷. Range Land Management (مرتع‌داری): در اینجا دو تعریف داریم. ۱) مرتع‌داری علم و هنر کسب بیشترین محصول حیوانی است که در آن حفاظت از منابع اراضی نیز لحاظ شده باشد.

۲) مرتع‌داری عبارت است از علم و هنر هماهنگ کردن بازده اراضی با فرآورده‌های مورد علاقه و نیاز بیشتر افراد جامعه که از طریق دخالت‌های مناسب در اکوسیستم‌های مرتعی عملی می‌شود. (ص ۹۰/۴)

### سطح مرتع‌داری دنیا و افغانستان

در وضعیت‌های مختلف نیمه خشک و نیمه مرطوب در اثر تغییرات فاکتورهای از قبیل وضعیت آب و هوایی و اقتصادی، سطح مراتع در تغییر است. آقای "هدی" مراتع دنیا را ۴۷ درصد سطح خشکی‌های کره زمین و آقای "کوک" مراتع را ۴۳ درصد و نهایتاً طبق آمار سازمان خوار بار و کشاورزی جهانی حدود ۲.۱۳۳ میلیارد هکتار مرتع در دنیا ب آورد کرده‌اند. سهم مراتع افغانستان از آن حدود ۴ درصد است.

واقعیت این است که آمار دقیقی از سطح مراتع در دست نیست. از دیدگاه‌های مختلف کارشناسی و قابلیت بهره‌برداری از مراتع این سطح بین ۳۰ تا ۵۲ میلیون هکتار برآورد شده است. در سال ۱۳۵۰ مراتع افغانستان را ۵۲ میلیون هکتار برآورد کردند. در سال ۱۳۶۴ براساس مطالعات شرکت F.M.S از روی عکس‌های ماهواره‌ای ۳۲ میلیون هکتار گزارش شده است و در سال ۱۳۷۰ براساس گزارش دفتر فنی سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور حدود ۴۰ میلیون هکتار برآورد شده است. نهایتاً همین سازمان آخرین آمار را منتشر کرد که سطح مراتع افغانستان را ۵۲ میلیون هکتار تخمین زده و این معادل ۷۵ درصد خاک کشور جمهوری اسلامی افغانستان است. بر اساس آمار منتشر شده (منبع بالا) مراتع افغانستان بر حسب وضعیت و تولید در هکتار به شرح زیر برآورد شده است.

### ۱. مراتع با وضعیت متوسط تا مطلوب (مرتع‌های ییلاقی)

این مراتع بیشتر در ارتفاعات و مناطق سرد سیر قرار داشته و در فصل گرم سال استفاده

می‌شود. پوشش گیاهی این مراتع، گیاهان نرم و علفی بوده، در مجموع از وضعیت نسبتاً خوبی برخوردارند مساحت این مراتع ۱۴ میلیون هکتار و با تولید سالانه علوفه قابل برداشت ۲۹۰ کیلوگرام در هکتار برابر با ۴۶ میلیون تن تولید سالانه این مرتع است.

### ۲. مراتع با وضعیت متوسط تا فقیر (مرتع‌های و قشلاقی)

این مراتع بیشتر در مناطق کم ارتفاع و گرمسیر قرار داشته، بیشتر در فصول سرد سال بهره‌برداری می‌شود. فیصدی قابل توجه‌ای از پوشش گیاهی این مناطق گیاهان بوته‌ای است. به علت شدت بهره‌برداری از وضعیت خوبی برخوردار نیست. وسعت این مراتع حدود ۲۲ میلیون هکتار با تولید سالانه علوفه قابل برداشت ۹۰ کیلوگرام در هکتار معادل ۵.۵۲ میلیون تن تولید سالانه است.

### ۳. مراتع با وضعیت فقیر تا خیلی فقیر (مناطق کوبیری)

این مراتع عمدتاً در مناطق خشک و کوبیری و بیابانی قرار داشته، از نظر پوشش گیاهی و تولیدی در وضعیت نامساعدی قرار دارد سطح این مراتع حدود ۱۶ میلیون هکتار و با تولید سالانه علوفه قابل برداشت ۲۶ کیلوگرام در هکتار و معادل ۰.۴۲ میلیون تن تولید سالانه است.

جدول شماره (۱) طبقه بندی مراتع کشور بر اساس وضعیت و وسعت در سال ۱۳۷۴

وضعیت	وسعت (میلیون هکتار)	فیصدی
خوب	۱۳.۳	۲۵.۵۷
فقیر / متوسط	۱۶.۳	۳۱.۳
خیلی فقیر / فقیر	۲۲.۴	۴۳.۷
کل	۵۲.۰	۹۹.۶۷

(ص ۹۲/۴)

جدول شماره ۲ سطح میزان تولید مراتع در وضعیت مختلف (سازمان جنگل‌ها و مراتع ۱۳۸۴)

ردیف	نوع مرتع از نظر وضعیت	سطح هکتار	علوفه تولیدی در حالت فصلی میلیون تن	علوفه قابل برداشت فصلی میلیون تن	پتانسیل تولید در حالت فصلی میلیون تن	علوفه قابل برداشت میلیون تن
1	مرتع‌های علفی نسبتاً خوب تا متوسط	۱۴	۸.۲	۴۰.۶	۲۴.۲۶	۱۲.۱۸۰
2	مرتع‌های بوته ای متوسط تا ضعیف	۲۲	۱.۰۴	۵.۵۲	۶۶.۲۴	۳۳.۱۲
3	مرتع‌های فقیر- تخریب یافته	۱۶	۰.۸۴	۰.۴۲	۹.۴	۴.۷
	مجموع	۵۲	۲۰	۱۰	۱۰۰	۵۰

(ص ۹۲/۴)

مرتع افغانستان در صورتیکه صحیح اداره شوند می‌تواند تا حدود ۵۰ میلیون تن علوفه خشک قابل برداشت تولید کند. در حال حاضر معادل ۵/۱ پتانسیل تولیدی علوفه قابل برداشت تولید می‌کند. (حدوداً ۱۰ میلیون تن)

### انواع مراتع افغانستان از دیدگاه‌های مختلف

الف- از نظر پوشش گیاهی:

۱- طبیعی ۲- مصنوعی ۳- اصلاح شده

### ب- از نظر فصل بهره‌برداری:

۱- زمستانه ۲- تابستانه ۳- بهاره و خزانی

### ج- از نظر عوارض و شکل زمین:

۱- دشتی ۲- کوهستانی ۳- کوه پایه‌ای یا دامنه‌ای

(ادامه مطلب در صفحه بعد)



## د- از نظر چرای حیوان:

۱- مرتع اسپي ۲- مرتع گاوی ۳- مرتع گاومیش  
۴- مرتع گوسفندی ۵- مرتع بزی ۶- مرتع شتری

## ه- مراتع از نظر نوع پوشش گیاهی:

۱- مرتع مشجر ۲- مرتع نیمه مشجر ۳- مرتع بدون درخت  
عوامل آب و هوایی یا اقلیمی (Climatic Factors) شامل بارش، دما و حرارت بعنوان عوامل اصلی و رطوبت نسبی، بار، نور، بخار آب به عنوان عوامل فرعی اقلیمی مطرح می‌باشند. (۴/ص ۹۳)

## مفهوم گیاهان مرتعی

فلور افغانستان یکی از غنی‌ترین فلورهای جهان است؛ تعداد گیاهان گلدار آن به بیش از ۸۰۰۰ نوع می‌رسد. بخش عمده از این گیاهان در مراتع وجود دارند. مرتع نوعی از اکوسیستم‌های طبیعی است با پوششی از نباتات مرتعی، علوفه‌ای، و خودرو که با توجه به سابقه چرای عرفا مرتع شناخته شود. امروز چرای اهمیت مرتع به عنوان تأمین کننده علوفه حیوانات استفاده‌های دوایی و صنعتی نیز از آن مدنظر است ضمن آنکه اهمیت آن از لحاظ جلوگیری از گرم شدن کره زمین، تثبیت کربن اتمسفر در خاک، حفظ خاک، و ایجاد زندگی پایدارتر برای جانداران و نیز انسان روز به روز بیشتر می‌شود. گیاهان موجود در مرتع متنوع و شامل گیاهان علفی یکساله و چند ساله، بوته‌ای، درختچه‌ای و درختی هستند، که تحت عنوان گیاهان مرتعی شناخته می‌شوند.

تقسیم‌بندی دیگری براساس نوع برداشت وجود دارد. مثلاً از نظر مالدار، گیاه مرتعی گیاهی است که حیوان از آن استفاده می‌کند تلقی داکتر ورتنر و گیاه‌شناس نیز از گیاهان مرتعی متفاوت است. از دید مرتعی‌داری، گیاهانی که ارزش علوفه‌ای و حفاظتی دارند یا در مراتع مسئله ساز هستند (سمی و مهاجم) حایز اهمیت‌اند و به عنوان گیاهان مرتعی در نظر گرفته می‌شوند. (۱/ص ۲۷)

**انواع فرم‌های رویشی گیاهان مرتعی و خصوصیات آنها**  
جوامع گیاهی مراتع، مرکب از انواع فرم‌های رویشی هستند که برای جذب رطوبت از اعماق خاک در فصول مختلف سازگار شده‌اند. جذب رطوبت از خاک با جذب مواد غذایی و انرژی همراه و همزمان است. هر فرم رویشی موقعیت مخصوص به خود را دارد که مستلزم صرف انرژی است. این واقعیت که یک فرم رویشی هرگز به طور کامل چیره نمی‌شود و اینکه جوامع گیاهی پویا و با تحرک‌اند، منعکس کننده تغییراتی در عواملی از قبیل طول نسبی دوره خشک و مرطوب و عکس‌العمل‌های متقابل طول دوره مرطوب یا عمق رطوبت موجود در خاک است. (۱/ص ۲)

## گیاهان فصلی و یکساله

گیاهان فصلی دوره‌های خشک را به صورت بذری می‌گذرانند و بدین ترتیب بقای خود را حفظ می‌کنند. این گیاهان هنگامی جوانه می‌زنند که فرصت رسیدن به مراحل گلدهی و تولیدات بذری برایشان فراهم باشد. میکانیسم‌های شکستن دوره خواب بذری در این گیاهان نمایانگر سازگاری آنها با تغییرات اقلیمی است. گیاهان فصلی از آغاز دوره رطوبت برای رسیدن به حداکثر رشد رویشی، کندتر از گیاهان چند

ساله اند، زیرا این گیاهان به جای رشد از طریق ریشه یا شاخه، از بذری شروع به جوانه زدن و رشد می‌کنند این گیاهان پس از بارندگی توده‌های انبوهی را به وجود می‌آورند و دوره رشد خود را در مدت کوتاهی تکمیل می‌کنند که برای حیوانات علوفه‌ای زیاد ولی کم ثبات تولید خواهند کرد. در این گیاهان نسبت زیادی از انرژی جذب شده به مصرف تولید بذری می‌رسد. این گیاهان میکانیسمی دارند که به محض روبرو شدن با کاهش رطوبت در خاک، به سرعت باروری می‌شوند.



فصلی بودن این گیاهان مناسب با مناطقی است که دارای یک فصل خشک طولانی و یک فصل کوتاه مرطوب و قابل اعتماد باشند. این وضعیت باعث می‌شود که گیاهان فصلی بتوانند به طور موفقیت آمیزی با گیاهان چند ساله رقابت کنند. دوره نامنظم خشکی اگر گاهی طولانی نیز باشد، مناسب فرم رویشی گیاهان فصلی است و بنابر این در مناطقی که تحت تأثیر باران‌های فصلی هستند، گیاهان یکساله بیشتر یافت می‌شود. در هر صورت، هر عامل تخریبی که باعث کاهش قدرت و انبوهی گیاهان شود سبب کاهش مقدار آبی نیز خواهد شد که این گیاهان از خاک جذب می‌کنند. بنابراین فرصت رشد و توسعه گیاهان یکساله افزوده می‌شود. از این رو چرای سنگین به افزایش گیاهان یکساله منجر خواهد شد. (۱/ص ۳)

## گیاهان علفی دایمی

این گیاهان در دوره‌های خشکی از طریق نگهداری ستونی از آب بین ریشه و محل جوانه‌های درحال کمون به بقای خود ادامه می‌دهند. توسعه و نگهداری سیستم گسترده ریشه‌ای برای جذب آب از اعماق خاک منوط به مصرف انرژی قابل توجهی است، اما مزیت این استراتژی در مقایسه با گیاهان یکساله در این است که بعد از بارندگی عکس‌العمل رشد سریع‌تر است و این گیاهان توانایی بیشتری برای استفاده از مقدار قلیل باران دارند. گاهی گیاهان غالب مرتعی از نوع گیاهان دایمی یا چند ساله‌اند. استقرار موفق گیاهان دایمی، ممکن است برای سالیان دراز سیمای طبیعی منطقه را تغییر دهند و به موازات آن گیاهان دایمی، بر اثر چرای شدید موفق به تجدید حیات نشوند، ممکن است سرانجام بر اثر کپولت خشک و نابود شوند. (۳/ص ۴)

## بوته‌ها و درختان

اغلب بوته‌ها و درختان و درختچه‌های مراتع از گیاهانی همیشه سبزاند. هر پدیده‌ای که باعث شود رطوبت به اعماق خاک نفوذ کند، برای فرم‌های رویشی بوته‌ای

و درختچه‌های مناسب خواهد بود. در انتقال رطوبت به اعماق، سبکی بافت خاک، خرده خورشیدی جذب شده در بوته‌ها و درختان، جهت نگهداری سیستم گسترده ریشه و شاخه است و مقدار نسبتاً کمی از این انرژی برای زادآوری بکار می‌رود. بطور کلی، گیاهان فصلی و یکساله دارای تولید زیاد ولی ثبات و دوام کمتری هستند. برعکس گیاهان دایمی علفی یا بوته‌ای تولید کمتری دارند ولی دوام بیشتری در تولید آنها وجود دارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در مرتعی‌داری، گیاهان دایمی در مقایسه با گیاهان فصلی و یکساله اهمیت بیشتری دارا هستند و مدیریت باید جهت تقویت این نوع گیاهان باشد.

## علل انهدام مراتع

در گذشته مراتع افغانستان با مشکلات کمتری روبرو بود، چه از یک طرف تعداد حیوان کمتر و سطح مراتع به نسبت بیشتر بود و با مالکیت فردی یا گروهی حاکم بر آنها، سعی در حفظ مراتع می‌شده است. لذا در طی هزاران سال گذشته تخریب در مراتع، محدود به قطع درختان - درختچه‌ها و بوته بوده است.

تخریب مراتع در عرض یکی دو قرن اخیر سرعت بیشتری به خود گرفته و اگر دقت شود، بخشی از تشدید تخریب از زمانی آغاز می‌گردد که دولت در صدد تصاحب پاره از مراتع بر میآید و مالکیت مراتع به انواع مشروحه زیر تقسیم می‌شود.

- i. مالکیت عمومی.
- ii. املاک خاصه.
- iii. مالکیت اوقافی.
- iv. مراتع عشایر و قبایل.
- v. مالکیت خصوصی.

سه دسته اول مربوط به دولت بوده و به علت نحوه استفاده‌های اعمال شده بر این مراتع که از طریق دریافت مال‌التجاره و یا مواردی حق مرتعی بوده است، همیشه بدون در نظر گرفتن ظرفیت مرتعی حیوان بیشتر جهت به دست آوردن مال‌التجاره بیشتر وارد مرتعی می‌شده است. نتیجه اینکه در تمامی سطح مملکت مراتع دولتی جزو تخریب یافته‌ترین و فقیرترین مراتعی منطقه بودند برعکس دو دسته آخری با توجه به اینکه همیشه مالک یا مالکین علاقه‌مند در حفظ مرتعی بوده‌اند، وضع بهتری داشته است. ضربه شدید دیگری که به مراتع از طرف دولت وارد شد، ملی کردن مراتعی بود. در این قانون متأسفانه بدون اینکه تمامی جوانب امر بررسی شود اقدام به ملی کردن مراتعی شد. در نتیجه به‌طور سرسام‌آور در تمامی سطح مملکت، شبو روز توسط روستاییان و در پاره‌ای مناطق، ایلات مبادرت به تبدیل مراتعی نمودند. چه در صورت که مراتعی شخم یا دیسک خورده بودند و از حالت اراضی بکر خارج می‌شدند و جزو مراتعی محسوب نمی‌گردیدند. البته هدف افراد صرفاً تصرف مراتعی بود نه انجام کشاورزی و زراعت.

هرچند که در حدود ۳۰ سال از تاریخ تصویب و اجرای این قانون می‌گذرد، ولی امروزه شاهد اجرای ماده ۵۶ قانون ملی شدن جنگل‌ها و مراتعی هستیم که سطح مستثنیات را در مراتعی مناطق مختلف با اعلام آگاهی مشخص می‌نماید و افراد می‌توانند نسبت به آن اعتراض نمایند که اعتراض مربوطه در کمیسیون مرکب از ..... رسیدگی و رای قطعی صادر می‌شود. بخوبی روشن است که در عرض حدود ۳۰ سال گذشته امکان ایجاد به اصطلاح مستثنیات در همه جا و برای همه وجود داشته است. (۲/ص ۴۰)

(ادامه مطلب در صفحه بعد)





(ادامه مطلب ...)

گذشته از موارد فوق عواملی به شرح زیر در

تخریب و انحطاط مراتع دخالت داشته‌اند:

شخم مراتع به منظور توسعه کشت و عمدتاً دیم یا للمی در مناطقی که میزان بارندگی سالانه امکان کشت دیم را فراهم می‌کرده است، این گونه مراتع با دارا بودن خاک خوب و عمیق جزو بهترین مراتع محل بوده‌اند. البته چنانچه میزان محصولات کشاورزی حاصل از این تبدیل قابل قبول باشد، این گونه تبدیل اراضی تبدیل اراضی قابل توجهی است. چه با افزایش جمعیت و ارتقای سطح زندگی و ملاً افزایش زمین‌های کشاورزی، این زمین‌ها باید یا از جنگل و یا از مرتع گرفته شود ولی متأسفانه به علت پایین بودن قدرت تولید بالقوه در این گونه اراضی، تبدیل‌کننده‌گان آن پس از یک یا چند دوره کشت، این گونه اراضی را به حال خود رها نموده و زمین‌های مرتعی دیگری را برای کشت تبدیل می‌کرده و می‌کنند. در نتیجه در حال حاضر مساحتی در حدودی بیش از ۳۰ میلیون هکتار اراضی رها شده در سطح کشور وجود دارد که زمانی مرتع خوبی بوده‌اند که پوشش مرتعی آنها در اثر شخم و یا سایر عملیات زراعی از بین رفته و در این گونه زمین‌ها تعداد از گیاهان هرزه با استفاده چرای کم و یا بدون ارزش علوفه‌ای مستقر می‌شود. به عنوان مثال گیاهان زیر را می‌توان نام برد (۸ ص ۲۵)

انواع یکساله‌ها:

- Bromus tectorum. Hordeum morinum
Agropyron orientale. Aegliops.
Ceratocarpus

و از انواع چند ساله‌ها:

- Alhagi-Glycrrhiza. Goevelia
Prosopis. Euphorbia. Hulthemia.
Salvia. Centaurea. Carthamus

به علت کافی نبودن پوشش گیاهی در این گونه زمین‌ها متروک و به علت کم مساعد بودن شرایط محیط برای استقرار گیاهان و به دلیل اینکه آب و هوای جزو نوع آب و هوای مدیترانه‌ای است (آب و هوای نوع مدیترانه‌ای آب و هوای است که حداکثر میزان بارندگی در فصل سرد سال متمرکز بوده و حداقل بارندگی در فصل تابستان است) و تا توجه به اینکه اکثر اوقات، شخم اینگونه اراضی عمود بر خطوط تراز انجام می‌شود، بنابراین زمین‌ها در مقابل فرسایش کاملاً بی‌دفاع شده و پس از گذشت چند سال کاملاً فرسایش خواهند یافت. در این مورد در هر نقطه از افغانستان مثال‌های بسیار فراوان می‌توان ملاحظه کرد.

- چرای زود رس حیوان از مراتع: در افغانستان بخصوص در مناطق کوهستانی که زمستان‌های سختی دارد و حیوان نمی‌تواند در طول زمستان از آغل خارج شده و در مراتع چرا نماید، به علت کمبود علوفه ذخیره زمستانه از آغل خارج شده و در مراتع چرا نماید، به علت کمبود علوفه ذخیره زمستانه، بلافاصله پس از ذوب شدن برف‌ها و شاید قبل از شروع رشد در گیاهان، حیوانات به مراتع گسیل می‌شوند و در اثر چرای زود رس گیاهان مرتعی شدیداً صدمه دیده و در اثر تکرار در طی سال‌های متمادی از بین می‌روند.

- چرای بیش از اندازه: افزایش جمعیت از یک طرف و انگیزه‌های شدید اجتماعی و در پاره مراتع انگیزه‌های

اقتصادی از طرف دیگر باعث افزایش بیش از حد حیوان در کشور گردیده است. هرچند که میزان دقیق تولید علوفه از مراتع کشور و مازاد محصولات زراعی که مورد استفاده حیوانات قرار می‌گیرد مشخص نیست، ولی به هرحال تعداد حیوانات طبق مطالعات انجام شده توسط متخصصین و سازمان‌های مربوطه چندین برابر ظرفیت نگهداری است. این امر را در نظر گرفتن اینکه در افغانستان اصولاً مالدار فکر نمی‌کند که غذای حیوان باید از سطح مراتع به دست بیاید، لذا فکر تولید علوفه نبوده و در نتیجه افزایش دایمی و بدون توقف حیوانات از یک طرف و عدم تولید علوفه توسط مالداران از طرف دیگر باعث تشدید چرا شده و می‌شود، در نتیجه گیاهان فرصت تولید و ذخیره مواد غذایی برای رفتن به سال بعد پیدا نکرده و سال به سال در اثر چرای مفرط، گیاهان مرغوب کاهش می‌یابند و به جای آن‌ها گیاهان بی‌مصرف از لحاظ حیوان و چه بسا گیاهان سمی جایگزین می‌شوند. - بوته کنی: در عرصه کلیه مراتع و در اکثر دهات کشور، منابع سوختی فیسیلی قابلیت استفاده همگانی پیدا نموده است و ایلان و ده نسیستان بالاچار مبارکت به بوته کنی از سطح مراتع جهت پخت و پز - منابع گرمایی و استحمام می‌نمایند.



- لگ کوبی سطح مراتع: در اثر زیاد بودن تعداد حیوان و نیز چرای زود رس از مراتع که مصادف با مرطوب بودن خاک می‌باشد، سطح مراتع بیش از اندازه فشرده شده و قابلیت نفوذ آن به آب و تهویه کاهش یافته و جریان سطحی افزایش می‌یابد. لذا به تدریج در طی چند دهه محیط نامساعدی از لحاظ رطوبت در خاک برای گیاهان مرغوب ایجاد شده و باعث می‌شود این گونه گیاهان که به توسط ریشه‌های عمیق خود از رطوبت تحت الارضی استفاده می‌کنند از بین رفته و گیاهان پست و مقاوم در مرتع مستقر شوند.

ارقام زیر فشار بر سطح خاک را نشان می‌دهد. مقایسه فشار وارده بر واحد سطح توسط انسان، حیوان و تراکتور

Table with 2 columns: Animal/Equipment and Weight/Pressure. Rows include: گوسفند (2.2 kg/m²), گاو (3.6 kg/m²), انسان (2-0.45 kg/m²), تراکتور چرخ لاستیکی (2-1.4 kg/m²), تراکتور چرخ زنجیری (0.2-0.6 kg/m²)

صادرات حیوان: در کشوری که خود وارد کننده گوشت و منابع پروتئینی است و در رابطه با تخریب مراتع مسایل حاد و گوناگون دارد، صدور مجوز برای صادرات حیوان و اخذ عوارض (از هر رأس حیوان ۱۵۰ افغانی) با توجه ارزش بسیار بالای عرضه‌های خارجی در مقابل پول افغانی، می‌تواند به عنوان انگیزه قوی برای صادرات و قاچاق

حیوان باشد، نه عقط باید صدور مجوز حیوان قطع شود. بلکه می‌توان بایستی با قاچاق آن نیز شدیداً مبارزه شود. چه این حیوانات به قیمت تخریب بیشتر مراتع پرورش یافته‌اند. البته چنانچه به مسئله در چهار چوب مالداری توجه و عمل شود، برعکس دولت می‌بایستی وسایل توسعه و تشویق این گونه صادرات را فراهم نماید.

با توجه به عوامل تخریبی فوق‌الذکر در وضعیت مراتع با آنچه قبلاً بوده و فعلاً موجود است، اختلافات فاحشی وجود دارد و عمده این تغییرات مربوط به عوامل تخریبی مستقیم یا غیر مستقیم انسان می‌باشد.

به طور کلی سیر قهقراپی و تخریب در مراتع مختلف را می‌توان به ترتیب زیر در نظر گرفت.

در مناطق کوهستانی بالاتر از ۱۵۰۰ متر ارتفاع از سطح دریا با توجه به نوع اقلیم گیاهان مرتعی باید متشکل از جنس‌های زیر باشد:

- (1) Gramine: Bromus - Festuca
Oryzopsis- Stipa-
Agropyron-Dactylis-
ecale.....
(2) Leguminosae: Hedysarum-
Onobrychis-Trigonella-Astragalus-
Medicago

ولی چرای زودتر از موقع، چرای مفرط و بی‌رویه و تبدیل مراتع به زمین‌های زراعی کاملاً رشد و پراکنش این گونه گیاهان را تحت‌الشعاع قرار داده و در مساحت وسیعی به جای این گیاهان، گیاهان غیر خوش خوراک و یا با ارزش علوفه‌ای خیلی کم مستقر و تکثیر یافته‌اند که از آن جمله می‌توان گونه‌های جنس‌های زیر را نام برد:

- Phlomis- Euphorbia- Eryngium-
Cousinia- Astragalus
Acantholomun- Acanthophyllum-
Onobrychis cornuta- Gundelia

در مناطقی که ارتفاع آنها از سطح دریا پایین‌تر از حدود ۱۵۰۰ متر بوده، تحت آب و هوای خشک قرار گرفته‌اند، تخریب مراتع در اثر عوامل ذکر شده باعث از بین رفتن انواع مرتعی چند ساله شده و به جای آنها انواع یکساله و یا دایمی با ارزش علوفه‌ای پایین‌تر مستقر شده‌اند که

می‌توان از انواع یکساله‌ها جنس‌های زیر را نام برد:

- Aeglyops, Bromus, Hordeum,
Anthemis, Centaurea

این گیاهان در اوایل بهار (در مناطق جنوب به علت بالا بودن درجه حرارت، در فصل زمستان در اواخر زمستان) به علت مرطوب بودن خاک بسرعت شروع به رشد نموده، پوشش محافظتی تولید می‌نمایند که بزودی خشک شده و قسمت اعظم سال خاک مرتع تقریباً عاری از پوشش محافظتی خواهد بود. از انواع دایمی که غالباً جزو گیاهان هرزه و خاردار هستند می‌توان جنس‌های زیر را نام برد:

- Echinops, Cousinia, Astragalus,
Heliotropium
انواع زیر در اغلب مراتع این مناطق به وفور یافت می‌شوند:
Noaca Mucronata, Lactuca Orientalis

(ادامه مطلب در شماره بعدی ماهنامه تخصص ...)





# عدم کفایه سیرویکسی incompetent cervix

چکیده:



تهیه کننده: رتغور یار  
دوکتورس خدیجه شریفزاده  
ترینر متخصص نسایی ولادی  
و ترینر ملی تنظیم خانواده

ولی ما معمولاً پس از هفته بیست و سه اقدام به سرکولاز نمی‌کنیم. انجام سرکولاز پس از هفته ۲۲ با احتمال بیشتر دوام حاملگی بعد از هفته ۲۸ همرا بوده است.

در صورتیکه اندیکشن کلینیکی سرکولاز زیر سوال باشد بایستی به این زنان توصیه نمود که فعالیت جسمی خود را کاهش دهند. و از نزدیکی خود داری کنند. بایستس هر هفته و یا هر دو هفته سرویکس بررسی شده و افسامانت و اتساع آن ارزیابی شود. متأسفانه به رقم احتیاطات فوق ممکن است افسامانت و اتساع سریع سرویکس روی دهد. (۱)

## انواع سرکولاز

**(۱) مهملی:** دو نوع جرابی واژینال به طور رایج در طی حاملگی صورت می‌گیرند. یکی از آنها روش ساده ایست که (McDonald) ابداع شده است. روش دوم که پیچیده‌تر است توسط (Shirodkr) ارایه شده است. در طی سرکولاز اورژانس، رانند ساک آمینونی برآمده به درون رحم می‌تواند زدن بخیه را تسهیل کند. (Locatlei و همکاران، ۱۹۹۹) پایین آوردن سرتخت عمل ممکن است مفید واقع شود. در برخی موارد پر کردن مثانه با ۶۰۰ سی سی سالیین استریل از طریق کاتترفولی، پرولاپس پرده‌ها را کاهش خواهد داد. متأسفانه، این مانور ممکن است سرویکس را بطرف بالا حرکت داده و از جوزه عمل دور کند. در روشی دیگر، قرار دادن یک کاتتر فولی با بالون ۳۰ میلی متری در داخل سرویکس و باد کردن بالون، موجب جابجایی ساک آمینونی به طرف بالا می‌شود. سپس سرکولاز، بالون تخلیه می‌شود.

## (۲) سرکولاز بطنی (ترانس ایدومینال):

بصورت بخیه زدن در محل ایسموس رحمی در برخی موارد مانند نقایص اناتومیک شدید در سرویکس و یا سابقه شکست سرکولاز واژینال قبلی انجام می‌شود. (۱) سرکولاز **Hefner**: وقتی عدم اقتدار عنق دیرتر در زمان حاملگی تشخیص شد، قابل اجرا است. مزیت آن اینست که زمانیکه عنق بسیار کوچک باشد می‌تواند اجرا شود. (۳)

(ادامه مطلب در صفحه بعد)

دارد برآمده شدن پرده‌ها به درون سوراخ داخلی متسع سرویکس در حالی که سوراخ خارجی بسته است (۱) اتیو لوژی:

اگر چه علت عدم کفایه سرویکس نامعلوم است، به نظر می‌رسد که در برخی موارد، آسیب قبلی به سرویکس (به ویژه در طی D&C کونیزاسیون، کوتر نمودن و یا قطع سرویکس) عامل بروز این حالت باشد.

در سایر موارد تکامل غیر طبیعی سرویکس، مانند آنچه در اثر مواجهه با دی اتیل استیل بسترویل در محیط رحم دیده می‌شود، ممکن است باعث عدم کفایه آن شود. (۱)

## ارزیابی و تداوی

تداوی عدم کفایه کلاسیک سرویکس، انجام سرکولاز است. این عمل به این منظور صورت می‌گیرد که سرویکس ضعیف، به کمک جراحی و بخیه‌های نوع purse-string تقویت شود.

خونریزی، انقباضات رحمی و یا پاره شدن پرده‌ها، کاربوامینیونایتیس انومالی‌های شناخته شده جنین کنتز اندیکا سیون معمول انجام سرکولاز به شمار می‌روند.

پیش از سرکولاز، سونوگرافی جهت تعیین وجود جنین زنده و رد کردن ناهنجاری‌های جنینی عمده صورت می‌گیرد. نمونه‌های سرویکس از حیث گنوره و عفونت‌های کلامیدیایی بررسی شده و در صورت تأیید این عفونت‌ها یا سایر عفونت‌های آشکار درمان صورت می‌گیرد. نزدیکی بایستی حداقل یک هفته قبل و یک هفته بعد از جراحی، محدود می‌شود.

ایده آل آن است که سرکولاز به طور پروفیلاکتیک پیش از اتساع سرویکس، انجام شود و در برخی موارد این امر ممکن نیست، پس از تشخیص اتساع یا افسامان سرویکس، بایستی سر کولاز نجات دهنده (rescue cerclage) بصورت اورژانسی انجام می‌شود. اگرچه سرکولاز انتخابی عموماً بین هفته‌های ۱۲ و ۱۶ صورت می‌گیرد ولی متخصصین در مورد نحوه انجام سرکولاز اورژانس در اواخر حاملگی اتفاق نظر ندارند. هرچه سن حاملگی در زمان سرکولاز بیشتر باشد خطر بروز زایمان پری ترم یا پارگی پرده‌ها بدنبال مداخله جرابی افزایش می‌یابد. اگرچه این امر مبتنی بر شواهد نیست.

عدم کفایه سرویکس که با اتساع بدون درد سرویکس در سه ماهه دوم مشخص می‌شود این حالت در صورتی که بدرستی تداوی نشود ممکن است در بارداری‌های بعدی نیز تکرار شود. تداوی عدم کفایه کلاسیک سرویکس، انجام سرکولاز است.

## کلمه‌های کلیدی:

عدم کفایه سرویکس، سرکولاز، شیروودکار، مک دونالد، بطنی

**تعریف:** اصطلاح عدم کفایه سرویکس (incompetent cervix) جهت توصیف وضعیت مامایی خاص به کار می‌رود که با اتساع بدون درد سرویکس در سه ماهه دوم مشخص می‌شود و با پرولاپس و بیرون زدن پرده‌های برآمده به درون واژن همرا است و پس از آن خروج جنین نارس روی می‌دهد.

این حالت در صورتی که بدرستی تداوی نشود ممکن است در بارداری‌های بعدی نیز تکرار شود. متأسفانه زنانی که دچار سقط در سه ماهه دوم شده‌اند، اغلب داری شرح حال و شواهد بالینی هستند که افتراق ناراسایی حقیقی سرویکس را از سایر علل سقط در اواسط در حاملگی دشوار می‌سازند.

اخیراً استفاده از سونوگرافی ترانس واژینال جهت کمک به تشخیص عدم کفایه سرویکس مورد توجه قرار گرفته است. سنجش ویژگی‌های مشخص از سرویکس (عمدتاً طول سرویکس) در اواسط سه ماهه دوم، می‌تواند به پیش گویی احتمال زایمان پره ترم کمک کند. ویژه‌گی‌های دیگر که (Funneling) نام





### ادامه مطلب . . .

**سرکولاز Lash:** تنها سرکولازی است که قبل از حمل اجرا می‌شود. در مواقعی که ترومای وسیع عنق یا نقص آناتومیکی آن وجود داشته باشد این تکنیک می‌تواند استفاده شود. این بخیه دائمی بوده و ایجاب ولادت سزارین را می‌نماید. (۳)

### عوارض

Charles و Edward (۱۹۸۱) دریافتند که میزان بروز عوارض به ویژه عفونت، زمانیکه سرکولاز انتخابی (Elective) قبل از هفته ۱۸ انجام می‌گیرد، کمتر است. پارگی برده‌ها در طی بخیه زدن و یا ظرف ۴۸ ساعت پس از جراحی نیز، توسط برخی پزشکان به عنوان اندیکا سیونی برای برداشتن سرکولاز تلقی می‌شود. (۱)

Kuhn و pepperell (۱۹۷۷) گزارش کردند که پارگی برده‌ها در صورت عدم وقوع زایمان بدنبال باقی ماندن بخیه‌ها در محل و به تأخیر انداختن زایمان، احتمال عفونت جدی مادر و یا جنین را افزایش می‌دهد. با این حال محدوده تداوی‌ها از تحت نظر قرار دادن، تا برداشتن سرکولاز و تحت نظر قراردادن و در نهایت برداشتن سرکولاز و القای زایمان متفاوت است (Barth, ۱۹۹۵). کم بوداده‌ها، ارائه توسعه‌های قطعی را محدود می‌سازد و تداوی مطلوب در این بیماران هنوز مورد بحث است (O' Conner و همکاران، ۱۹۹۹) (۳)

بعد از روش تعدیل شده Shirodkar، می‌توان بخیه‌ها را در محل نگهداشت و زایمان را به روش سزارین انجام داد. از طرف دیگر می‌توان بخیه‌ها را برداشت و اجازه داد که زایمان واژینال صورت گیرد. (۱)

**روش‌های سرکولاز**  
سرکولاز با سه روش شیروودکار، مک دونالد و بطنی انجام می‌شود.

### آماده کردن وسایل مورد استفاده

دستکش در سایزهای مختلف نخ مرسیلین و لگن وسایل جراحی  
والو و یا اسپکولوم خلفی (Auvard weighted)  
پنس حلقه، نخ مرسیلین با ضخامت ۵ میلی لیتر، سوزن گیر، قیچی، پنست با و بی دندان، سوزن گیر و گالی بات

### نوع انستزی:

اسپینال، اپیدورال، و یا جنرال.

### اقدامات پرستار اسکراب

- پرپ واژن
  - درپ: لیتاتومی
- شرح عمل جراحی مکدونالد
۱. پرستار اسکراب والو خلفی را در اختیار جراح قرار می‌دهد.
  ۲. بعد از گذاشتن والو و اکسپوزواژن، سرویکس با رینگ گرفته شده و جلو کشیده می‌شود.
  ۳. اسکراب نخ مرسیلین (نوار سفید پهن به ضخامت ۵ میلی متر) را به سوزنگیر و به جراح می‌دهد.
  ۴. جراح با دست چپ رینگ را کشیده و با دست راست از محل بالاترین نقطه سرویکس (ابتدای سرویکس) به طرف چپ بایت اول زده می‌شود، در این جا هر دو والو باقی می‌ماند. اسکراب سعی نماید اکسپوز را خوب حفظ کند.
  ۵. بسته به محل بایت زدن جراح رینگ را جابجا می‌کند سپس بایت دوم در نزدیک جدار خلفی واژن در طرف چپ زده و بایت سوم در همین محل و در طرف راست زده می‌شود.

۶. بایت آخر نیز در جدار قدامی واژن و طرف راست زده می‌شود (کار اسکراب در اینجا این است که به کمک والو ها ناحیه را اکسپوز بدهد).

۷. جراح با زدن بایت چهارم دوباره به مکان اولیه می‌رسد سپس دو سر نخ را کشیده (البته نباید زیاد سفت شود به اندازه ۳ تا ۵ میلی متر سوراخ باز بماند) و ۴ تا ۶ تا گره زده می‌شود، سپس بالاتر از گره‌ها دوباره گره زده و بعد نخ کات می‌شود (سوچوری که در عمل توضیح داده شد، پرس استریل خوانده می‌شود).

۸. سپس رینگ باز شده و الوها خارج می‌شوند. (۳)

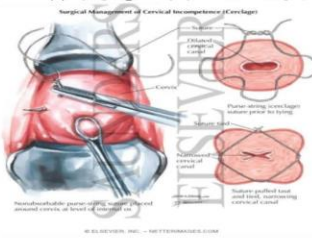
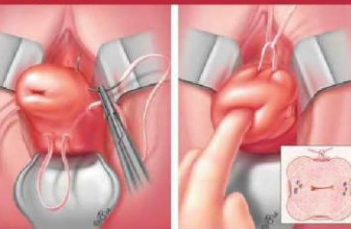


Figure 1. McDonald cerclage



### آماده سازی جراحی شیر و دگار

**اقدامات سیرکولر و اسکراب همانند روش مک دونالد می‌باشد.**

۱. با استفاده از والو خلفی و قدامی، ناحیه واژن اکسپوز داده می‌شود.
۲. بعد از گذاشتن الوها، رحم با رینگ گرفته شده و جلو کشیده می‌شود.
۳. در مخاط، قسمت قدام و خلف سرویکس برش عرضی کوچک زده شده و سپس نخ مرسیلین از این برش‌ها عبور می‌کند.
۴. نخ در حوالی سوراخ داخلی سرویکس قرار گرفته، دوسرخ کشیده شده و دهانه رحم تنگ می‌شود سپس نخ در خلف گره زده می‌شود، بعدا شق مخاطی دوباره ترمیم می‌شود.
۵. رینگ فورسیس باز شده و الوها خارج می‌شود. (۳)

Figure 1. Shirodkar cerclage



© All rights reserved. No part of this publication may be reproduced, stored in a retrieval system, or transmitted, in any form or by any means, electronic, mechanical, photocopying, recording, or by any information storage and retrieval system, without the prior written permission of the copyright owner. The copyright owner is the publisher. All rights reserved.

### سرکولاز بطنی:

بستن دهانه رحم از طریق شکم می‌باشد. در این روش بیمار در پوزیشن سوپاین قرار گرفته و پرپ بطنی یا واژن برای بیمار انجام می‌شود.

### شرح روش جراحی سرکولاز بطنی:

۱. برش عرضی در شکم زده و همانند جراحی سزارین طبقات جدار بطن باز می‌شود تا رحم نمایان شود.
۲. سروژ متانه تا حدود ۵ سانتی متر بر روی رحم و درست بالاتر از سطح داخلی دهانه رحم قرار دارد که با پنست بی‌دندان گرفته شده و با قیچی مرتب‌بام برش زده و بارتراکتور متانه به سمت پایین کشیده می‌شود.
۳. رحم با گاز مرطوب گرفته شده و به سمت بالا کشیده می‌شود تا هانه رحم تحت کشش قرار بگیرد.
۴. در این مرحله شریان‌های رحمی که در طرفین است، شناسایی شده و به عقب کشیده می‌شود.
۵. نخ مرسیلین (نوار ۵ میلی متری) از طریق فضای تنه تالوس (فضای بین شاخه سعودی و نزولی شریان رحمی) از قدام به خلف وارد می‌شود و برای طرف دیگر از خلف به قدام زده می‌شود.
۶. در این جا باید مواظب بود که نخ مرسیلین صاف و پیچ نخورده باشد.
۷. در نهایت سوچور مربع قدامی در قسمت سطح داخلی دهانه رحم قرار می‌گیرد و سوچور در بافت گردن رحم زده و محکم می‌شود (دنباله سوچور یا نخ پرلن گره زده می‌شود). (۳)

**چی وقت باید سوچور سرکولاز برداشته شود**  
• بعد از هفته ۳۷

- نزد خانم‌های که تقلصات ولادی پیدا می‌کنند
- Leakage
- خطرات یا عوارض در انا و بعد از عملیه
- ۱. خون ریزی
- ۲. هیستروکوتومی
- ۳. زایمان سزارین ۴
- ۴. پارگی رحم
- ۵. از دست دادن حاملگی
- ۶. Premature labor
- ۷. ۱-۹% (P-R of membran
- ۸. Infection of the cervix
- ۹. Infection of the amniotic sac
- ۱۰. Cervical reapture
- ۱۱. صدمه و یا تروما به سرویکس و مثانه
- ۱۲. Bleeding
- ۱۳. تنگ شدن دایمی عنق - بی جا شده گی عنق
- ۱۴. دیستوشی عنق (۳)

### منابع:

۱. Cunningham, F. G. (۲۰۱۴). Williams obstetric, 24th ed, c2014. Asare Sobhan Publisher
۲. ساداتیان، د. پ. - د. (۱۳۸۶). ویرایش چهارم. (تظاهرات اصلی و درمان بیماری‌های اصول باروری و زایمان CMMD. مؤسسه فرهنگی انتشاراتی نور دانش.
۳. سایت Medscape



# قرنطینه سرورزنده لگی یا زندان محققان را



نویسنده: فریبا اکبری

در بخش کرونا هم میلیون‌ها دالر به افغانستان کمک شده است، چه تضمینی وجود دارد که این پول‌ها حیث میل نشود، مسلماً که مثل دیگر کمک‌ها این پول تقسیم می‌شود یک فیصد سهم میلیون‌ها شهروند و ۹۹ فیصد سهم چند تن دیگر. نمونه آن را ما دیدیم که شفاخانه بلخ قیمت یک ترموزی که ممکن است چهارصد افغانی قیمت داشته باشد، آن را ۵۰۰۰ افغانی به لیست گرفتند یعنی ۱۰ برابر قیمت اصلی‌اش. این یک نمونه از هزارها بود که افشا شد و مطمئناً دها و صدها مورد وجود دارد که پوشیده است. توصیه‌های برای مردم دوران قرنطینه پیشنهاد می‌شوند، مثلاً کتاب بخوانید، موسیقی گوش دهید، ورزش کنید، زمینه این فعالیت‌ها برای عده‌ای از افراد جامعه افغانستان مهیا است، اما برای عده‌ای دیگر یک حرف خیالی بیش نیست. در مقابل تمام این ناملایماتی که برای بسیاری از افراد تنگ است، اما این قرنطینه برای بعضی‌ها فرصتی خوبی برای سلفی گرفتن، چکر زدن در سرک‌های خالی یا ماشین شیشه‌سیاه و تفریح و سرگرمی یا خانواده و هزاران مزیت از این دست را به دنبال داشته است و سختگیری پولیس با زورگویی و قلدری پاسخ داده است. دوران پسا کرونا ممکن است برای مردم دوران سخت‌تری باشد و دولت بهتر است از همین حالا فکری به حال مردم در دوران پساکرونایی کند، تا بعداً کاستی‌های موجوده در آن زمان را به گذشته نسبت ندهد.

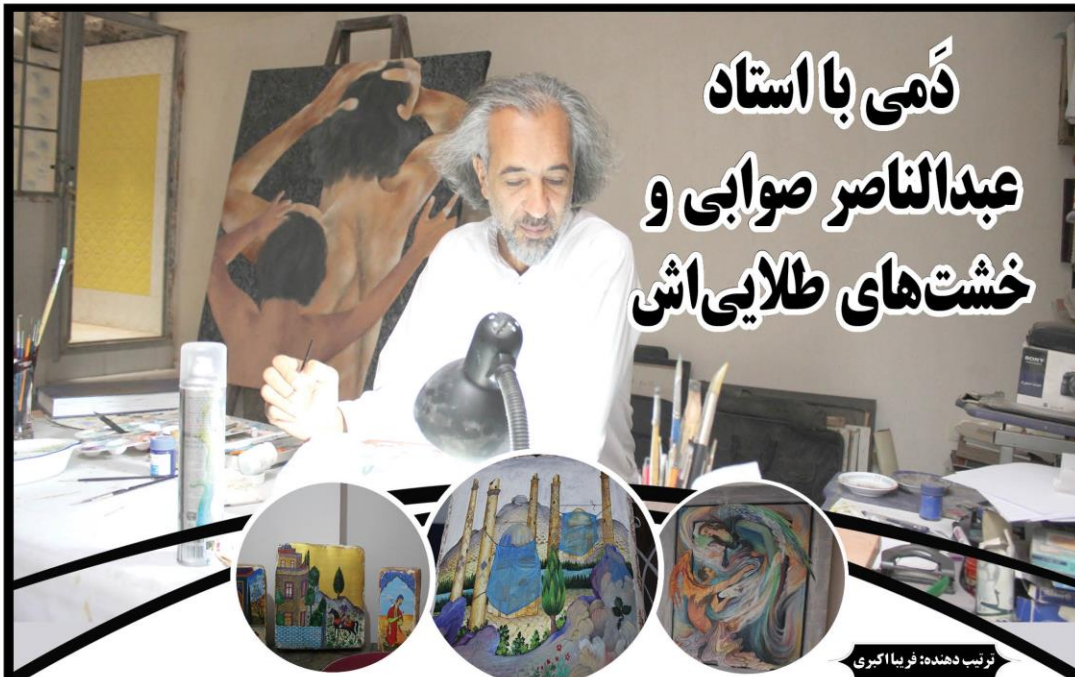
نیازمند در کابل چهارو نیم کیلو گندم توزیع کرده است که شاید نان دو وعده غذایی یک خانواده شود. در هرجایی دنیا که بگویید ما به مردم خود در ایام قرنطینه کمک کردیم، آن هم برای هر خانواده چهارو نیم کیلو گندم، به مسخره گرفته می‌شوید. در ولایت هرات در هر منطقه به دو الی سه خانواده کمک شده، آن هم به کسانی که با وکیل گذر دلش می‌خواسته و این موضوع داد و بیدادهای عده‌ای از مردم را برانگیخت، ولی با این پاسخ شعار گونه از طرف دولت روبرو شد، ما کمک کردیم و کمک‌های ما در آینده نیز جریان دارد. دولت‌مردان در افغانستان معمولاً تمام کاستی و رهبریت ضعیف دولت را اینگونه پاسخ می‌دهد که تمام کار نباید به دوش دولت گذاشته شود کاستی‌های وجود داشته، اما با آن هم ما تلاش می‌کنیم. در مسئله قرنطینه هم همین طور دولت می‌گوید، ما نمی‌توانیم بیش از این کمک کنیم. چون اوضاع افغانستان همین تقاضا را می‌کند. چرا همه کاستی‌ها و ضعف مدیریت و رهبری‌تان را به پای خاک و گذشته و این شعار میراث‌گونه را از یک دوره به دوره دیگر انتقال می‌دهید. در صورتیکه یک دولت باید آمادگی کامل برای مدیریت بحران داشته باشد و اینکه کاستی‌های فعلی را به گونه تمام عیار به نسل‌های گذشته و کارکنان گذشته ربط دهند، جالب نیست. ضعف مدیریت در بیشتر زمینه‌ها در افغانستان وجود دارد. بعضی وقت‌ها این ضعف به گونه‌ای فجیع سر از ادارات دولتی برون می‌کند و رسوایی بار می‌آورد.

کودکی در حوالی ما به نام حلیم زندگی می‌کند، کمتر حاضر می‌شود از کسی چیزی قبول کند. مادرش برای مردم نان می‌پزد و پدرش از صبح خروس‌خوان تا شام که آفتاب از پشت دیوار شکسته ناپدید می‌شود کاری کند؛ تا بلکه توانسته باشند بعد از نماز خفتن نان خشک بخورند و چای بنوشند اما، روزهای قرنطینه هرات این فرصت را نیز از ایشان گرفته است. این وضعیت بسیاری از مردم در هرات است که با آمدن روزهای قرنطینه با آن دست و پنجه نرم می‌کنند وضع قیود روزگردی روند عادی زندگی مردم در تمام جهان را متزلزل ساخته است و این روند در افغانستان متفاوت است؛ یعنی اینکه، مردم در این دوران فشار گرسنگی و روحی بیشتری را متحمل می‌شوند. در افغانستان بیش از نیمی از مردم زیر خط فقر زندگی می‌کنند و بسیاری از مردم به گونه‌ای روزمزد کار می‌کنند، که قرنطینه باعث از دست دادن شغل‌هایشان شده است. در دیگر کشورهای جهان با آنکه بیشتر سهولت‌ها برای شهروندان مهیا است، با آن هم صدای اعتراض شهروندان بلند می‌شود. در هرات در اولین روزهای قرنطینه دولت وعده سپرد که آنانی که شغل‌هایشان را از دست داده‌اند، برای‌شان شغل آماده کرده و مواد مورد ضرورت‌شان را به درب خانه‌هایشان می‌برد، حرفی که با توجه به شواهد، خنده‌دار معلوم می‌شود. وقتی نیمی از مردم زیر خط فقراند، یعنی اینکه باید دولت برای بیشتر مردم سهولت فراهم می‌کرد که نکرد. اخیراً دولت افغانستان برای دستکم یک هزار خانواده





# دَمی با استاد عبدالناصر صوابی و خست‌های طلایی‌اش



ترتیب دهنده: فریا اکبری

متأسفانه کسی در بیش از سی سال کار کرده در حدود ۳۰۰ کار هنری را فروختن و بیشتر کارهای هنری‌ام را اتباع خارجی خریداری کردند، اما کمتر توسط افغان‌های خود ما خریداری می‌شود. و این بی‌توجهی هم اثرات و شرایطی است که در افغانستان حاکم است.

## حمایت دولت از هنرمندان تا چه اندازه رضایت‌بخش بوده؟

با استفاده از هنر می‌توانیم که هویت فرهنگی خود را در منطقه تثبیت بسازیم و این زمینه‌سازی تثبیت هویت توسط دولت به خوبی زمینه‌سازی می‌شود، چیزی که در افغانستان کمتر به چشم می‌خورد و با برنامه‌ریزی کمتر از پنج سال می‌توانیم توسط هنر هویت خود را در منطقه تثبیت کنیم. و بیشتر نمایشگاه که برگزار می‌شود به همت خود هنرمند و بودجه خودش بوده است و یک افغانی هم از طرف نهاد دولتی برای برگزاری نمایشگاه هنری و نقاشی از طرف دولت برای من که چند سال دبیر نمایشگاه‌های دوسالانه‌ی هرات در دانشکده هنرها بودم نشده است. او افغانستان را جزیره می‌داند که با هیچ خشک در ارتباط نیست و این یعنی کمبود و یا بهتر است بگوییم نبود ارتباطات.

## اگر بخواهید هنر را تعریف کنید، چه می‌گویید؟

استاد صوابی بعد از پنج ثانیه سکوت در پاسخ به این پرسش گفت: "از نظر من هنر، رسالتی است که فقط افراد خاص می‌توانند انجام دهند و رسالتی که هنرمند باید بتواند مسوولیت‌هایش را از طریق آن انتقال دهد. هنر پناهایی امنی است برای آدم‌ها. پیام‌تان برای مخاطبان تخصص چیست؟  
اگر فرزندان‌تان می‌خواهند یک کار سالم را شروع کنند، آنها را جهت دهی نکنید و آنها را مجبور نکنید که کاری را که دوست ندارند، انجام دهند.

باشم بین زمان گذشته و زمان آینده و به نوعی از طریق آثار بیشتر وصل زمان را نشان بدهم تا گسست زمان. و همین شد که سر زدم. به آثار تاریخی قرن نهم و خست‌های از آثار مخروبه شده دوران تیموریان برداشتم و به محل کارم آوردم روی آن و روی آن زمان کروناوی را با توسل سبک زندگی تیموریان را با هنر مینیاتوری مزین و به نسل آینده منتقل سازم.

## زندگی شما را به طرف هنر کشاند یا علاقه؟

استاد با کمی لبخند، با شروع این جمله سوال من را پاسخ داد "این کمی مد شده که می‌گویند ما از خوردی دوست داشتیم این شغل را داشته باشیم" من تقریباً ۱۵ - ۱۶ سال سن داشتم که خانواده من می‌گفت تو باید کاری یاد بگیری اما، پدرم به همه گوشزد کرد که من باید نقاشی یاد بگیرم چون روزانه رفتار مرا که همواره با کتابچه نقاشی خود کلنجار می‌رفتم زیر نظر داشت و این شد که من به شاگردی استاد مشعل نشستم. دیری نپایید که جذب تیم کاری‌شان شدم، اما هنوزم خودم هم نمی‌دانم که چرا وارد این عرصه شدم.

## میشه در مورد سبک کاری‌تان برای ما بگویید؟

با توجه به اینکه می‌خواهم زمان گذشته و حال با وصل آنها برای آینده انتقال بدهم را می‌خواهم بنیان‌گذار مکتب را سوم مینیاتور در هرات باشم. چنانچه دو مکتب دیگر مینیاتور در دوره تیموری بیناینگذاری شده است و من این مکتب را که روی آن کار کردم و می‌خواهم رونق بدهم به نام "مکتب سوم یا مینیاتور معاصر هرات" می‌نامم و این شیوه در حال حاضر جز نظام درسی دانشکده هنرها می‌باشد. خریداران و حمایت‌گران هنر در هرات را در گذشته و حال را چگونه بررسی می‌کنید؟  
از گذشته تا به حال رونق کار هنری خوب بوده، اما

از راهرو کوچکی گذشتم، به پله‌های دایروی رسیدم، کمی سردرگم شدم که صدایی بلند شد و گفت "مواظب پله‌ها باشید، آدم را گیج می‌سازد و فقط من به آنها عادت دارم." این صدای استاد عبدالناصر صوابی استاد برجسته مینیاتور هراتی بود که مرا به اتاق کارش راهنمایی می‌کرد و قرار بود برای آثار "مجموعه‌های خست‌های طلایی" که در دوران کرونا توسط خودش خلق شده است گفتگو کنیم.

اتفاق کارش معترف هنر بود، کمی تاریخ با کتابخانه‌ی کوچک و تابلوهای نقاشی شده و میزی که با رنگ و وسایل نقاشی آراسته بود، در حالیکه نور زرد رنگی آن را روشن جلوه می‌داد. "مجموعه خست‌های طلایی" روی خست‌های از دوران تیموریان هرات با سبک زندگی اجتماعی قدیم، اما با اوضاع کروناوی توسط استاد عبدالناصر صوابی خلق شده است. منانت را از صحبت‌هایش می‌توان فهمید، با آنکه خودش معتقد است، که سخنش را با هنرش بیان می‌کند.

## استاد عبدالناصر صوابی که است؟

عبدالناصر صوابی هشتم استاد دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه هرات در سال ۱۲۶۸ شاگردی هنر را پیش استاد محمد سید مشعل شروع کرد و بعد از سال ۱۲ سال تجربه کاری وارد دانشگاه هنرهای زیبای هرات شد و در سال ۱۳۸۴ به درجه لیسانس از این دانشکده فارغ شد ۶ سال مسوول دبیرتمنت مینیاتوری دانشکده هنرهای زیبا هرات بودم و در سال ۱۳۹۵ بورسیه دکترا در بخش هنر رفته و فعلاً پژوهش هنر می‌خوانم.  
چه چیزی شما را به خلق "مجموعه‌های خست‌های طلایی" واداشت؟  
من در کارهای مینیاتوری خود سعی می‌کنم پل ارتباطی



# صلح و توسعه



نویسنده: عبدالقدیر فائز رحیمی

## چکیده

این نوشته حاوی مطالبی در مورد صلح و توسعه است بدون شک بحث روی چنین مطالبی دلچسپی و جذابیت خاص خود را دارد. حال اگر این کشور افغانستان باشد جذابیتی متفاوت از بقیه خواهد داشت چرا که در صلح و توسعه آن عوامل و عناصر متفاوت و متعدد می‌تواند دخیل باشد درین نوشته سعی صورت گرفته تا تحت عناوین مرتبط صلح، توسعه و عوامل هر کدام به بحث گرفته شود و موضع اسلام نسبت به آنها مشخص شود و به نمونه‌هایی ازین در تاریخ اسلام اشاره شده است. هم چنان سهم دولت چه مستقیم چه غیر مستقیم مشخص شده است و در پایان در مورد مشکلات موجود راه حل‌هایی نیز در نظر گرفته شده است.

## مقدمه

افغانستان به عنوان کشوری ستراتیژیک محل تلاقی تمدن‌های گوناگون بوده و از جایگاه خاصی در منطقه برخوردار است. زیرا کشورهای آسیای میانه به آب‌های آزاد راه ندارند و مبادلات را از طرق مختلف زمینی انجام می‌دهند. این کشورها اموال‌شان را از طریق افغانستان صادر نموده و اموال مورد نظرشان را ازین طریق وارد می‌کنند که در این میان حکایت از نقش برجسته افغانستان دارد. نه تنها اموال و اجناس، بل عنعنات فرهنگ و رسوم مختلف را منتقل ساخته و در خود جای می‌دهد. ولی با تأسف که این اواخر نقش افغانستان خیلی کم رنگ گردیده و افغانستان به کشوری برای جدال میان متخاصمان تبدیل گردیده و مشکلات عدیدی را اعم از داخلی و خارجی می‌توان در آن مشاهده نمود که سر راه توسعه و نوسازی این کشور را سد نموده است.

هر کشوری برای دستیابی به توسعه باید روندی را طی نماید که ممکن بسیار دشوار و طولانی باشد ولی در نهایت مفید تمام خواهد شد. انواع توسعه وجود دارد که اهم آن توسعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی است.

درین نوشته سعی صورت گرفته تا توسعه سیاسی در افغانستان در پیوند با صلح به بحث گرفته شود و در آن بر عوامل اجتماعی و فرهنگی نیز تأکید صورت گرفته است.

## اهمیت و ضرورت موضوع

مباحثی همچون صلح و توسعه بدون شک از مسایل اساسی و حیاتی یک ملت بوده و مطالعه آن توجه خاصی می‌طلبد. دو مورد متذکره باهم ارتباط مستقیم داشته هر کدام مکمل و پیش زمینه دیگری می‌تواند باشد.

با مطالعه و حصول آگاهی از عوامل توسعه و راه‌های ایجاد صلح می‌توان پیش بینی‌های موفق‌تری در مورد سیاست‌های آن کشور در آینده نمود این موضوع، با کمی تفاوت در مورد افغانستان نیز صادق خواهد بود.

موقعیت خاص افغانستان به آن جایگاه خاصی را مختص ساخته، طوریکه تمام مسایل آن اعم از مسایل امنیتی و غیر امنیتی با کشورهای همجوار گره خورده و پیوند ناگسستنی دارد و بحث و مناقشه روی چنین مباحثی، خالی از اهمیت نخواهد بود زیرا افغانستان قلب آسیا هم نام دارد و در نفع و ضرر با کشورهای منطقه سهیم است.

از جانبی هم افغانستان کشور بیست اسلامی و موضع اسلام نظر به پدیده‌های مذکور حایز اهمیت بوده و برای خواننده نظر و راهکار اسلام برای حصول این چنین مواردی ارزشمند تلقی خواهد شد اسلامی که بر صلح و ثبات و توسعه مهر تأیید گذاشته و به

سوی آنها تشویق می‌کند.

پس چرا در چنین کشوری صلح نسبی موجود باشد؟ چرا باید مفاهیم چون صلح و توسعه با اسلام در تضاد قرار داده شوند؟ چرا افغانستان در راستای آوردن صلح ناتوان بوده و چگونه می‌توان صلح را در افغانستان ایجاد نمود؟

## توسعه

**مفهوم توسعه:** توسعه را خروج از لافاه معنی نموده‌اند که در اینجا لافاه همان جامعه سستی در نظر گرفته شده و این کلمه در قرآن به فراخ و گسترش تعبیر شده ((اما آسمان را با قدرت‌مان بر افراشتیم و آنرا فراخ ساخته و گسترش خواهیم داد)) (ذاریات ۴۷)

در مورد تعریف اصطلاحی باید گفت توسعه به رشد و پیشرفت همه شمولی گفته می‌شود که تمام ابعاد زندگی را در برگیرد.

هانتینگتون (آفرینش نهادهای سیاسی و اداری با ویژگی پیچیدگی و استقلال و انسجام برای جذب و تنظیم مشارکت گروه‌های جدید و ترویج و تغییر در جامعه را) توسعه توصیف نموده است.

از نظر لوسین پای (توسعه تبعیت جامعه از الگو رفتاری مدرن و جانشین شدن کارکردهای پراکنده است).

چند مورد را باید در مفهوم توسعه در نظر داشت:

- ۱ - توسعه یک مقوله ارزشی است.
- ۲ - توسعه، جریانی چند پهلو (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی) است.
- ۳ - توسعه با مفهوم بهبودی و پیشرفت پیوند و قرابت دارد.

## پیش شرط‌ها و شاخص‌ها:

هر کدام از انواع توسعه، می‌تواند پیش شرطی دیگری باشد ولی در ارتباط به تقدم توسعه سیاسی و اقتصادی باید گفت ثبات سیاسی بدون توسعه اقتصادی ممکن نخواهد بود.

## ادامه مطلب در صفحه بعدی





### ادامه مطلب . . .

سادگی و پیچیدگی، وابستگی یا استقلال، انعطاف پذیری یا ناپذیری و یگانگی و پراکندگی از شاخص‌های توسعه‌اند. طوریکه به هر اندازه یک نظام سیاسی از سادگی به پیچیدگی، از وابستگی به استقلال، از انعطاف ناپذیری به انعطاف پذیری و از پراکندگی به یگانگی گرایش نماید به همان اندازه به میزان توسعه سیاسی آن افزوده خواهد شد. از نظر لوسین پای برای رسیدن به توسعه بحران‌های شش گانه را باید پشت سر گذاشت

بحران هویت، بحران مشارکت، بحران مشروعیت، بحران نفوذ، بحران توزیع و بحران یکپارچگی ((موانع توسعه سیاسی... ص ۴۹))

### چالش‌های توسعه سیاسی و نظریات پیرامون آن:

تقابل سنت و مدرنیته، انباشت قدرت و توزیع مجدد آن، تکنوکراسی در برابر تنوع نیافتگی نظام سیاسی و افزایش مشارکت سیاسی در مقابل کاهش قدرت صاحبان قبلی از عمده چالش‌های توسعه سیاسی به شمار می‌روند. هم چنین غیر سلسله مراتبی کردن ساختار اداری، تمرکز زدایی، افزایش آگاهی عامه و فراهم آوری زمینه آن در مقابل بحران مشروعیت نیز از دیگر چالش‌ها در این راستا به شمار می‌آید. استعمار زدگی و هم چنین فرهنگ و اعتقادات دینی نیز در این مورد تأثیر برجسته‌یی خواهد داشت به گفته اگوست کنت ((افراد بشر بیشتر زیر سیطره و نفوذ مردگان‌اند تا حاکمیت زندگان)).

مسیحیت غرب، جهان ارتدکس، جهان اسلام، مذهب کنفوسیوس و... بخش مهمی فرهنگ دینی را تشکیل می‌دهند. تالکوت نیز بر این نظریه مهم صحت می‌گذارد به نظر تالکوت پارسزدائر تغییرات فرهنگی و اجتماعی یک جامعه از حالت سنتی به مدرن و توسعه یافته در می‌آید.

در نتیجه باید افکار را مدرن نمود نه کالا و محصولات، و باید مدرن اندیشید.

از نظر لیبرال‌ها سیاست می‌تواند فرهنگ را تغییر داده و آن را مضمون نگهدارد ولی در مقابل محافظه کارها بر این باورند که فرهنگ موقیقت جامعه را تدوین می‌کند نه سیاست.

### مفهوم صلح

(وان طائفان من المومنین اقتلوا فاصلحوا بینهما (حجرات ۹))

به معنی خوب بودن، درستکار بودن و هم چنین آشتی و دوستی و عقدی که دو طرف در مورد بخشیدن چیزی یا گذشتن از حقی در مقابل هم تعهد می‌کنند ((معین)).

مصالحه از باب مفاعله یعنی مشارکت دو طرف بوده و صلح بین دو طرفی که قبلاً باهم منازعه داشته و آنرا به گونه‌یی حل نموده‌اند معنی می‌دهد.

مصالحه آشتی دو طرف، مسالمت، سازش آشتی دو کس یا دو گروه.

در نتیجه مصالحه بعد عملی صلح بوده و یا فرایند عملی اجرا، انجام و تحکیم صلح یا توافق طرفین منازعه را گنجانده ((آموزش صلح وحل منازعه)).

از آنچه گفته شد برمی‌آید که صلح از خود عناصر

دارد و طی مراحل بوجود آمده و حفظ می‌گردد ولی آنچه مهم است دوام صلح است که توسعه را در بلند مدت موجب می‌گردد به عبارت دیگر نخستین، مهم‌ترین و بنیادی‌ترین گام برای توسعه صلح خواهد بود زیرا بدون سایه صلح هیچ کشور نمی‌تواند به توسعه دست یابد صلح پیش زمینه ایست برای انواع توسعه که بعدها می‌تواند با کوشش و تلاش پدید آید.

### ارتباط صلح با توسعه:

بعد از جنگ‌های ویرانگر جهانی توجه بیشتری به صلح مبذول گردید و این موضوع مهم جلوه نمود. گرچه قبلاً نیز اقداماتی در این مورد صورت گرفته بود ولی متأسفانه نتوانست پیش‌گیری جنگ را بنماید. در این میان به حقوق بین‌الملل بشر دوستانه (IHL)



که از دو بخش قوانین ژنیوواگ تشکیل شده به منازعات و درگیری‌های بین‌المللی پرداخته و برای کمک به مردم در سراسر جهان شروع به فعالیت نمودند طوریکه از قاعده انگاری شروع شده به حل منازعات وحی کمک به قربانیان جنگی و آواره‌گان از طریق کمیته صلیب سرخ و هلال احمر اقدام نمودند این موضوع بعدها در منشور ملل متحد نیز درج گردید ((اعضای سازمان ملل باید در روابط بین‌المللی‌شان از توسل به تهدید و استعمال نیز و امتناع ورزند)).

از سطح جهانی و بین‌المللی که بگذریم صلح در افغانستان نیز هم برای خود افغانستان منطقه و حتی جهان مفید تمام خواهد شد در قدم اول کشور را به سمت توسعه سوق خواهد داد در قدم دوم بدون صلح توسعه ممکن نخواهد بود و مشکلاتی غیر از توسعه نیافتگی را برای افغانستان نیز بار خواهد آورد ولی این صلح نباید به قیمت استعمار استثمار و یا معامله‌گری تمام شود.

حکومت‌داری، توسعه و امنیت از حداقل کار ویژه‌های حکومت‌خوب در جهان امروزی است. امنیت و حکومت‌داری خوب بستر مساعدی را برای توسعه پهن خواهد نمود.

رهبر کشور باید توانایی انجام کار بوسیله دیگران را داشته و به آنها اعتماد نماید و در چنین حکومتی باید صلاحیت‌ها تفکیک شده و مسئولیت تقسیم گردد که چنین کاری با سیاست‌گذاری درست سیاستمداران میسر

می‌گردد و در نهایت توسعه سیاسی را موجب خواهد شد. (حکومت‌داری در ابعاد کوچک)

### صلح توسعه و اسلام

اسلام دین صلح و آرامش و امنیت بوده در نهایت موجب توسعه و پیشرفت است پیامبر اسلام (ص) مظهر مهربانی و شفقت و هم‌چنان مهر علم و دانش بودند. کاروایی‌های آنها همه سرتاسر پیام آور صلح و امنیت بود. با وجود علمیت‌شان خودشان را از مشوره و رایزنی بی‌نیاز حس نمی‌نمودند نمونه‌های آن در تمام غزوات و حالات محسوس و آشکار است از نمونه‌های آن می‌توان به مکان و محل لشکر اسلام در غزوه بدر، چگونگی دفاع در غزوه احد و حفر خندق در غزوه احزاب و یا تدوین منشور مدینه و... همه وهمه بیانگر اینست که پیامبر اکرم (ص) در موارد زیاد از عقل و رأی و مشوره کار می‌گرفتند و دیگران را در آن امور سهیم می‌ساختند.

داستان حضرت معاذ که به عنوان قاضی به یمن فرستاده میشد گواه این موضوع است آنگاه از او در مورد قضاوت پرسیدند و گفت از قرآن حکم میکنم و سپس از سنت و اگر نیافتم به عقل خودم رجوع خواهم کرد بعد برایش فرمودند که راه درستی را در پیش گرفتی ((محمد ص)) پیغمبری که از تو باید شناخت. هم چنان اسلام با توسعه در تضاد نبوده که حتی به سوی آن سوق میدهد دوران خلفای راشدین عمر بن عبدالعزیز و سایر خلفای علم دوست گواه این واقعیت است.

### چالش‌های سر راه توسعه در افغانستان

در این باره نظریات متفاوتی ارائه شده که مهم‌ترین‌شان را نام می‌بریم عده‌ای فرهنگ سنتی و قبیله‌ی را علت آن می‌دانند و شماری بر ناسازگاری و عدم مطابقت ترکیب اجتماعی و نظام سیاسی تأکید کرده. گروهی تمامیت خواهی پشتون‌ها را مؤثر دانسته و بخشی هم قشر شدید اقتصادی را عامل می‌دانند و بر این علل تفسیر نا صواب از تعالیم دینی را باید افزود. که باید برای حل این مضامات اولاً تبعیضات و تعصبات را از بین برده رابطه عقل و وحی تشخیص شود که مکمل یکدیگرند نه در تناقض باهم و اینکه از قرآن در تمام اعصار نظر به ضرورت می‌توان استفاده برد صلح سازی نموده صلح بانی و صلح پروری صورت گیرد و پلان‌گذاری درست و منظم صورت گیرد تا از هدر رفتن سرمایه ملی جلوگیری شود و برای صلح اجتماعی تلاش مداوم صورت گیرد تا همکار صلح سیاسی گردد.

### منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- منصور، عبدالحفیظ، موانع توسعه سیاسی در افغانستان، انتشارات سعید ۱۳۹۶
- ۳- عثمانی، علی احمد، حکومت‌داری در ابعاد کوچک، انتشارات احزازی، ۱۳۹۸
- ۴- گنورکو، کنستان و برزلی، محمد(ص) پیغمبری که از نو باید شناخت، ترجمه ذبیح‌الله منصور ۱۳۹۱
- ۵- آموزش صلح و حل منازعه، ستاره بقره‌ای، ۱۳۹۶.
- ۶- حقوق بین‌الملل بشر دو ستانه (IHL)
- ۷- لنتنامه دهخدا
- ۸- لنتنامه معین.



# بررسی بی تفاوتی شهروندان افغان در برابر ویروس کرونا؛



فضل الرحمان فاضل - روان شناسی و استاد دانشگاه

افغانستان شمار مشخصی از آنها را روزه اجازه ورود به کشور داده و در قسمت نواحی مرزی معاینه صحت کند. اما شوربختانه روند بازگشت مهاجرین افغان به شکل غیر قابل کنترلی درآمد و افراد بازگشت کننده در سرتاسر کشور پراکنده شده که این موضوع زمینه گسترش شیوع کرونا را مهیا ساخت. نبود تجهیزات و کیت برای تشخیص افراد مشکوک به کرونا هم یکی از معضلات اساسی در روزهای اخیر بوده که ما شاهد آن هستیم در هفته قبل چند روز در هرات هیچ آزمایشی از افراد مشکوک گرفته نشد. اولین عاملی که باعث این معضل شده و در آینده نزدیک تبدیل به فاجعه می شود، بی تفاوتی اجتماعی است که متأسفانه دامن گیر جامعه ما شده و خیلی ها را به این بیماری مبتلا کرده است. اسماعیل زاده در یک تحقیقی که انجام داده به این باور است که بی تفاوتی ترجمه واژه انگلیسی apathy برگرفته از کلمه یونانی apathia است که خود، وازهای یونانی و در ادبیات فلسفه رواقی برای نشان دادن بی تفاوتی نسبت به چیزی که فرد مسئول آن نیست به کار گرفته می شود. کلاتنری و همکاران در سال ۱۳۸۷ بی تفاوتی را به عزلت گزینی، بی علاقهگی و عدم مشارکت افراد در اشکال متعارف اجتماعی معنی کرده اند. بی تفاوتی اجتماعی وضعیتی است که طی آن افراد جامعه نسبت به هم نوعان، اوضاع سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، و شرایط موجود و آینده دچار بی علاقهگی و بی اعتنایی می شوند.

در پایان نیاز است که به این نکته اشاره شود که فقدان همکاری مردم با حکومت می تواند تا وضعیت را بدتر از این سازد و باید نهادهای جامعه مدنی رسالت مندانه در این شرایط گام بردارند و با آگاهی رسانی به مردم زمینه تعامل مردم و حکومت را مساعد سازند.

مقرراتی که از طرف دولت وضع می شود بی اعتنا هستند. سایر عواملی که از دید روان شناختی می تواند عوامل بی تفاوتی در برابر ویروس کرونا را تبیین کند عبارتند از:

**هیچ انگاری:** از وقتی که ویروس کرونا شیوع پیدا کرد، عده ای زیادی از هموطنان ما، بیماری کرونا را یک توطئه از طرف دشمنان اسلام قلم داد می نمودند. آنها به این باور بودند و هستند که این یک جنگ روانی است و خیلی ها می خواهند مردم را از برگزاری مراسم های دینی به دور سازند، تعداد دیگری هم با فرصت طلبی کوشش کردند تا ماهی مرادشان را صید کنند که البته این اتفاق هم تعداد زیادی از افراد سود جو در این روزهای دشوار دست به احتکار لوازم بهداشتی و ارتزاقی هم زدند.

**عادی سازی:** در چند روز اخیر یک سلسله شایعاتی در دنیای مجازی، بین مردم سر زبان ها افتاده که کرونا در افغانستان، به ویژه در هرات شکست خورده است. آن ها به این باوراند که موقعیت جغرافیایی و یا هم میزان بلند بودن قدرت بدنی و فیزیولوژیک مردم باعث شده آسیب چندانی به ما وارد نسازد، چرا که در این مدت به تناسب کشورهای دیگر میزان مبتلایان مرگ و میر در افغانستان خیلی کم تر می باشد.

آن چه از همه بیشتر در این روزها موضوع کرونا را در حال تبدیل کردن به یک فاجعه انسانی کرده است، نگاه دولت مردان ما می باشد. به گونه مثال: در روزهای نخست که نگرانی از مبتلا شدن به ویروس کرونا در بین شهروندان به وجود آمد، شمار زیادی از شهروندان و فعالین جامعه مدنی از حکومت افغانستان خواستند تا با تدوین استراتژی درست فرایند بازگشت مهاجرین را مدیریت کند و در صورت ناگزیر بودن بازگشت مهاجرین افغان از ایران، بایست حکومت

عوامل بی توجهی مردم به رهنمودهای حکومت برای مبارزه با ویروس کرونا از کجا ناشی می شود؟ چرا مقام های حکومت افغانستان از چگونگی رفتار شهروندان شاکی هستند؟

در حالی که در کشورهای دیگر، دولت و مردم با هم بسیج شده و دوشادوش با یکدیگر در حال مبارزه با کرونا هستند. اما در افغانستان بین مردم و دولت یک شکاف عمیق پیرامون مبارزه با کرونا وجود دارد، و دولت و مردم هماهنگی لازم با یکدیگر را ندارند. عوامل متعددی را می توان نام برد که تأثیر مستقیمی روی بی تفاوتی شهروندان به توصیه های وزارت صحت عامه دارد از آن جمله فقر اقتصادی یکی از تأثیر گذارترین متغیرهای است که باید آن را بسیار جدی پنداشت. اکثریت مردم افغانستان در وضعیت نامناسب اقتصادی زنده گی می کنند که این موضوع سبب شده است تا دغدغه نان مانع ماندن آن ها در خانه گردد.

حکومت افغانستان در یک آزمون سخت مدیریتی قرار دارد و مدیریت وضعیت کنونی برای گذار از بحران می تواند تا مردم افغانستان را نسبت به داشتن یک حکومت پاسخ گو امیدوار سازد اما بدون شک که در نبود همکاری مردم با حکومت نه تنها که حکومت از این آزمون موفق بیرون شده نمی تواند بلکه ویروس کرونا فاجعه آفرین خواهد شد.

در کشورهای دیگر دولت ها با یک برنامه دقیق، با استفاده از روش های علمی و کاربردی و دانش افراد متخصص و مدیران دانش آموخته، خود را آماده رویارویی با ویروس کرونا کردند. ولی در افغانستان شفتگی مسئولین در تصمیم گیری و ارایه اخبار ضد و نقیض درباره آمار کرونا به شدت محسوس است و از طرف دیگر مردم هم نسبت به قواعد و





# شهرهای بلند و مشکلات زندگی کردن در آنها

نویسنده: محمدرضا مصدق

غیرمجاز حالت بدتر خواهد گرفت. **قیمت‌های گزاف بالای زندگی** است که در شهرهای بزرگ فشار چند برابر بر دوش خانواده‌ها وارد کرده و آنان را از دستیابی به یک زندگی آرام و بی‌دغدغه محروم ساخته است. هزینه بالای حمل و نقل و جابه‌جایی در سطح شهر، هزینه بالای درمان و امور بهداشتی، هزینه

پی می‌بریم تغییر نظر می‌دهیم، البته زندگی در روستاها هم مشکلات خاص خود را دارد اما مهم‌ترین امتیازی که زندگی روستایی بر زندگی شهری دارد وجود فضایی آرام، آکنده از محبت و صمیمیت میان ساکنان و محیطی پاک و سالم است که در شهرهای بزرگ کمتر به چشم می‌خورد. شهرنشینان از امکانات بهداشتی، تحصیلی، تفریحی، ورزشی، برق، آب، شبکه‌های ارتباطی بیشتری

در هر جای از دنیا که باشی آسمان آبی است روزها می‌آیند و می‌روند، هر نفسی در پی لقمه نانی است و هر کوششی در پی تحقق سعادت! فرصت‌ها می‌آیند و می‌روند همان‌گونه که گذر روزها و گذران زندگی را نمی‌توان به تأخیر انداخت. اما از قدیم گفته‌اند آنجا خوش است که دل خوش است، چه زیبا و دل‌انگیزست طبیعت، چه زیباست وقتی پنجره را می‌گشایی خیزش خورشید



تخصیص، پوشاک، خوراک، مسکن، مسافرت، امکانات ورزشی و تفریحی و... موجب شده که دسترسی به این امکانات برای همگان میسر نباشد و شهروندان به دلیل محرومیت از دسترسی به این امکانات با فشارها و استرس‌های زیادی مواجه شوند. تخلیه فشارهای روحی و روانی ساکنین کلان‌شهرها با تأمین نیازهای ضروری و حیاتی آنان امکان‌پذیر است و در شرایطی که بسیاری از شهروندان در تأمین اساسی‌ترین نیازهای ضروری خود با مشکل مواجه هستند چگونه می‌توان انتظار داشت که فشارهای روحی و روانی کاهش پیدا کند و از مرگ و میرهای ناشی از سکنه‌های قلبی و مغزی جلوگیری شود؟! **(ادامه مطلب در صفحه بعد)**

برخوردار هستند اما زندگی در شهرها علاوه بر مزایایی که دارد معایبی هم دارد. **ساخت و سازهای بی‌رویه و غیر مجاز** ساخت و ساز در شهرهای بزرگ به طرز بی‌رویه‌ای افزایش پیدا کرده است در این ساخت و سازها نه اصول شهرسازی رعایت می‌شود و نه فرهنگ شهرنشینی، برج‌های غیراستاندارد و سر به فلک کشیده، ساختمان‌های بی‌قواره و غیرمجاز که بنیان‌های محکم و قوی ندارند، خیابان‌های تنگ و محصور، که بافت شهرها را نامنتجانس و نامناسب کرده‌اند. ساخت و سازهای غیرمجاز بیشترین آسیب‌ها را به شهرهای بزرگ وارد کرده و اگر برای حل این معضل چاره‌ای اندیشیده نشود شهروندان در شبکه‌ای از ساخت و سازهای بی‌قواره پیچیده و

پشت کوه‌ها را می‌بینی و از فضای طبیعی لذت می‌بری امروزه انسان‌ها به دنبال سهولت، آرامش و آسایش هستند و زندگی شهری بدجور دست و پای انسان‌ها را گرفتار کرده است، ترافیک، آلودگی هوا، گران قیمتی، مصرف‌گرایی، تشریفات و تجملات بیش از حد، استرس و نگرانی و... حوصله انسان‌ها را به سر آورده و همه در فکر رسیدن به لحظات آرامش هستند، همین دغدغه‌هاست که باعث می‌شود شهرنشینان از کوچک‌ترین فرصتی که به دست می‌آورد برای مسافرت و بیرون رفتن از شهر و پناه بردن به طبیعت استفاده کنند. خیلی‌ها از ما فکر می‌کنیم که زندگی در شهرها بهتر و سهل‌تر از زندگی در روستاها است اما وقتی به مشکلات و دردسرهای زندگی شهری



دور سوم شماره ۱۴۰ - ۱۴۱ حمل و ثور ۱۳۹۹

### ادامه مطلب ...

ساکنان شهرهای بزرگ به غیر از تأمین نیازهای اقتصادی خود نیاز به تفریح، ورزش و آرامش دارند و لازم است که در مناطق مختلف شهر یا حتی خارج از شهرها مکان‌ها و پارک‌هایی برای تفریح و گردش شهروندان در نظر گرفته شود تا از فشار مشکلات عصبی و روحی و روانی کاسته شود چرا که در غیر این صورت زیان‌های ناشی از فشارهای روحی و روانی شهروندان گریبانگیر مسئولان دولتی را خواهد گرفت و دولت باید در سایر بخش‌ها هزینه‌های آن را بپردازد.

### مشکلات زیست محیطی

مسائل و مشکلات زیست محیطی امروزه به یکی از مسائل اصلی شهرها تبدیل شده است چرا که

می‌کنند به دلیل مشکلات متعدد زندگی شهری از جمله مشکلات اقتصادی و اجتماعی نسبت به کسانی که در روستاها زندگی می‌کنند از مشکلات اخلاقی بیشتری برخوردارند و همین مشکلات آنان را به سوی جرم و خلافکاری سوق می‌دهد. به همین دلیل است که آمار جرم و جنایت در شهرها بالاست با اینکه تدابیر و مقررات امنیتی در شهرهای بزرگ بیشتر است اما به دلیل فقر و شلوغی در شهرهای بزرگ، دزدی، قتل و جرایم متعدد بسیار زیاد است.

در شهرها به دلیل افزایش جمعیت، افراد شناسایی کمتری نسبت به یکدیگر دارند و چه بسا اتفاق می‌افتد که ساکنان یک ساختمان به ندرت همدیگر را می‌بینند و شناختی نسبت به یکدیگر



ندارند، همین گمنام بودن و ناشناخته بودن در برخی از افراد می‌تواند زمینه‌ساز بروز رفتارهای خلافکارانه و مجرمانه باشد و دست به دزدی، سرقت و جنایت بزنند.

در روستاها به خاطر اینکه اکثر ساکنان با یکدیگر خویشاوند و فامیل هستند و از دوران کودکی با یکدیگر همبازی و دوست بوده‌اند چندان اختلافی با یکدیگر ندارند و معمولاً اختلاف‌هایی که پیش

شهرها حاصل تسلط انسان‌ها بر محیط زیست هستند و حضور و توسعه انسانی در محیط زیست چهره آنها را تغییر داده است و به فضاهای مناسب برای زندگی شهری تبدیل کرده است به همین دلیل، زندگی شهرنشینی یکی از دلایل اصلی تخریب محیط زیست است علاوه بر اینکه برای توسعه شهری، منابع طبیعی از بین رفته است؛ بلکه روز به روز نیز با پیشرفت‌های تکنولوژی و افزایش جمعیت و زندگی مدرن‌تر انسان‌ها، طبیعت بیشتر از بین می‌رود. ساختمان‌ها، وجود صنعت و انواع حمل و نقل موجب شده است تا فضاهای طبیعی در معرض خطر و نابودی قرار بگیرند این تسلط انسان بر طبیعت کم‌کم موجب تغییر شکل طبیعت شده و زمینه‌های آلودگی و نابودی آن را فراهم می‌کند. تراکم انبوهی از جمعیت و کمبود هوای تمیز در محیط‌های شهری موجب آلودگی‌های شدید و بیماری‌های تنفسی در شهرهای بزرگ شده و زندگی را برای شهروندان مشکل کرده است.

### جرم و جنایت

یکی از معایب زندگی شهری افزایش جرم و جنایت در کلان‌شهرها است افرادی که در شهرها زندگی

می‌آید توسط ریش‌سفیدان و افراد بزرگ خانواده حل و فصل می‌شود اما در شهرها به دلیل اینکه اکثر افراد شناختی نسبت به یکدیگر ندارند به هنگام بروز سوءتفاهم و اختلاف کینه به دل می‌گیرند و چه بسا کینه‌ها و اختلافات کوچک که به دشمنی‌های بزرگ و عمیق و قتل و جنایت منجر می‌شود.

### و در نهایت...

مشکلات زندگی شهرنشینی و فشارهای روحی و روانی ناشی از مسائل و معضلات اقتصادی، زیست محیطی، جنایی و اجتماعی سبب شده که شهرنشینان برای تخلیه فشارهای عصبی خود به پارک‌ها، جنگل‌ها، فضای سبز و امکانات ورزشی و تفریحی روی بیاورند، هزینه مسافرت‌های بین شهری بالاست و اکثر خانواده‌ها ترجیح می‌دهند به جای سفرهای پرهزینه به پارک‌ها و باغ‌های اطراف شهر پناه ببرند و ساعاتی را به آرامش بگذرانند به همین دلیل امکانات ورزشی، تفریحی و فضای سبز باید در همه نقاط شهر و به نحوی آسان و قابل دسترس در اختیار عموم شهروندان قرار بگیرد و رفت و آمد شهروندان به این مکان‌ها آسان و راحت باشد. مسلماً اگر محیط‌های ورزشی و تفریحی و فضاهای سبز و مفرح به اندازه کافی در شهرها تعبیه نشود و شهروندان برای تخلیه فشارهای عصبی خود راه فراری پیدا نکنند این فشارها تابناک خواهد شد و تبدیل به بیماری‌ها و معضلات روحی و روانی خواهد شد که زیان آن نه تنها متوجه شهروندان بلکه متوجه نهادهای مختلف جامعه خواهد شد به همین دلیل آحاد مختلف جامعه به ویژه جوانان باید به امکانات تفریحی و ورزشی مناسب دسترسی کامل، آسان و ارزان داشته باشند.







## پروژه‌های مدیریت محصولات زراعتی در دوره کرونا به ارزش ۵۲۰ میلیون افغانی در هرات آغاز شد

کشمش در بازارهای داخلی هرات به ۱۸۰ افغانی رسیده است و این موضوع برای دهقانان نگران کننده است. نور احمد یکی دیگر از دهقانان ولایت هرات است وی نیز خسارت دوران کرونا برای دهقانان را نگران کننده می‌داند و از دولت خواهان توجه بیشتر به دهقانان در دوران کروناست. ویروس کرونا باعث وضع محدودیت در بسا از کشورهای جهان شده است و دوران قرنطینه صادرات و واردات کشورها را متوقف کرده، این موضوع نگرانی‌های جهانی را برانگیخته و باعث ضرر به بسیاری از تاجران و دهقانان شده است.

در همین حال شماری از دهقانان ولایت هرات می‌گویند که دوران قرنطینه‌ی کرونا به ۵۰ فیصد محصولاتشان ضرر رسانده است. عبدالقیوم یکی از دهقانان ولسوالی پشتون زرغون است، وی می‌گوید: "محصولات زراعتی ما که کشمش است ۵۰ فیصد آسیب دیده و اگر این روند ادامه پیدا کند احتمال فاسد شدن دارد". وی که باغدار است و محصولات کشمش خود را به بازارهای داخلی و خارجی به فروش می‌رساند بیان می‌کند، قبل از کرونا و قرنطینه، هر من کشمش را تا ۵۰۰ افغانی به فروش می‌رساندم، اما در حال حاضر قیمت این

پروژه‌های مدیریت محصولات زراعتی دوران کرونا در هرات به ارزش ۵۲۰ میلیون افغانی روز (سه‌شنبه، ۱۶ ثور) آغاز شد. مسوولان زراعتی هرات بیان می‌کنند، آغاز این پروژه‌ها می‌تواند دهقانان هرات را از خسارات ناشی از کرونا نجات دهد. عبدالصبور رحمانی رییس اداره زراعت ولایت هرات می‌گوید: "این پروژه‌ها به ارزش ۵۲۰ میلیون افغانی در ۱۲ ولسوالی هرات تطبیق می‌شود و هزار باب کشمش‌خانه ۲۰۰ باب ذخیره‌گاه پیاز، ۱۰۰ پایه دستگاه خشک کن محصولات زراعتی به دهقان‌ها توزیع می‌شود".

رحمانی می‌افزاید، این پروژه‌ها برای بسیاری از افراد در هرات طی دوماه زمینه‌های کاری را نیز مساعد خواهد ساخت.

در همین حال، والی هرات نیز از افتتاح این پروژه‌ها در ولایت هرات استقبال کرده و خواهان کمک‌های بیشتر مؤسسات در زمینه زراعت در هرات شد.

سید عبدالوحید قتالی والی هرات که در این برنامه وعده همکاری‌های بیشتر را به اداره زراعت هرات داد گفت: "ما در پی جذب پروژه‌های بیشتر برای دهاقین هرات هستیم و اینکه تشخیص بدهیم که چه موردی مورد استقبال و مؤثریت دهقانان ما قرار دارد".



# روی دیگر کرونا در هرات



کرونا در افغانستان بخش خصوصی در این کشور بیشتر از یک و نیم میلیارد دالر ضرر کرده است. **توزیع نان خشک از سوی دولت و شکایت‌های مردم** حکومت افغانستان در اوایل ماه رمضان روند توزیع نان خشک برای افراد بی‌بضاعت را به خاطر شیوع ویروس کرونا شروع کرد.

تعدادی از مردم در هرات با اینکه از روند توزیع نان خشک در هرات حمایت می‌کنند، اما بیان می‌گویند که فساد در حکومت پای خود را به توزیع نان خشک برای افراد بی‌بضاعت را نیز کشاند.

تاج بی بی یکی از این افراد است، به گفته خودش؛ برادرش که تنها نان‌آور خانواده‌ی شش نفره‌شان بود؛ چند وقت پیش برای کار کردن به ایران رفته و در ایران به این ویروس مبتلا و از دو ماه به این طرف از وی هیچ خبری ندارد. او در صحبت با خبرنگار ماهنامه تخصص بیان کرد که از طرف هیچ نهاد دولتی و خصوصی برایش کمک نرسیده است، وی همچنان از روند توزیع نان خشک شاکی است و بیان می‌کند، نمی‌دانم دولت نان خشک را به چه افرادی توزیع کرده است.

در همین حال، غلام حضرت مشفق شاروال هرات در گفتگویی با خبرنگار تخصص گفت: "با وجود اینکه تأیید می‌کنم که کاستی‌های در روند توزیع نان خشک در هرات وجود داشته، اما ۸۰ درصد این روند در هرات به خوبی پیش رفته است و شکایت مردم در این رابطه از سوی شاورالی هرات بررسی شده و با افراد متخلف برخورد صورت گرفته است."

شاروال هرات افزود، بیشتر افرادی که از توزیع نان خشک شکایت داشته‌اند در نواحی پانزده‌گانه شهر هرات زندگی نمی‌کردند و بیشتر از اطراف هرات بودند. با اینکه صحت عامه هرات از نخستین روزهای شیوع ویروس کرونا به مردم هشدار داد و آنان را به رعایت موارد بهداشتی دعوت کرد، اما مردم توجه آنچنانی به این حرف‌ها نکردند، تا اینکه این ویروس شیوع پیدا کرد و مواد تشخیصیه در هرات نیز کاهش یافت، اما این اداره همچنان تلاش‌های خود را برای مهار بیماری کرونا ادامه داد.

## ضرر ۳۰ درصدی تجارت هرات

کرونا وضعیت تجارت و اقتصاد را نیز دچار بحران ساخته است و افغانستان نیز از این وضعیت مستثنی نبوده است. مسوولان در اتاق‌های تجارت و سرمایه‌گذاری هرات می‌گویند که صادرات هرات در زمان قرنطین کرونایی ۳۰ درصد کاهش یافته است.

محمد یونس قاضی‌زاده؛ رئیس اتاق‌های تجارت و سرمایه‌گذاری هرات در صحبت با ماهنامه تخصص گفت: "به دلیل مسدود بودن راه‌های تجاری در اثر قرنطین دوران کرونایی در سه ماه اخیر روند صادرات افغانستان را به مشکلات حد روبرو ساخته است و این موضوع نگران کننده است و تجارت هرات حدود ۳۰ درصد ضرر دیده است."

آقای قاضی‌زاده اضافه می‌کند که در بخش واردات نیز پروژه‌های مهم زیربنایی افغانستان نیز به حالت تعلیق است و بر اساس بررسی اتاق‌های تجارت و سرمایه‌گذاری در حدود ۴۰ درصد مواد وارداتی بخش سوخت و مواد ساختمانی نیز کاهش داشته است. وی بیان می‌کند، ما در صد این هستیم که کنفرانس‌های را با متخصصان اقتصادی و تجاری داشته باشیم و برای بررسی مشکلات تجاری هرات در دوران کرونا و پس از کرونا چاره‌سنجی کنیم. با این وجود کارشناسان اقتصادی در هرات بدین باوراند که، تأثیر کرونا بر اقتصاد و تجارت را نمی‌شود نادیده گرفت و متأسفانه دولت هم توانایی کمک و مدیریت آنچنانی وضعیت بحرانی اقتصادی و تجاری ناشی از کرونا را ندارد.

نصیر احمد فرهنگم استاد دانشگاه می‌گوید: "ما چون کشور صنعتی نیستیم و صادرات ما بسیار کم است، بناءً صدمه‌یی که از این ناحیه دیده‌ایم کم است، اما با آن هم صدمه وارده بر پیگره اقتصاد و تجارت نباید نادیده گرفته شود، ولی من بر توانایی دولت برای بحران این مدیریت بی‌باور هستم." وی اضافه می‌کند، سرمایه‌گذاران متکی به درایت و تجربه خود برای کاهش صدمات وارده اقدام می‌کنند و این موضوع وابسته به شرایط و نحوه صعود و نزول آیدمی کرونا است و این مشکل با گذشت زمان و فروکش نمودن واگیری کرونا حل خواهد شد.

این در حالیست که چندی پیش اتاق تجارت و سرمایه‌گذاری افغانستان به رسانه‌ها گفته بود که با شیوع

مردم کرونا را باور کردند، دولت قیود روزگردی کنار گذاشت. بسیاری از مردم در اوایل ویروس کرونا را یک شایعه بیش نمی‌دانستند، و حتی زمانی که دولت محدودیت‌های قرنطینه را گذاشت بسیاری از کسبه کاران و افراد که به صورت روزمزد کار می‌کردند، اعتراضاتی را به راه انداختند.

اما پس از گذشت چند روز؛ زمانی که تسلیت گفتن‌ها در شبکه‌های اجتماعی و آمارهای اعلام شده از سوی ریاست صحت عامه هرات زیاد شد، مردم به کرونا باور کردند.

فرزاد پویا از جمله افرادی است که به کرونا مبتلا شده و دوباره صحت‌یاب شده است. او از تجربه خود در مورد ویروس کرونا چنین می‌گوید: "من در اوایل نسبت کرونا و آمار بالا و پایین که از سوی صحت عامه نشر می‌شد چندان باوری نداشتم، اما با آن هم شرایط پیشگیرانه مراعات می‌کردم. بعد از چند روز علائم کرونا را در وجودم حس کردم و تا دو هفته این علائم در وجودم بود، و بعد آن باور من نسبت به وجود ویروس کرونا در هرات کامل شد. او می‌افزاید، تا هنوز هم تجربه کمی در مورد ویروس کرونا در اختیار دکتران و مردم قرار دارد و معلوم نیست که این ویروس چی زمانی از بین خواهد رفت، بنابراین باید تلاش کنیم موارد بهداشتی که سازمان‌های صحی پیشنهاد می‌کند، مراعات کنیم."

سید وحید؛ قتالی والی هرات در اوایل ماه جوزا سال جاری؛ در یک کنفرانس خبری به خبرنگاران گفت که مسدود کردن چند جاده نمی‌تواند مانع گسترش ویروس کرونا شود و ما باید برای جلوگیری از شیوع ویروس کرونا راه‌های بدیلی مثل فاصله‌گذاری اجتماعی را مراعات کنیم. در همین حال، محمد رفیق شیرزی سخنگوی ریاست صحت عامه ولایت هرات روز چهارشنبه، ۲۸ جوزا در صحبت ماهنامه تخصص بیان کرد قرنطین شهر یکی از راه‌های جلوگیری شیوع بیماری ساری است، اما به دلیل وضعیت شرایط اقتصادی که در افغانستان حاکم است امکان دوام قرنطینه در شهر وجود نداشت. سخنگوی ریاست صحت عامه هرات اضافه کرد که متأسفانه با برداشتن قیود روزگردی هرات تعداد بیماران کرونا زیاد شد و هنوز وضعیت در هرات اضطراری است.





# کرونا؛ هوش مصنوعی به جبهه نبرد می‌پیوندد



جین ونگفیلد

پروتئین است. طبیعت ساده نیست و نتیجه شبکه واکنش‌های زنجیره‌ای چندین پروتئین است. " استفاده از داروی شبکه، هوش مصنوعی و تلفیق این دو به شناسایی ۸۱ داروی احتمالی منجر شده است. پرفسور آلبرت لاسلو باراباسی می‌گوید: "عملکرد هوش مصنوعی می‌تواند کمی بهتر باشد یعنی فقط دنبال همبستگی‌های درجه بالا نباشد و ریزداده‌های مستقلی را پیدا کند که ممکن است داروی شبکه سنتی نادیده گرفته باشد."

بعضی از شرکت‌های هوش مصنوعی ادعا می‌کنند که دارویی را پیدا کرده‌اند که می‌تواند کارآمد باشد.

شرکت هوش مصنوعی بنولنت داروی "باری‌سیتی‌نپ" را که برای درمان آرتريت روماتوئید تایید شده به عنوان یک درمان احتمالی برای جلوگیری از آلودگی سلول‌های ریوی به ویروس کرونا مطرح کرده است. این دارو در حال حاضر در مؤسسه ملی آلرژی و بیماری‌های عفونی آمریکا در مرحله کارآزمایی کنترل شده است.

در کره جنوبی و آمریکا برای بررسی احتمال کارآمدی داروهای ضدویروس موجود از "یادگیری عمیق" استفاده و داروی "انازاناور" را که در درمان اینز به کار می‌رود به عنوان یک گزینه احتمالی پیشنهاد کرده‌اند. شرکت‌های دیگر از هوش مصنوعی برای هدف متفاوتی استفاده می‌کنند؛ تجزیه و تحلیل تصویربرداری‌های پزشکی برای کمک به رادیولوژیست‌ها در پیش‌بینی اینکه کدام بیماران به احتمال زیاد به دستگاه تنفس مصنوعی احتیاج خواهند داشت. به عنوان مثال، شرکت بزرگ "علی بابا" اعلام کرده الگوریتمی یافته که در ۲۰ ثانیه با دقت ۹۶ درصد، این بیماری را تشخیص می‌دهد. اما بعضی از کارشناسان هشدار می‌دهند که احتمال زیادی دارد سیستم‌های هوش مصنوعی در زمینه عفونت‌های پیشرفته‌تر، آموزش دیده باشند و برای تشخیص علائم اولیه عفونت مناسب نباشند.

پرفسور درزی می‌گوید باید سیاست‌گذاری جهانی در جهت متقاعد کردن شرکت‌های دارویی بزرگ به همکاری با منابع کوچک‌تر اطلاعات دارویی باشد مثل دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های خیریه تحقیقاتی: "هیچگاه زمان اینقدر مهم نبوده که در مقابل با کرونا اسرار اطلاعات دارویی هرچه زودتر در اختیار هوش مصنوعی قرار گیرد."

سه‌دارویی از بین ۴ هزار داروی تایید شده موجود. پرفسور آرا درزی، رئیس مؤسسه نوآوری‌های سلامت جهانی در امپریال کالج لندن به بی‌بی‌سی گفت: "هوش مصنوعی یکی از قوی‌ترین روش‌ها برای یافتن یک راه حل ملموس است. در اصل ما به داده‌هایی عظیم، باکیفیت و پالوده نیاز داریم. بسیاری از این اطلاعات پیش از این با در شرکت‌های دارویی بزرگ خاک می‌خورد یا تکلیف مالکیت معنوی آنها روشن نبود یا در آزمایشگاه‌های قدیمی دانشگاه‌ها به فراموشی سپرده شده بود. اکنون بیش از هر زمانی به تجمیع اطلاعات پراکنده احتیاج داریم تا محققان هوش مصنوعی با استفاده از تکنیک‌های جدید یادگیری ماشین بسرعت درمانی برای کرونا پیدا کنند."

کودکان افغانستان در روزهای قرنطینه چه کنند؟ کرونا؛ آیا مدرکی برای منشاء آزمایشگاهی ویروس وجود دارد؟ کرونا؛ همه آنچه باید درباره ماسک بدانید

یافته‌های شگفت‌انگیز در آمریکا، آزمایشگاه باراباسی دانشگاه نورث ایسترن، دانشکده پزشکی هاروارد، مؤسسه علوم شبکه استنفورد و شرکت بیوتکنولوژی تازه تأسیس "شیفر مدیسین" با همکاری هم در پی تغییر سریع کاربری داروهای موجود برای درمان کرونا هستند. الیف صالح، مدیر اجرایی شرکت شیفر می‌گوید "معمولاً فقط همین هماهنگی به یک سال کاغذبازی احتیاج دارد" ولی کنفرانس تلفنی با ایلیکیشن زوم و "عزم جزم" عده‌ای که اکنون وقت زیادی دارند سرعت کار را زیاد کرده است: "کار سه هفته اخیر ما معمولاً شش ماه طول می‌کشید. همه دیگر کارهایشان را کاملاً تعطیل کرده‌اند." در حال حاضر نتیجه این تحقیقات شگفت‌انگیز بوده است: این احتمال مطرح شده که ویروس ممکن است به بافت مغز حمله کند و این شاید دلیل از دست رفتن حس چشایی و بویایی در بعضی باشد.

این پیش‌بینی مطرح شده که ویروس کرونا ممکن است به دستگاه تولید مثل مردان و زنان حمله کند.

شرکت شیفر مدیسین هوش مصنوعی را با روشی تلفیق کرده که به آن "داروی شبکه" می‌گوید. این شیوه بیماری را به چشم واکنش‌های پیچیده اجزای مولکولی نگاه می‌کند.

آقای صالح می‌گوید: "فوتوتیپ (رخنمود) بیماری بندرت به دلیل ناکارآمدی فقط یک ژن یا یک

به نظر می‌رسد که برای مهار همه‌گیری جهانی کرونا که جان بسیاری را می‌گیرد، به تلاشی فوق بشری نیاز است. هوش مصنوعی کارایی خود را در پزشکی به اثبات رسانده اما آیا می‌توان برای درمان این بیماری، از "یادگیری ماشین" کمک گرفت؟

شرکت‌های زیادی در پی راه حل این معضل هستند. شرکت اکسانیشیا در آکسفورد اولین شرکتی است که دارویی را برای آزمایش روی انسان پیشنهاد کرد که هوش مصنوعی یافته بود. در حال حاضر این شرکت در میان ۱۵ هزار داروی موجود در مؤسسه تحقیقاتی اسکریپس در کالیفرنیا جستجو می‌کند.

شرکت هیلکس در کمبریج که دکتر دیوید براون آن را بنیان گذاشته یکی از مبدعان وی‌اگراست. این شرکت در سیستم هوش مصنوعی خود که برای یافتن درمان بیماری‌های نادر طراحی شده بود تغییر کاربری داده است.

## این هوش مصنوعی سه کار می‌کند:

همه متون علمی موجود در این زمینه را بررسی می‌کند دی‌ان‌ای و ساختار ویروس را مطالعه می‌کند.

فایده داروهای موجود را بررسی می‌کند.

کنف دارو معمولاً زمان‌بر است. دکتر براون به بی‌بی‌سی گفت: "۴۵ سال است که در این زمینه فعالیت می‌کنم و فقط سه دارو وارد بازار کرده‌ام."

اما به نظر می‌رسد هوش مصنوعی بسیار سریع‌تر است. دکتر براون می‌گوید: "فقط چند هفته طول کشید تا هوش مصنوعی اطلاعات مورد نیاز ما را جمع‌آوری کند و در چند روز گذشته حتی اطلاعات جدیدی هم به ما داده است. در حال حاضر ما در مرحله‌ای هستیم که می‌توانیم کارمان را شروع کنیم. الگوریتم‌های ما در عید پاک بارها اجرا شدند و هفته آینده نتیجه سه شیوه مختلف را خواهیم داشت." شرکت هیلکس امیدوار است تا ماه دیگر یک لیست از داروهای بالقوه داشته باشد و برای استفاده از این پیش‌بینی‌ها در کارآزمایی‌های بالینی مذاکرانی را شروع کرده است. در کشف داروی کرونا با کمک هوش مصنوعی دو گزینه وجود دارد:

ساخت یک داروی کاملاً جدید که دو سالی طول می‌کشد تا تأیید شود. تغییر کاربری داروهای موجود. دکتر براون می‌گوید بعید به نظر می‌رسد فقط یک دارو بتواند این کار را انجام دهد. این برای هیلکس یعنی تجزیه و تحلیل دقیق ۸ میلیون درمان دودارویی. و ۱۰۵ میلیارد درمان





# هیجان اخترشناسان از مطالعه درخشانترین ابرنواختر

شده بودند بین ۸ تا ۱۵ برابر جرم خورشید بوده است.

کهکشانی که این ابرنواختر در آن کشف شده حتی نامگذاری هم نشده است. به گفته ادو برگر، عضو هیات علمی دانشگاه هاروارد که او نیز در طرح مطالعه ای ابرنواختر شرکت داشته، فاصله این کهکشان تا کره زمین حدود چهار میلیارد سال نوری است.

این ابرنواختر دورترین ابرنواختری نیست که تا کنون کشف شده است. رکورد فاصله از زمین به ابرنواختر موسوم به دی‌ئی‌اس ۱۶ سی ۲ ان‌ام تعلق دارد که در فاصله ۱۰ و نیم میلیارد سال نوری زمین واقع شده است.

اما فاصله این واقعه با زمین به اندازه کافی زیاد بود که به اخترشناسان امکان آن را بدهد که "به گذشته و آغاز پیدایش کیهان سفر کنند".

آقای برگر گفته است که "پژوهشگران نمی‌توانستند در زمان مناسب تر از حال حاضر این ابرنواختر خارق‌العاده را کشف کنند".

به گفته او "تلسکوپ فضایی جیمز وب متعلق به سازمان فضانوردی آمریکا - ناسا - به ما امکان آن را داده است تا وقایع مشابه را در گذشته‌های چنان دور مشاهده کنیم که عملاً بتوانیم مرگ تمامی ستارگان ابتدایی کیهان را ببینیم".

ناشی از انفجار یک ابرنواختر در اندازه معمولی است." او می‌افزاید که "این بیشترین مقدار نور ساطع شده از یک ابرنواختر است که تا امروز مشاهده شده است."

گروه اخترشناسان از چندین مؤسسه برای دو سال به مشاهده ابرنواختر اس ان ۲۰۱۶ ایس ادامه دادند تا اینکه پرتوافشانی آن به ۱ درصد نورانی‌ترین نقطه آن کاهش یافت.



این مشاهدات به آنان امکان داد تا همراه با بررسی‌های دیگر، جرم این ابرنواختر را نیز محاسبه کنند. نتیجه محاسبه این بوده که جرم این ابرنواختر بین ۵۰ تا ۱۰۰ برابر جرم خورشید ماست.

جرم ابرنواخترهایی که پیش از این مشاهده

وقتی که در سال ۲۰۱۶، اخترشناسان یک ابرنواختر (سوپرنوا) را کشف کردند، درخشندگی فوق‌العاده این ابرنواختر که از درخشش کهکشان آن نیز بیشتر بود تردیدهایی را به همراه آورد. اخیراً یک گروه بین‌المللی در مقاله‌ای نوشته است که انفجار منجر به مرگ این ابرنواختر که آن را اس ان ۲۰۱۶ ایس نام داده‌اند، تقریباً چهار میلیارد سال پیش به وقوع پیوسته باشد که احتمالاً نورانی‌ترین و نیرومندترین واقعه کیهانی از این نوع بوده که تاکنون بشر کشف کرده است.

این گروه از اخترشناسان در مقاله‌ای که در نشریه علمی استرونومی نیچر منتشر شده این نظر را مطرح کرده‌اند که ممکن است اس ان ۲۰۱۶ ایس نوعی از ابرنواختر باشد که به "نواختر دوتایی ناپایدار" موسوم است و وجود آن تاکنون فقط به طور نظری پیش بینی شده بود.

## هزار روز پرتوافشانی

این ابرنواختر پس از این که برای اولین بار در سال ۲۰۱۶ مشاهده شد، برای بیشتر از یک هزار روز به پرتوافشانی ادامه داد.

مت نیکول، عضو مدرسه علوم فیزیک و اخترشناسی دانشگاه بیرمنگام در بریتانیا و یکی از نویسندگان مقاله اخیر در نیچر استرونومی در بیانیه‌ای گفته است: "در یک ابرنواختر معمولی، پرتوافشانی شامل کمتر از یک درصد از کل انرژی آن است. اما متوجه شدیم که در اس ان ۲۰۱۶ ایس میزان پرتوافشانی پنج برابر انرژی







بایرن مونیخ بر اساس این تحقیق از ۸۰۹ میلیون یورو به ۵۴۲ میلیون یورو افت می‌کند. در فرانسه مجموع قیمت بازیکنان پاری سن ژرمن در صورتی که تا آخر ماه ژوئن مسابقات انجام نشود، بیش از ۳۰۰ میلیون یورو کاهش پیدا می‌کند و از ۹۶۱ میلیون یورو به ۶۵۹ میلیون می‌رسد. البته باید توجه کرد که ارزش تیم‌ها هیچ‌گاه با این ارقام در ترازنامه باشگاه‌ها قید نمی‌شوند چون از لحاظ حسابداری، مانند سایر "دارایی"ها ملاک قیمت خرید آنها است. پیشبینی می‌شود ارزش بازیکنان لیورپول، قهرمان اروپا و گران‌ترین تیم فوتبال جهان بر اساس برآورد رصدخانه فوتبال، حدود ۳۵۰ میلیون یورو کاهش یابد. به عبارت دیگر ارزش بازیکنی که در آکادمی خود باشگاه پرورش پیدا کرده و خریداری نشده است، در صورت‌های مالی صفر درج می‌شود اما ارزش کریستیانو رونالدو در دفاتر باشگاه یوونتوس تورین صد میلیون یورو، قیمت خرید او، ثبت شده است. تهدید اصلی برای باشگاه‌های فوتبال به اعتقاد کارشناسان اقتصادی افت قیمت بازیکنان در بازار است. اکثر پیش‌بینی‌ها از کاهش قیمت‌ها در بازار میلیاردری نقل و انتقالات فوتبال اروپا، بعد از بحران کرونا حکایت می‌کند. در این صورت درآمد باشگاه‌ها از این بازار کاهش پیدا خواهد کرد. در این میان باشگاه‌های هلند، فرانسه و پرتغال که این یکی از منابع اصلی درآمدی‌شان بود بیشتر از بقیه متضرر می‌شوند. به اعتقاد صاحب‌نظران، یک پیامد دیگر کاهش ممتد قیمت بازیکنان این است که حساب‌رسان در قیمت‌گذاری باشگاه‌ها تجدید نظر خواهند کرد و ارزش باشگاه‌ها در کل کمتر خواهد شد که بر اعتبار مالی باشگاه‌ها تأثیر خواهد گذاشت.

این گروه تحقیقاتی در این پژوهش عوامل مختلفی را از جمله سن بازیکنان، مدت قراردادهای، مسیر دوران حرفه‌ای، پست بازی و عملکرد در فصل اخیر در نظر گرفته است. بر این اساس بیشترین کاهش ارزش شامل بازیکنان مسن‌تری می‌شود که قراردادهای کوتاه‌مدت است و در این فصل کمتر از فصل قبل بازی کرده‌اند. بر اساس الگوریتمی که این گروه به کار برده، به عنوان نمونه ارزش پل یوگیا، بازیکن فرانسوی باشگاه منچستر یونایتد از ۶۵ میلیون یورو به ۳۵ میلیون یورو افت می‌کند. بر اساس این پژوهش، ارزش تیم فرانسوی المپیک ماریس نیز بیش از دیگران کاهش می‌یابد. قیمت بازیکنان این تیم روی هم حدود ۲۸ درصد کاهش پیدا خواهد کرد. استاد برستوا، دیگر باشگاه فرانسوی از این لحاظ کمترین آسیب را خواهد دید و ارزش تیم‌هاش تنها ۱۶ درصد کمتر می‌شود. باشگاه‌های بزرگ‌تر اروپا که بازیکنان گران‌قیمت‌تری دارند، طبیعتاً از لحاظ ارزش تیم بیشترین صدمه را می‌بینند. به عنوان نمونه، مجموع ارزش بازیکنان رئال مادرید در بازار نقل و انتقالات با ۲۶۰ میلیون یورو کاهش (۳۲ درصد) از ۱ میلیارد و ۱۰۰ میلیون یورو به ۷۵۰ میلیون یورو می‌رسد. ارزش تیم بارسولونا هم از ۱ میلیارد و ۱۷۰ میلیون یورو به ۸۰۴ میلیون یورو کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر ارزش دارایی پر درآمدترین باشگاه فوتبال جهان بیش از ۳۰۰ میلیون یورو کم می‌شود. در انگلستان ارزش تیم منچستر سیتی از ۱ میلیارد و ۳۰۰ میلیون یورو به ۹۴۹ میلیون یورو کاهش پیدا می‌کند. ارزش بازیکنان لیورپول، قهرمان اروپا و گران‌ترین تیم فوتبال جهان بر اساس برآورد گروه تحقیقاتی "رصدخانه فوتبال سی‌ای‌اس"، حدود ۳۵۰ میلیون یورو کاهش می‌یابد و از ۱ میلیارد و ۴۰۰ یورو به ۱ میلیارد ۵ میلیون یورو می‌رسد. گران‌ترین تیم فوتبال آلمان هم با کاهش شدید ارزش مهم‌ترین دارایی‌اش مواجه می‌شود. ارزش بازیکنان

بحران کرونا برای بسیاری از باشگاه‌ها پیامدهای مالی شدیدی دارد. لئو مسابقات باعث کاهش میلیاردها یورو درآمد در فوتبال اروپا شده است. تقریباً همه منابع درآمدی باشگاه‌های فوتبال از جمله درآمدهای تلویزیونی، درآمدهای تجاری و درآمدهای روز مسابقه به دلیل تعطیلی لیگ‌ها تحت تأثیر قرار گرفته‌اند تا حدی که برخی از باشگاه‌ها را حتی خطر ورشکستگی تهدید می‌کند. همه‌گیری جهانی کرونا بر ترازنامه باشگاه‌های اروپایی، به ویژه باشگاه‌های بزرگ‌تر هم تأثیر می‌گذارد و ریسک‌های مالی مضاعفی را به وجود می‌آورد. دلیل این قضیه کاهش ارزش بازیکنان در بازار نقل و انتقالات است؛ مهم‌ترین دارایی یک باشگاه فوتبال. پیش از کرونا چه چیزهایی فوتبال انگلیس را تعطیل کرد؟ از جنگل سیاه تا لیورپول؛ ماجرای سفر رویایی یورگن کلوپ کرونا: چرا سازمان‌های ورزشی در برابر لغو مسابقات مقاومت می‌کنند؟ بر اساس پژوهش جدیدی که گروه تحقیقاتی "رصدخانه فوتبال"، مرکز بین‌المللی مطالعات ورزشی (CIES) در سوئیس انجام داده است، اگر همان طور که انتظار می‌رود لیگ‌های داخلی کشورها و همچنین لیگ قهرمانان و لیگ اروپا، دست‌کم تا پایان ژوئن تعطیل بمانند، ارزش تیم‌های حاضر در لیگ‌های برتر اروپا می‌تواند تا ۳۵ درصد کاهش یابد. بر اساس بررسی‌های این مرکز معتبر که مقر آن در نوشاتل سوئیس است، ارزش بازیکنان شاغل در پنج لیگ بزرگ اروپا، یعنی اسپانیا، انگلستان، آلمان، ایتالیا و فرانسه، در صورتی که تا پایان ژوئن هیچ بازی‌ای انجام نشود، در مجموع ۲۸ درصد کاهش پیدا می‌کند و از ۳۲ میلیارد و ۷۰۰ میلیون یورو به ۲۳ میلیارد و ۴۰۰ میلیون یورو می‌رسد. رصدخانه فوتبال می‌گوید ارزش پل یوگیا در پایان دوران کرونا احتمالاً ۲۰ میلیون یورو افت می‌کند.



# وطنشکوه

من و دردهای پنهان رفته از یاد دوباره بی صدماندیم زفریاد دگر کس نشنود آواز ما را کسی دیگر نجوید آشنارا بسی در گیر آرمان های کورند و تعدادی پی اهداف شومند بیایکبار گوش کن جان سپارم که تا آگه شوی از حال زارم نمان در راه بی راهه تو گاهی نخواهی یافت از این ره تو گاهی نگر بر چشمه های خسته من نظر کن بر دل بشکسته من صدابند آمده بسکه بنالم نمی سوزد دل تهر گز به حالم مگر چون مادری نازت نندام؟ به مثل یک پدر نانت نندام؟ نبودم من برایت تاج فخری؟ نبودم مکتب ادراک و فهمی؟ ننوشیدی مگر تو جام غیرت؟ که ماندی بی صدا در خواب غفلت چرا بر اجنبی دل بند کردی چرا بر دشمن لب خند کردی چرا کردی فراموش خانمات را غرور و عزت و کاشانه ات را

(بی بی معصومه حسینی)

## پرستاران هرات، روی ترس لگد کرده و برای نفس کشیدن مردم خود مبارزه می کنیم



ویروس کرونا امروزه همه را وحشتزده ساخته و پرستارانی که در صف اول مبارزه با این ویروس قرار دارند بیشتر در معرض ترس و استرس ناشی از کرونا قرار دارند، اما با این حال در مقابل این



این صحنه برای مبارزه با کرونا قوی تر شدم." او از مردم می خواهد که با رعایت نکات بهداشتی و مبارزه با کرونا، پرستاران را خوشحال سازند. عبدالعظیم رحیمی که مسوول بخش پرستاران شفاخانه - کوید ۱۹ شیدایی - هرات می باشد در صحبت با اخبار روز بیان می کند که ترس و اضطراب به دلیل نزدیک بودن ما با مریضان کرونایی وجود دارد، اما این ترس مانع مبارزه ما نمی شود.

او بیان می کند مریضان کرونایی در کنار مریضی کرونا دچار اضطراب و ترس نیز هستند و ما باید در کنار پرستار بودن با این افراد رفتار خوب داشته و آنان را به زندگی امیدوارتر بسازیم. با این جمله حرفش را ختم می کند: "لطفا مواظب خودتان باشید". در همین حال روان شناسان در هرات تأکید بر این دارند که ترس و اضطراب کرونا بیشتر کسانی را هدف قرار می دهد که در خط نخست مبارزه با این بیماری هستند و پرستاران هم جز سربازانی اند که در خط اول مبارزه با این ویروس کار می کنند.

فضل الرحمن فاضل استاد دانشگاه و روان شناس در هرات بیان می کند، باید برای روحیه دهی به کسانی که در خط اول مبارزه با کرونا هستند، کارهای تشویقی از سوی مردم و دولت صورت بگیرد. او اضافه می کند، پرستارانی که در این برهه زمانی و شرایط حساس مصروف فعالیت اند دچار استرس و ترس می شوند و حتی ممکن است در آینده نیز این ترس در زندگی شان باقی بماند، بنابراین لازم است که دولت با برگزاری جلسات کاهش ترس و استرس، برای پرستاران روحیه دهی شود. این در حالی است که آمار کرونا در افغانستان در حال افزایش و تا به حال بیش از سی هزار مورد مثبت کرونا در کشور به ثبت رسیده است، با این حال بی باوری مردم نسبت به کرونا هر روز بیشتر می شود.

ترس ایستادگی می کنند تا انسانی از نفس نیفتد و زندگی نماید.

فاطمه انصاری پرستار ۲۱ ساله ای که در شفاخانه کوید ۱۹ شیدایی کار می کند، او بیان می کند با وجودیکه کرونا ترس را بین همه ی مردم برانگیخته، اما من به این فکرم که چگونه یک انسان را وادار به نفس کشیدن کنم.

او می گوید: "این ویروس با وحشتی که ایجاد کرده بر روی ما هم تأثیر گذاشته، ولی ما روی این ترس لگد کرده و برای مبارزه خود را قوی تر می سازیم."

او از تجربه خود که همین دیروز اتفاق افتاده می گوید: "دیروز مریضی داشتیم که به شدت نفس تنگ بود و چشمانش طوری به ما نگاه می کرد، انگار می خواست بگوید، می خواهم دوباره زنده باشم و برگردم. اگر دیرتر دست به کار می شدیم ممکن بود مریض را از دست بدهیم، اما خوشبختانه که زنده ماند و من بعد از دین



## شبکه نهادهای جامعه مدنی هرات:

# حملات اخیر در کابل و ننگرهار وحشیانه و غیر انسانی بود



دارد، که دولت به این حملات وحشیانه چگونه پاسخ می دهد. مسعود قاری زاده یکی دیگر از باشندگان هرات نیز حملات کابل و ننگرهار را تأسفبار خوانده و گفت، افرادی که حملات اخیر را در کابل و ننگرهار انجام دادند، دشمنان قسم خورده مردم افغانستان هستند و نباید دولت در مقابل شان از ملایمت کار بگیرد. حملات اخیر در کابل و ننگرهار ۵۱ کشته برجای گذاشته است. این حملات را نهادهای بین المللی به شدت محکوم کرده و خواهان مجازات عاملین آن هستند.

این در حالیست که محمد اشرف غنی رییس جمهوری کشور دستور حمله به گروههای دهشتافکن را صادر کرده است.

افغانستان است و دولت باید بکوشد که هرچه زوتر با طالبان صلح کرده و جلو گروههای تروریستی دیگر را بگیرد.

سونیتا شریف عضو نهادهای جامعه مدنی هرات می گوید: "حملاتی که در دشت برچی و ننگرهار اتفاق افتاده و وحشیانه و دور از عملکرد انسان است." در همین حال، شماری از شهروندان هرات حمله به شفاخانه نسایی ولادی در کابل را عملی دور از انسانیت دانسته و خواهان مجازات عاملین این حملات هستند. آریا یزدان پناه که یکی از شهروندان است بیان می کند که صلح با افرادی که حتی به نوزاد یک روزه و مادر مریض رحمی ندارند، صلح هیچ معنایی ندارد، دولت افغانستان باید واکنش های جدی به این حملات نشان دهد.

وی می گوید: "اعتماد مردم به دولت به این بستگی

شبکه نهادهای جامعه مدنی هرات طی یک کنفرانس مطبوعاتی حملات اخیر در کابل و ننگرهار را وحشیانه توصیف کرده و از دولت خواهان مجازات عاملین این رویدادها هستند.

سید اشرف سادات، فعال مدنی در هرات بیان می کند، انجام حملات اخیر در افغانستان، این پیام را می رساند که ماده های موافقت نامه صلح از سوی طالبان رعایت نشده و آنان هیچ تمهیدی برای کاهش خشونت در کشور ندارند.

آقای سادات افزود، این حملات از سوی تمامی مردم به شمول نهادهای جامعه مدنی محکوم است و ناظرین بین المللی باید طالبان را وادار به پذیرش مواد موافقت نامه صلح و کاهش خشونت ها در افغانستان کنند.

وی همچنان بیان می کند عدم پذیرش مسوولیت این حملات از سوی طالبان نشان دهنده رشد گروه های تروریستی دیگری در



دور سوم شماره ۱۴۰ - ۱۴۱ حمل و ثور ۱۳۹۹

۲۹



# انسان مفرور و ویروس کوچک کرونا

نویسنده: رونا عزیزی

خدای پاک، که خدایا این چه بیماریست تو کمک مان کن، چرا در وقت نیاز یاد ما میاید که در حق خدای خود بنده گی نکردیم؟ وای بر ما فراموش کاران، و زبان کاران در حق خود. ای انسان آن همه غرورت کجاست؟ چرا نمی توانی چاره یی جز رجوع به خدا کنی؟ ویروس خیلی کوچک ترا به چه روزی انداخته. به یاد داری نشانه های بارزی را که خالق گران بها به واسطه پیامبران از خود گذر بر ما آوردن؟ فرعونی که دعوی خدای نمود با پشه کوچک از دیار روزگار گذشت، گاهی نشانه یی از طوفان شدید، گاهی با نشانه آب دریا، با هزار نشانه روشن به تو فهماند که خیلی کوچکی و به فنا خواهی رفت مگر چه کردی؟ از یک ویروس کوچک می ترسی این قهر خدای توست که نشانه دیگری را برایت آشکار می سازد پس بدان، بدان که در حال عصیان خود بوده یی، بدان که خواسته قهر خدا را بر خود بر انگیختی، بدان که غرورت به منزله ذلت و حقارت است، در اوج قدرت خودت را فراموش کردی و ذلت را فرا گرفتی، تو اکنون آفریده شدی که فرشته های خدا ترا تعظیم کردن، به خاطر تو یکی از فرشته های خدا شیطان شد، او هم چون تو مغرور گشته بود. ولی به خاطر تو شد ابلیس، پششین و بیاندیش شاید هنوز هم دیر نیست، دروازه رحمت خالق تو به رویت باز است، بدان که برای توبه هیچ زمانی دیر نیست، پس توبه نما با گریه از ته دل آمرزش بخواه حتما بخشش بدست خواهی آورد، شبانگاه به جای معصیت مناجات نما، وقتی چشمت در نیمه شب باز می شود بگو شکر، آمرزش بخواه برای خود و برای دیگران، قیور را نگاه کن بین که جایگاه آخرت کجاست، مگر تو می توانی در همان عمق زمین باغی از بهشت را نصیب شوی، فقط ضرورت نماز توست، اخلاق تو، شکر تو، و انسانیتت خواهد بود. از ظلم دست بردار، دست بیچاره را بگیر، یتیم را بنواز تا خدا نوازد ترا، دعا نما و سر تعظیم فرود آر، بدون شک او ترا غریق رحمت خواهد کرد. با آنکه خالق توست مگر نزدیک ترین دوست تو همچنان است.

رازهای درسته تو نزدش باز است، پس او را به دوستی بخوان و پادشاه باش، خدای تو منتظر یک بار توبه از عمق دل توست، او رحمان فرموده است که: اگر انسان ها بدانند که چقدر مشتاق توبه شان هستم از سر خوشی بی روح خواهند شد، پس بیا و دوباره جایگاه اشرف مخلوق بودن را نشان کائنات بده. تا باشد که خدای پاک از روی توبه و انسانیت ما غضبش را از ما مہار کنیا و چون اولین روز به دنیا آمدنت پاک و مقدس شو.

انتحار هر روز من خونین تر از روز قبل می شوم. به بهانه دموکراسی جامه حیا را بر بریدند و بی حیای را نشانه رشد و نبوغ خود می دانند. حجاب نشانه بی کلاسیست، بین زمین ترا جای ساخته اند که هرزگی مد، بی آبروی کلاس، مستی دود و دم شده تفریح، رابطه با نامحرم نشانه برای رشد و روشنفکریت بالاخره بی فرهنگی را فرهنگ می دانند. خدایا! پیرس از دریاها خروشان که تو آنها را برای آسودگی همین موجود مغرور آفریدی، تا بتوانند طعم آسودگی بچشند، ببین که در دریای خروشان جای برای ماهی نیست و فقط کتافات را می توانیم جایگزینش ببینیم. ای خدای بزرگ تو انسان را با مقامی آفریدی که فرشته نمی تواند به مقامش تقرب کند، آنهم فرشته همان موجوداتی که یک لحظه از عبادت تو غافل نیستند، تو انسان را بلند پایه تر از آن آفریدی. خدایا! انسان مست و مغرور شده اند، فراموش کرده اند، که ذاتی بالاتر از آنهاست که روزی در برابرش جابگو خواهند بود. او اختراع می کند و به فکر خالق شدن است. خدایا تو انم هیچ شده دیگر نمی توانم این حال انسان ها را تحمل کنم تا آن و تو شم تمام شده. خدایا تو این موجودات را برای عبادت خلق کرده ای، مگر نمایی شبانگاه کسی را مگر اندک را که گوید شکر، شکر، شکر که نماز آرامش بخشی، چه دین پر از تقوی، نه آنها شبانگاه به جای عبادت معصیت می نمایند و بس.

بالاخره زمین با آنکه می لرزد و فوران آتش از او در جریان بود سکوت اختیار نمود و در سجده رفت. خدای تعالی لیخندی زد و گفت: منتظر چنین روزی بودم تا کائنات دست به دست هم دهند و شکایت نمایند از حق خود دفاع کنند، حالا دیگر فهمیدم که شما به حق تان پی بردید، همین بود که او تعالی مأموریت سرزنش این انسان مست و مغرور حال را به ویروس کوچکی که خود آنرا کرونا می نامیم سپرد، تا به انسان مغرور حال جهت بازگویی به اینکه در اوج قدرت هنوز هم ضعیفی بفهماند که هیچی. میبینی ای انسان؟ نمی توانی از عهده ویروس کوچکی و ذره بینی بر آیی، از خانه نمی توانی بیرون بیای، پس بدان که هنگام بیرون رفتن چه می کردی، و چه های که باید می کردی نکردی. نمی توانی عزیزانت را در آغوش بگیری، بدان که در حق شان چه باید می کردی که نکردی، فرزندت را از ترس ابتلا آغوش نمی توانی دهی، بدان که آغوش عزیزت را حقیر کرده یی، بین حتی بزرگترین دانشمندانی که در حال ساخت انسان بودند توان مبارزه با این ذره کوچک را ندارند، و تو رجوع نمودی به

نخواه های ناشناخته به گوش می رسید، تاحال کسی نظیرش را نشنیده بود، این صدای کائنات بی جان و روح بود که از ظلم بی حد به ستوه آمده بودند. کائناتی که خواستار گلایه به خدای مبارک شده بودند. همه این نجوا را می شنیدند، مگر فقط یک موجود نمی شنید، گویا با آنکه چشم داشت کور بود، گوش داشت، ولی نمی شنید. این موجود انسانی است که اشرف مخلوق انتخاب شده است، مگر اینکه چرا کر و کور است؟ بعد از گلایه خواهیم فهمید. در نخست صدای بلند مگر لرزان زمین وحشی مگر رام شده برای موجود کوچکی به نام همین انسان شنیده می شد. زمین آشکار شد و سر سجده در برابر خدای خالق فرود آورد و گفت: ای خالق خلیق من سجده مرا پذیرا باش.

از جانب خالق پاک نجوا رسید که: ای زمین سرت بلند، بگو چه شده. تویی که از آغاز پیدایش هیچ گلایه ای از صحنه زنده گی مخلوقات نداشته ای، مگر حالا چه شده از کلامین کار مخلوقاتم به تنگ آمده یی، چرا پریشان حالی؟ زمین شروع به گلایه اش نمود و گفت: خدای من زمینی که رویش هر کار ناروای را روا بدارند، هر فساد را بنیاد نهند، و این را سرفرازی بدانند به نظر تو چه امید به بودنش است؟ روی این زمین خلق شده و صبور تو اعمالی در جریان است که شرم مرا به لرزه وایدارد، و حیای من آنقدر محسوس می شود که در درون اعماق زمین آتش شعله ور شده و از دهانه من بیرون می شود. فساد در اوج قدرت رسید! ظالم در حد ظلم اکبر بر مظلوم ظلم را روا می دارد. لغت رحم را پشت پا زده و دیگر به کسی با این دید نمی نگرد، علاوه بر اینکه از فقیر نفرت دارند ظلم و جفا بر او روا دارند. وقتی فقیر از کنارشان می گذرد با پوزخند تیش داری خواهند گفت دور باید رفت که این ها کثیف اند. فقیر با آنکه آسایشی ندارد، عیب فقرش عیان و عزتش پنهان است، مگر آبی که مایه اش از بهر فساد است عیبش هنریست که عزتش را بلندتر خواهد برد. انسانیت دیگر به افول گراییده دیگر کسی را کم پیدا خواهی کرد که به ریسمان انسانیت و واقعیت چنگ زده باشد، روزی هزاران انسان را به قتل می رسانند، یکی دین را بهانه می کند و می کشد و یکی هم دموکراسی را را بهانه می کند و فساد را به اوج می رساند.

به مقام پدر و مادر دیگر احترامی نیست. پدر و مادر را در مرحلای که ضرور نیست بر فرزند بیرون می اندازند. مادر و پدری که عمر عزیزش را فدای فرزندش می کند پاداش این همه نیکی اش فقط افتادن به بیرون است و بس. اینکه صدای بیچاره همیشه مرا به لرزه محسوس و می دارد، با





# تحقیق در مورد حادثه اخیر در دهنه ذوالفقار ادامه دارد



به دولت افغانستان مطرح کردیم و آنها هم برای ما قول بررسی جدی این رویداد را دادند. به تاریخ ۱۳ ثور ۱۳۹۹ گزارش‌های منتشر شد که ۵۷ تن از شهروندان کارگر افغان هنگام ورود به کشور ایران از سوی مرزبانان ایرانی به دریا انداخته شده که در نتیجه آن ۲۳ تن جان باخته‌اند. وزارت خارجه افغانستان به تازگی با نشر اعلامیه گفته که هیأت عالی‌رتبه دیپلماتیک ایران به هدف بررسی حادثه ۱۳ ثور در امتداد سرحد افغانستان و ایران با محمد حنیف اتمر، دیدار و گفتگو کرده است و تیم مشترک ایران و افغانستان برای بررسی این موضوع توافق کرده‌اند.

فریبا اکبری

مورد بررسی قرار گرفته و نتایج آن به دسترس مردم قرار گیرد." والی هرات افزود، که بررسی این موضوع به گونه‌ی جدی جریان دارد و حالا بحث روی این موضوع در سطح دیپلماسی هر دو کشور قرار دارد. از سوی هم والی هرات بیان کرد که کمک‌های نیز از طرف دولت برای بازماندگان و نجات یافته‌گان این رویداد صورت گرفته است. اما از سوی دیگر نمایندگان قربانیان این رویداد از دولت و نهادهای حقوق بشری می‌خواهند، تا به این موضوع رسیده‌گی صورت بگیرد. محمدجان میرزایی، یکی از نمایندگان قربانیان "دهنه ذوالفقار است وی بیان می‌کند که ما خواست‌های خود را

مسوولان محلی در ولایت هرات از پیشرفت‌های روند تحقیق در مورد قربانیان رویداد اخیر در منطقه "دهنه ذوالفقار" خبر می‌دهند. والی هرات روز (پنجشنبه، ۸ جوزا) در یک کنفرانس خبری بیان کرد، تحقیق تیم مشترک ایران و افغانستان روی موضوع مهاجرانی که در دریایی هریرود غرق شده‌اند جریان دارد و در این زمینه به پیشرفت‌های نیز دست یافته‌ایم. سید عبدالوحید قتالی، والی هرات در این کنفرانس خبری گفت: "اگرچه در مورد مهاجران غرق شده افغان به پیشرفت‌های دست پیدا کردیم، اما باید منتظر نتایج نهایی این تحقیق باشیم تا موضوع به گونه شفاف

# نماهای از زیارت شاهزاده‌ها از شهکارهای معماری قرن نهم هجری در هرات



بر اساس روایات و اسناد معتبر دینی، این مکان مربوط به سید عبدالله و سید قاسم، نوادگان حضرت علی «رض» است که بدست حاکمان ظالم وقت به شهادت رسیدند. گفتنی است که این مکان همه روزه شاهد تعدادی از بازدیدکننده‌های داخلی است.



اما، به مرور زمان آسیب‌های فراوانی به آن وارد شد. در سال‌های گذشته، بر اثر جنگ‌های داخلی و همچنان بدلیل رفت و آمد روزانه زائرین بصورت قسمی تخریب گردیده و از بین رفته بود در سال ۲۰۱۶ دوباره بازسازی شد.



زیارت شاهزاده‌ها در جوار مصلاي بزرگ هرات در بلندی یک تپه بزرگ قرار دارد و به زیارت شاهزاده‌ها مشهور است. این مکان به عنوان معماری در قرن نهم هجری شناخته شده است. کاشی کاری آن چشم هر مخاطبی را به خود جذب می‌کند.

در این زیارت که منطقه‌ای موسوم به «کهندز» در ولایت هرات در غرب افغانستان موقعیت دارد نوادگانی منسوب به پیامبر اکرم (ص) آرامیده‌اند و امروز مزارشان جز مناطق تاریخی و زیبای هرات است.

در کتاب جغرافیای عمومی هرات آمده است که حرم و مقبره این امامزاده برای نخستین بار در زمان «ملوک کورت» احداث شده و در سال ۹۴۱ قمری در زمان حکومت تیموریان به صورت اساسی بازسازی شد و در زمان حکومت امیر حبیب‌الله خان به صورت مجدد بازسازی شد.





**شبکه نهادهای جامعه مدنی هرات:  
حملات اخیر در کابل و ننکرها  
وحشیانه و غیر انسانی بود**



**تهدید کرونا برای فوتبال اروپا:  
بازیکنان که ارزش خود  
را از دست می دهند**



